

زیر نظر شورای سردبیری

دبیر اجرایی تحریریه: سینا قلیچ خانی

همکاران این شماره:

شرمین نادری، المیرا حصارکی، چیافوادی
فرید دانشفر، مجید سلیمی بروجنی

◆ عکس روی جلد: نیروگاه منتظر قائم، متعلق به گروه
سرمایه گذاری خوارزمی (مربوط به گزارش صفحه ۱۰)

طراح جلد: سهیل نوری

گرافیک و صفحه آرایی: مجید مرادی

ویراستار: شیدا محمدطاهر

امور دفتری: وحیده بهزادی

نشانی: خیابان ملاصدرا، شیراز جنوبی،

برزیل غربی، شماره ۲۵

تلفن: ۸۸۶۲۳۸۹۵

فاکس: ۸۸۶۲۳۸۹۶

انعکاس نظرات اشخاص حقیقی و حقوقی در
قالب مقالات، مصاحبه ها و گزارش ها، لزوماً
به معنای تایید محتوای تمامی آن ها از سوی
ماهنامه نیست.

فرارسیدن ماه محرم و شهادت مظلومانه امام حسین (ع) و یاران با وفایش تسلیت باد

فهرست

مجله اقتصاد و مدیریت

- ۲..... سرمقاله: دوراهی نقدینگی.
- ۳..... همایش سوم مدیران خوارزمی، عزمی نو برای تحقق راهبردها.
- ۱۰..... بازدید مدیرعامل گروه خوارزمی از نیروگاه منتظر قائم.
- ۱۱..... آشنایی با شرکت کارگزاری آینده نگر خوارزمی.
- ۱۴..... بورس در انتظار رونق.
- ۱۵..... رشد اقتصادی ۴/۶ درصدی از کجا آمد؟
- ۱۸..... ابزار خلاصی از درد در یک سازمان تجاری.
- ۲۰..... خروج از رکود: بیم ها و امیدها.
- ۲۲..... کار امتیازی متوازن: ابزاری مناسب جهت ارزیابی عملکرد سازمان های صنعتی.
- ۲۵..... سلامت همه آفاق در سلامت توست.

مجله فرهنگ و خانواده

- ۲۶..... تصاویری که می ماند یا نقبی به آبان ماه های ایران.
- ۲۸..... باز باران با ترانه.
- ۲۹..... پیشنهاد های آبان ماه.
- ۳۰..... نویسنده ای که روح نوجوانی را زنده کرد.
- ۳۱..... والیبال و بسکتبال و کیدی سر بلند، فوتبال جا مانده.
- ۳۲..... محرم از راه می رسد.

دعوت از خوانندگان گرامی برای ارسال خاطرات و تجارب زندگی

ماهنامه «خوارزم» در نظر دارد یکی از صفحات خود را در هر شماره به درج
گوشه ای از خاطرات و تجارب تلخ و شیرین خوانندگان گرامی اختصاص
دهد.

در این راستا از تمامی خوانندگان ارجمند، اعم از مدیران، کارشناسان و
کارکنان گروه سرمایه گذاری خوارزمی (شامل ستاد و شرکت های وابسته) و
خانواده های ارجمند آنان دعوت می شود در صورت تمایل، این گونه خاطرات
- به ویژه از تجارب حرفه ای و شغلی - خود را که می تواند برای دیگران جالب
توجه و مفید واقع شود، به صورت فشرده تنظیم و با رعایت نکات ذیل برای
درج در ماهنامه «خوارزم» ارسال فرمایند:

نام و نام خانوادگی، سطح تحصیلات، نشانی دقیق پستی، پست الکترونیک
و تلفن تماس نویسنده در آن قید شود.
حجم مطالب از سه صفحه ۸۴ (هر صفحه حدود ۳۰۰ کلمه) تجاوز نکند و
تایپ آن تحت برنامه word انجام شود.

ماهنامه در ویرایش، تلخیص و تنظیم مطالب رسیده آزاد است.

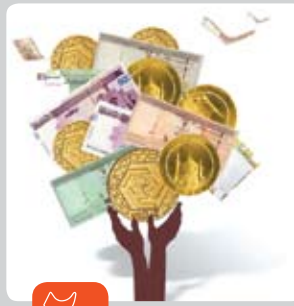
مطالب ارسالی در صورت تایید یا عدم تایید مسترد نمی شود.

نشانی پستی ماهنامه «خوارزم»: تهران، خیابان ملاصدرا، انتهای خیابان
شیراز جنوبی، تقاطع برزیل غربی، شماره ۲۵، طبقه دوم، ماهنامه خوارزم
(بخش خاطرات)

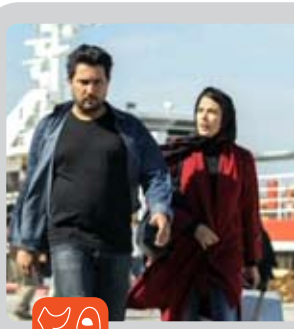
نشانی الکترونیک: vakharazm@khig.ir



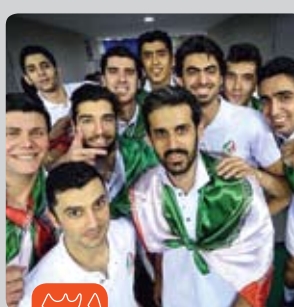
۳



۲



۲۹



۳۱

دوراهی نقدینگی

دکتر حجت اله صیدی، مدیر عامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی

پیش گفته بیشتر حس خواهد شد. و این طرفه شرایطی است، زیرا درست برعکس، در دوران رونق بورس، قیمت سهام شرکت‌ها به قدری افزایش یافته است که شدت نیاز سهام‌داران به سود نقدی را تا میزان زیادی کاهش داده و از این روی سنگینی بار تصمیم‌گیری بر دوش مدیران کاهش می‌یابد. البته از زمانی که شرکت‌های سهامی عام خلق شدند و بورس‌های اوراق بهادار به ظهور رسیدند، این داستانی است که مدام تکرار می‌شود و بخشی از حقایق رفتاری در بازارهای سرمایه به حساب می‌آید.

واقعیت‌های اشاره‌شده، برای هیئت مدیره شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی در هفته‌های اخیر پررنگ‌تر از همیشه ظاهر شدند. چالشی جدی و دشوار در جلسه‌های متعدد تصمیم‌گیری برقرار بود تا محاسبه رقم سود پیشنهادی برای تقسیم در مجمع عمومی سالانه را به سرانجام برساند. بدیهی است که جمله «هرچه بیشتر بهتر»، در این شرایط نه‌تنها مناسب نبود، بلکه تصمیم خطایی نیز به شمار می‌رفت، زیرا شعار «ثروت‌آفرینی پایدار برای نسل‌ها» و هم‌چنین برنامه‌های شرکت برای افزایش ارزش دارایی‌ها و سودآوری مستمر را با تهدیدی جدی مواجه می‌کرد. بر اساس آن چه در برنامه راهبردی هفت ساله گروه پیش‌بینی شده است، شرکت باید در زمینه‌های هفت‌گانه سرمایه‌گذاری‌های اصلی خود، اقدام به توسعه کند و برای این امر ناگزیر از تامین منابع مالی فراوان است. جای تردید نیست که دستیابی به سود هشت هزار و پانصد میلیارد تومانی در سال نودونه خورشیدی نیاز به تمهیدات فراوان و خلق دارایی دارد و خلق دارایی بدون تامین نقدینگی مناسب تنها خواب و خیالی بیش نخواهد بود. تعهدات شرکت برای بازپرداخت اقساط خرید سهام و دارایی که در سال‌های اخیر به وقوع پیوسته و خوارزمی را در جایگاه قابل توجهی نشانده است نیز از الزامات پرداختن به مدیریت نقدینگی مناسب است. از سوی دیگر انتظار به‌حق سهام‌داران در مورد تقسیم سود مناسب نیز برداری است که اگر چه در جهت مخالف نیروهای پیش‌گفته عمل می‌کند، اما باید برای برآورده ساختن آن نیز برنامه‌ریزی کارآمدی صورت گیرد. از این روی گروه مدیران سیاست‌گذاری و اجرا در گروه خوارزمی با بهره‌گیری از نقطه نظر و ایده‌های شماری از سهام‌داران و فعالان بازار سرمایه به رقم پیشنهادی یکصد و ده ریال رسیدند که خود موجب خروج نقدینگی قابل ملاحظه‌ای از شرکت خواهد شد. اما آن چه دل‌گرمی مدیران در تصمیم‌گیری را موجب شد، حمایت همیشگی سهام‌داران ارجمند از شرکت بود و با این قوت قلب و آرامش خاطر که چنان چه شرکت در تقسیم سود رقم مناسبی را مورد عمل قرار دهد و به نیازهای کوتاه‌مدت سهام‌داران پاسخ راضی‌کننده‌ای بدهد، آنان نیز در اجرای برنامه‌های افزایش سرمایه در جهت دستیابی به برنامه هفت ساله، شرکت را هم‌چون گذشته یاری خواهند رساند، رقم نهایی پیشنهاد شد و اکنون که این نوشته به پایان می‌رسد، رقم سود تقسیمی مورد نظر هیئت مدیره در معرض آگاهی تمامی سهام‌داران ارزشمند قرار گرفته است. هر چند تعیین و تصویب رقم نهایی در مجمعی که شاید در زمان انتشار این نوشته تشکیل شده باشد صورت می‌گیرد، هر چه باشد، برای گروه رو به رشد سرمایه‌گذاری خوارزمی و سهام‌داران و ذی‌نفعان استراتژیک آن مایه مبارکی و میمنت خواهد بود. قطعا مجمع عمومی سالانه نقطه عطفی برای مدیران و کارکنان گروه خوارزمی برای برخورداری از انگیزه‌های بیشتر در راستای اجرایی کردن برنامه‌های بلندپروازانه گروه است تا با یاری خداوند منان و پشتیبانی سهام‌داران به مقصد عالی پیشرفت گام گذارده شود. پس از استمداد از ذات پاک جهان‌آفرین، امید به همراهی سهام‌داران و سرمایه‌گذاران شایسته می‌رود که حافظ شیرین سخن فرمود:

ما بدان مقصد عالی نتوانیم رسید
هم مگر پیش نهد لطف شما گامی چند.

از میان تعبیر مختلفی که برای تعریف مدیریت، در قالب جمله‌هایی کوتاه و گاه بلند به کار برده‌اند، تعبیر هنر تصمیم‌گیری یکی از گویاترین و زیباترین این تعریف‌هاست و گزافه نیست اگر ادعا شود که یک مدیر اگر تصمیم به‌موقع و درستی بگیرد، بخش بسیار مهمی از وظیفه خود را به‌جا آورده است و چه کسی است که نداند دشواری تصمیم‌گیری در محیط‌های اقتصادی پیچیده امروز را. از جمله مهم‌ترین این تصمیم‌گیری‌ها، که همواره و در تمامی سازمان‌ها مدیران را به چالش می‌کشد، چگونگی مدیریت نقدینگی است. دلیل این امر، محدودیتی است که در دستیابی به نقدینگی وجود دارد، زیرا اساسا اگر وجوه نقد در اختیار سازمان‌ها محدود نبود، مقوله مدیریت نقدینگی نمی‌توانست امر بسیار مهمی به حساب آید. از این رو سازمان‌ها ام از کوچک و بزرگ و انتفاعی و غیرانتفاعی، بایستی برای تخصیص بهینه نقدینگی بالفعل و بالقوه‌ای که در اختیار دارند، برنامه‌ریزی‌های دشواری انجام دهند. در این میان ایجاد توازن بین نیازهای گوناگون نقدینگی امری ضروری و دارای آثار طولانی است، زیرا تخصیص وجه نقد به یک برنامه یا طرح به معنی عدم تخصیص یا تخصیص کمتر همان میزان از وجه نقد به طرح، برنامه یا نیازی دیگر است و این موضوع حیاتی است که مفهومی به نام هزینه فرصت از دست‌رفته را خلق کرده است. بنابراین برای محاسبه بهای تمام‌شده یک فرصت انتخاب‌شده، ضروری است هزینه فرصت‌های ازدست‌رفته را نیز به هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیمی که پرداخت یا تحمل شده‌اند، اضافه کرد.

یکی از چالش‌های مهم پیش روی مدیران در رابطه با مدیریت نقدینگی سازمان‌های انتفاعی، تصمیم‌گیری در مورد تقسیم سود است. در این رابطه پژوهش‌های علمی و تجربی بسیاری انجام گرفته و نوشته‌های مهم زیادی نیز در دست است. هیئت مدیره هر شرکت، یکی از وظایف بنیادین خود را توسعه عملیات شرکت از طریق انجام سرمایه‌گذاری‌های جدید یا تقویت و گسترش سرمایه‌گذاری‌های موجود خود می‌داند و بدیهی است که برای این امر نیاز به نقدینگی فراوانی دارد. از سوی دیگر، مهم‌ترین ذی‌نفعان راهبردی شرکت - که سهام‌داران هستند - معمولا انتظار تقسیم سود مناسبی را در مجامع دارند. اگر چه به باور بسیاری از نظریه‌پردازان سرمایه‌گذاری تقسیم سود با ارقام بالا بین سهام‌داران نشان‌گر آن می‌تواند باشد که مدیریت شرکت توان به‌کارگیری وجوه نقد در امور مهم‌تر و سودآورتری را ندارد و بنابراین به از دست دادن وجوه نقد رضایت می‌دهد، اما به جرئت چنین می‌توان گفت که بر اساس نظریه رجحان نقدینگی، سهام‌داران هم سود نقدی را می‌خواهند و هم توسعه عملیات شرکت در زمینه‌های سودآور را. و این یعنی قرار گرفتن مدیران در دوراهی بسیار سختی که از هر سوی که بروند، هزینه دارد؛ هزینه فرصت ازدست‌رفته. کم نیستند مدیرانی که برای جلب محبوبیت بیشتر در کوتاه‌مدت، حتی دست به فروش دارایی‌های مولد برای پرداخت سود سهام می‌زنند و در مقابل مدیرانی که بدون توجه به خواسته‌های کوتاه‌مدت سرمایه‌گذاران، عطای محبوبیت و شهرت را به لقای آن بخشیده و تنها به ساختن آینده می‌پردازند. و البته چه سخت است ایجاد تعادل بین این دو مسیر ناهموار روبه‌روی هم.

واقعیت آن است که بر اساس پژوهش‌های انجام‌یافته، سهام‌داران حرفه‌ای مبلغ سود تقسیمی را تنها به‌عنوان یکی از اقلام تاثیرگذار بر بازدهی سرمایه‌گذاری و قیمت سهام در نظر می‌گیرند و برای آن‌ها آینده شرکت‌ها معیار به‌مراتب مهم‌تری به شمار می‌رود، اما در زمان‌هایی ویژه، از جمله هنگامی که بازار اوراق بهادار دچار رکود نسبی است و میزان افزایش قیمت سهام برای سرمایه‌گذاران راضی‌کننده نیست، تمایل به دریافت سود نقدی بیشتر افزایش می‌یابد و فشار نقدینگی بر مدیریت دوچندان می‌شود. اگر به ویژگی‌های خاص دوران رکود توجه شود، که یکی از آن‌ها دشواری دستیابی به وجوه نقد کافی است، فشار طاق‌سوز

گزارش همایش

گزارشی از سومین همایش مدیران گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی در تبریز

همایش سوم مدیران خوارزمی عزمی نو برای تحقق راهبردها



سومین همایش مدیران گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی در روزهای اول تا سوم مهرماه ۱۳۹۳ با حضور حدود ۸۰ نفر از مدیران شرکت‌های وابسته به این گروه در شهر تبریز برگزار شد. در این همایش، دکتر حجت‌اله صیدی، مدیر عامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی، از مدیران شرکت‌های وابسته به گروه خوارزمی خواست تا با استفاده از شیوه‌های خلاقانه و ابتکاری در مسیر تحقق برنامه هفت ساله این گروه گام بردارند. مهندس محمدرضا پیشرو، مدیر عامل بانک صادرات نیز در این همایش بر لزوم استفاده از ظرفیت‌های مالی و ارتباطی بیرون از گروه خوارزمی تأکید کرد. دکتر مهدی کرباسیان معاون وزیر صنعت و مدیر عامل سابق شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی نیز در این همایش از اعلام آمادگی ایمیدرو برای همکاری با گروه خوارزمی در بخش صنایع معدنی خبر داد.

بر اساس این گزارش، در سومین همایش مدیران خوارزمی، دکتر فضل‌اله ریاحی درباره «تامین مالی در ایران و جهان»، دکتر حامد شادکام درباره «بازار سرمایه، ضرورت توسعه کسب‌وکار در آینده»، پرهام سیدین با موضوع «شرکت سرمایه‌گذاری آتیه‌نگر سپهر ایرانیان در یک نگاه»، دکتر مهدی برکچیان درباره «عملکرد اقتصاد ایران در فصل اول سال ۹۳»، دکتر عیسی شهسوارخجسته، رئیس کل اسبق سازمان امور مالیاتی کشور، با موضوع «نگاهی به نظام مالیاتی ایران با تأکید بر تأثیر اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم بر بنگاه‌های اقتصادی ایران»، دکتر اصغر ابن‌الرسول، مدیر طرح و برنامه گروه خوارزمی، درباره «سنجش عملکرد - کارت امتیازی متوازن»، دکتر ابراهیم صفوی درباره «سالمندی و سلامت» و منوچهر زمانی، مدیر عامل صرافای سپهر درباره «مبادلات ارزی» سخنرانی کردند.

دکتر حجت‌اله صیدی؛

دورانی جدید برای گروه خوارزمی

دکتر صیدی در سومین همایش مدیران گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی ضمن خیر مقدم به مدیران این گروه و مهمانان ویژه این همایش گفت:

«گروه خوارزمی یک گروه جوان و رو به رشد است و راه درازی را در پیش دارد و دلیل برگزاری این سلسله همایش‌ها نیز با همین تعبیر جوان و رو به رشد بودن گروه مرتبط است.»

مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی با بیان این‌که از حدود یک سال گذشته دوران جدید خوارزمی را با همت مدیران و کارکنان شروع کرده‌ایم، اظهار کرد: «در این دوران، اولین قدم این بود که به این سوال پاسخ دهیم چرا در خوارزمی کار می‌کنیم و ذی‌نفعان استراتژیک خوارزمی چه مطالبه‌ای از ما دارند؟ در پی پاسخ به این پرسش، ماموریت خوارزمی در یک عبارت شفاف و صریح «ثروت‌آفرینی پایدار برای نسل‌ها» تعریف شد. این عبارت کوتاه و در عین حال نمادی پر معنا و بسیار مهم برای تحقق اهدافی کلان است. برای تحقق این اهداف، برنامه‌های راهبردی و چشم‌انداز هفت ساله تهیه شد.

بر اساس برنامه راهبردی هفت ساله گروه خوارزمی، قرار است در سال ۹۹ این گروه ۳۳ هزار میلیارد تومان دارایی داشته باشد - حدود ۱۰ میلیارد دلار و معادل یک درصد تولید ناخالص داخلی - و هشت‌هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان هم سود خلق کند و به ذی‌نفعان خود انتقال دهد.

بنابراین خیلی سریع و شفاف هدفمان مشخص شده است. باور

ما این بود که بسنده کردن صرف به جملات شعاری بدترین نوع برنامه‌ریزی است. از این رو، راهکارها و اهداف عملیاتی گروه سرمایه‌گذاری برای دستیابی به این برنامه هفت ساله تهیه و در اولین همایش مدیران گروه خوارزمی در شیراز از این برنامه رونمایی شد.

امروز و در آستانه برگزاری مجمع عادی سالانه شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی (۲۷ مهرماه جاری)، دارایی‌های این گروه از یک‌هزار میلیارد تومان به حدود چهارهزار میلیارد تومان افزایش یافته است. سود گروه خوارزمی نیز با ۷۵ درصد رشد به حدود ۳۵۰ میلیارد تومان رسیده است. این توفیق جز با برنامه‌ریزی، دقت بر اجرای برنامه و کار تیمی حاصل نمی‌شد. شاید کسانی که در این همایش حضور ندارند، سهمشان در تحقق این موفقیت از ما کمتر نباشد. بی‌گمان، کار تیمی مهم‌ترین ابزار و راهنمای ما برای رسیدن به این نقطه بوده است. این همایش و همایش‌های مشابه برای رسیدن به اهداف برنامه هفت ساله است. فکر می‌کنیم حداقل چهار بار در سال دور هم جمع شویم تا با فراغت بال برنامه‌هایمان را مرور کنیم و ببینیم به چه میزان در مسیر تحقق راهبردها گام برداشته‌ایم.»

مدیرعامل گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی با اشاره به این‌که یکی از اهداف برگزاری این همایش‌ها کمک به ارتقای دانش مدیران است، گفت: «بنابراین همایش‌ها طوری طراحی شده و می‌شوند که به بحث‌هایی که ضمن انجام کارهای روزانه فرصت بررسی آن‌ها را نداریم، بپردازیم؛ بحث‌هایی مانند بررسی شرایط اقتصادی کشور و شناخت نقش بنگاه‌های اقتصادی در این اقتصاد.»

دکتر مهدی کرباسیان؛ زمینه‌های تحول جهشی

دکتر مهدی کرباسیان، مدیرعامل سابق شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی و معاون کنونی وزیرصنعت، معدن و تجارت و رئیس هیئت عامل سازمان ایמידرو، در این همایش به‌عنوان مهمان ویژه طی سخنانی کوتاه با اشاره به محدودیت‌های جدی دولت از نظر تقدینگی و سرمایه‌ای گفت: «شرکت‌های سرمایه‌گذاری فعال در بخش خصوصی باید بار این محدودیت‌ها را به دوش بکشند. گروه خوارزمی نیز در این رابطه می‌تواند تحرک داشته باشد و حتما جهش خواهد کرد. عده‌هایی که در این همایش ارائه شد و موفقیت‌هایی که به دست آمده، همگی نشان‌دهنده این ظرفیت‌ها هستند.»

او با بیان این‌که در شرایط رکود اقتصادی نیز شرکت‌های سرمایه‌گذاری می‌توانند فعالیت‌های مثبتی انجام دهند، اظهار کرد: «حوزه انرژی و به‌ویژه برق و حوزه معدن دو حوزه با ظرفیت‌های بالا برای سرمایه‌گذاری هستند.»



دکتر کرباسیان هم‌چنین با بیان این‌که هنوز رکود جهانی به پایان نرسیده است، اظهار کرد: «پیش‌بینی کشورهای غربی نشان می‌دهد که این رکود طی چند سال آینده پایان خواهد یافت. در عین حال، ما درگیر تحریم‌ها نیز هستیم. با وجود این، دولت جدید رابطه‌های مناسبی با کشورهای نظیر چین و روسیه و بلاروس ایجاد کرده است. گروه خوارزمی می‌تواند از این رابطه‌ها امتیازهای خوبی کسب کند. این گروه در صادرات خدمات فنی-مهندسی هم می‌تواند به‌طور مستقل با مشارکتی نیز عمل کند. این فرصت‌ها نیز در بلندمدت می‌تواند منجر به همان جهش‌های مورد انتظار شود.»

در حوزه معدن نیز ظرفیت‌های بسیار خوبی در کشور داریم و در صورتی که گروه خوارزمی اظهار علاقه کند، حاضریم در این حوزه با این گروه همکاری موثر داشته باشیم.»



اسفندماه این مذاکرات جدی شد. یکی از دارایی‌هایی که هم بانک مایل به فروش بود و هم ما به آن تمایل داشتیم، نیروگاه منتظر قائم بود. از همین رو، توانستیم پس از مذاکرات طولانی و فشرده، در آخرین ساعت‌های روز ۲۸ اسفند ۹۲ قرارداد را نهایی کرده و نیروگاه منتظر قائم را خریداری کنیم.

اگر می‌خواستیم به شیوه‌ای عادی این خرید را انجام دهیم، اول باید افزایش سرمایه می‌دادیم و بعد از بانک‌های مختلف وام می‌گرفتیم و این کار شاید حدود سه سال طول می‌کشید که طی این مدت هم احتمالا

دکتر حجت‌اله صیدی:

امروز درآستانه برگزاری مجمع
عادی سالانه شرکت سرمایه‌گذاری
خوارزمی (۲۷ مهرماه)، دارایی‌های
این گروه از یک هزار میلیارد تومان
به حدود ۴ هزار میلیارد تومان
افزایش یافته است. سود گروه
خوارزمی نیز با ۷۵ درصد رشد به
حدود ۳۵۰ میلیارد تومان رسیده
است

نیروگاه به متقاضی دیگری فروخته شده بود. از این رو، با شیوه‌ای متفاوت وارد مذاکره شدیم. این کار را مدیران ما به‌خوبی انجام دادند و برای تحقق این دارایی زحمت بسیاری کشیدند.»

او هم‌چنین با اشاره به موفقیت شرکت توسعه فناوری اطلاعات خوارزمی (مفاخر) در بازار سهام گفت: «اگر بخواهم فهرست زحمات را بگویم، خیلی طول می‌کشد. تمام شرکت‌ها خوب کار می‌کنند، اما نکته مهم این است که بار اصلی مسئولیت تحقق ۳۳ هزار میلیارد تومان دارایی برای گروه در طی هفت سال - تا سال ۹۹ - برعهده جمع حاضر در این همایش است و تک تک ما و همکارانی که در این همایش نیستند، در تحقق این هدف نقش داریم. دست‌یابی به این هدف با ایمان، عشق و کار تیمی میسر است و امیدوارم که به خواست خداوند بزرگ به این هدف بلند برسیم.»

او با اشاره به ضرورت مرور برنامه‌ها، کارهای انجام‌شده و انجام‌نشده و ارزیابی ثمرات فعالیت‌ها در همایش مدیران گفت: «ما باید رشدی متوازن داشته باشیم. از این رو، ضروری است حتی در همایش مدیران به بحث‌های نظری که فرصت بررسی آن‌ها را نداریم، از جمله مباحث نیروی انسانی، بهره‌وری، ارتباطات اجتماعی، سلامت و روان‌شناسی و... بپردازیم. انجام این بحث‌ها، نوعی کوک کردن ساز و تیز کردن اره است. فکر می‌کنم سالی چهار بار دورهم جمع شدن برای انجام چنین کارهایی زیاد نیست. از این رو، نکاتی که در این همایش مطرح می‌شوند، معمولا کلیدی و اساسی هستند.»

جدال با رکود

دکتر صیدی با بیان این‌که ۱۱ ماه از تدوین برنامه راهبردی هفت ساله گروه خوارزمی و حدود ۱۰ ماه از معرفی این برنامه در همایش شیراز گذشته است، گفت: «سال اول اجرای این برنامه سال سختی بود. سال رکود اقتصادی بود و از همین رو، سال سختی برای بنگاه‌ها بود. اما ما با موفقیت این سال را طی کردیم و شرکت‌های زیرمجموعه گروه خوارزمی کارنامه خوبی داشتند.»

او هم‌چنین با تاکید بر ضرورت تنظیم برنامه‌های عملیاتی در برخی شرکت‌های وابسته در چهارچوبی اصولی تا زمان برگزاری همایش بعدی گفت:

«هر روز ما این سوال را از خود می‌پرسیم یا دست کم در ذهن من این سوال وجود دارد که آیا ما مسیر را درست طی می‌کنیم؟ سرعتمان مناسب است؟ هزینه‌های ما مناسب است؟ دستاوردهایمان مناسب است؟ و البته یک سوال بزرگ‌تر که آیا بهتر از این می‌شود کار کرد؟ راه بهتر کدام است؟ پاسخ به این سوالات مهم را در این همایش‌ها می‌توانیم بیابیم. و نیز به سؤالی مهم‌تر نیز پاسخ دهیم که چگونه می‌توانیم بهتر کار کنیم؟ چقدر سرعتمان را باید بیشتر کنیم؟ در چه مواردی باید بیشتر دقت کنیم؟ برای پاسخ به این سوال‌ها باید مسئولانه و با دقت وقت بگذاریم.»

لزوم بسط نگرش تحول‌خواه

او با تاکید بر لزوم بسط نگرش تحول‌خواه در گروه خوارزمی اظهار کرد: «یکی از شرکت‌های مهم، برنامه‌ای را با ۱۵ درصد سود تدوین و ارسال کرده است. واحد طرح و برنامه شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی با توجه به پتانسیل‌های این شرکت و ظرفیت‌های بازار دوهزار میلیارد تومان سود را برای این شرکت تا سال ۹۹ هدف‌گذاری کرده است. این شرکت اعلام کرده که رقم یادشده زیاد است و در سال ۹۹ به ۷۰۰ میلیارد تومان سود می‌تواند دست یابد. یعنی حدود یک‌سوم رقم هدف‌گذاری‌شده را پیش‌بینی کرده است. بله به‌طور معمول می‌توان به همین‌قدر سود یعنی سالی ۱۵ درصد دست یافت و درواقع این سود خود به خود محقق می‌شود، چون تورم به داد ما می‌رسد و ما احساس موفقیت می‌کنیم!»

اما واقعا تحقق ۳۳ هزار میلیارد تومان دارایی برای گروه در طی هفت سال شعاری بزرگ است و برای این‌که این هدف در حد شعار باقی نماند، باید به گونه‌ای متفاوت برنامه‌ریزی و اجرا کرد. نظیر همان کاری که در شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی دوستان ما انجام دادند و توانستند نیروگاه برق منتظر قائم را خریداری کنند.»

دکتر صیدی سپس به توضیح چگونگی تملک نیروگاه منتظر قائم پرداخت و گفت: «بانک صادرات ایران که در عرصه خصوصی‌سازی پیشرو است، در بهمن سال گذشته بحث فروش بخشی از دارایی‌های خود را مطرح کرد. این مسئله برای ما یک فرصت بود و به همین دلیل با مسئولان این بانک وارد مذاکره شدیم. مذاکرات پراکنده‌ای شروع شد تا این‌که در

دکتر برکچیان و ارزیابی عملکرد اقتصاد ایران در فصل اول سال ۹۳

دکتر برکچیان، مشاور مدیر عامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی، در این همایش به بررسی عملکرد اقتصاد ایران در فصل بهار سال ۹۳ پرداخت. مهمترین بخش‌های سخنرانی وی از این قرار است:

در خبرها اعلام شده است که اقتصاد ایران از رکود خارج شده است. با بررسی تحولات بخش‌های مختلف اقتصاد به‌ویژه بخش صنعت می‌توان دید که آیا بعد از ۹ فصل پیاپی اقتصاد از رکود خارج شده است یا خیر.

بررسی آمار سال‌های گذشته نشان می‌دهد که نرخ رشد تولید ناخالص داخلی در سال ۹۱ رقم ۶/۸- بوده که این نرخ در سال ۹۲ به ۱/۹- رسیده است. یعنی اینکه از شدت رشد منفی آن کاسته شده است. تحلیل آمار تولید شرکت‌های بورسی هم حاکی از این است که تولید صنعتی تا سال ۹۰ رشد مثبتی داشته اما بعد از آن شرکت‌ها وارد دوره رکود می‌شوند. آمارهایی که در این سخنرانی برای تحلیل بخش صنعت، استفاده می‌شود. از اطلاعات همین شرکت‌های بورسی استخراج شده است. شرکت‌های صنعتی که در بورس تهران لیست شده‌اند بیش از ۳۰ درصد تولید صنعتی را تشکیل می‌دهند.



به هنگام تحلیل رشد صنعت، باید صنعت خودرو را از بقیه صنایع جدا کرد چرا که تغییرات تولید آن در دو سه سال اخیر کاملاً متفاوت از بقیه صنعت بوده. صنعت خودرو در سالهای ۹۱ و ۹۲ بیشترین افت تولید را در مقایسه با سایر صنایع داشته و در بهار امسال هم که صنعت، رشد خود را شروع کرده، باز صنعت خودرو بیشترین رشد مثبت را داشته. این صنعت در فصل اول امسال بیش از ۷۰ درصد رشد کرده در حالی که مجموع سایر صنایع، روی هم رفته، ۳ درصد رشد داشته‌اند.

آمار تولید و صادرات نفت هم نشان می‌دهد که بخش نفت رشد قابل ملاحظه‌ای داشته و در خروج اقتصاد از رکود دارای سهم مهمی بوده. با توجه به برآوردها از تغییرات تولید در کل بخش‌های اقتصاد تخمین زده می‌شود که بهار امسال نسبت به فصل مشابه سال قبل، تولید ناخالص داخلی حدود ۲/۵ درصد و تولید ناخالص داخلی بدون نفت حدود ۱/۸ درصد رشد داشته‌اند که این میزان رشد فراتر از حد انتظار بوده.

ملاحظات در زمینه رشد مثبت اقتصادی فصل اول امسال قایل ذکر است. اول اینکه رشد مثبت صنعت رشد متوازی در میان همه صنایع نبوده، چنانکه گفته شد صنعت خودرو بطور قابل توجهی بیش از سایر صنایع رشد داشته. این موضوع، این نگرانی را ایجاد میکند که رشد صنعت چقدر در فصل‌های

مهندس محمدرضا پیشرو؛ نگاه‌های ارزیاب و منتظر

مهندس محمدرضا پیشرو، مدیرعامل بانک صادرات ایران و هم‌نام ویژه این همایش نیز طی سخنانی گفت:

«گردهم آمدن مدیران گروه خوارزمی فارغ از دغدغه‌های روزمره و تبادل نظر آن‌ها با یکدیگر در هر فصل ابتکار بسیار مثبتی است. برگزاری این جلسه‌ها و تجدید قوای علمی، روحی، جسمی با توجه به شرایط حاکم بر بازار سرمایه، بخش تولید، اقتصاد کشور و با توجه به پیچیدگی مدیریت در این شرایط برای خلق درآمد، لازم به نظر می‌رسد.»

او با اشاره به رشد مناسب شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی و افزایش سرمایه آن به ۱۰ هزار میلیارد ریال در مردادماه امسال اظهار کرد: «ما به خاطر این موفقیت به

خودمان می‌بالیم و احساس غرور می‌کنیم و درعین حال باید به یاد داشته باشیم هزاران نفر از سهام‌داران خرد نگاه و دعایشان متوجه شما دست‌اندرکاران اداره امور این شرکت است. آن‌ها منتظرند پس از یک سال حاصل فکر و تدبیر و تلاش شما را مشاهده کنند، چون این مسئله با معیشت آن‌ها ارتباط مستقیم دارد. چه



شاغلان و چه بازنشستگان بانک‌های صادرات و مسکن و چه سهام‌داران خردی که در بورس، سهام خوارزمی را خریده‌اند، نگاه همه آن‌ها متوجه زحمات و خدمات شماست که پس از یک سال چه میزان سود را خلق و تولید می‌کنید.

شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی به جایگاه خوبی رسیده است، به گونه‌ای که هم در عرصه تولید و هم بازار سرمایه نقش‌آفرین است. البته خوارزمی را ابتدا با سرمایه‌های انسانی و بعد با دارایی‌ها و سرمایه‌های ثبتي آن می‌شناسند. از این رو، مطمئنم ظرف چند سال آینده شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی با ظرفیتی که در بعد نیروی انسانی و به‌ویژه در بعد مدیریتی دارد، به‌عنوان مجموعه‌ای مرجع در کشور نقش‌آفرین خواهد بود. باید این موقعیت را قدر دانست و ارج نهاد.

او در بخشی دیگر از سخنان خود در این همایش به مدیران خوارزمی توصیه کرد از ظرفیت‌های بالقوه و

بافعل سهام‌داران و دیگر افراد و نهادهای مرتبط با گروه خوارزمی استفاده کنند و از بانک صادرات ایران با ۲۸۰۰ شعبه در سراسر کشور، بانک مسکن و صندوق آتیه مسکن آن، و بخش‌های نفت، آبی و مالی کشور به‌عنوان ظرفیت‌هایی نام برد که گروه خوارزمی می‌تواند برای توسعه فعالیت‌هایش از آن‌ها استفاده کند.

به گفته مهندس پیشرو، در بخش آبی بانک صادرات از ظرفیت خوبی برخوردار است و بازار تضمین‌شده‌ای را می‌تواند برای گروه خوارزمی فراهم کند. بانک صادرات نیز به گرفتن این خدمات از مجموعه‌ای معتمد نیاز دارد. هم‌چنین ساختمان‌سازی، مرمت و بازسازی ساختمان بانک صادرات می‌تواند از طریق شرکت‌های زیرمجموعه گروه خوارزمی صورت گیرد. او هم‌چنین توصیه کرد: «با توجه به محدود بودن منابع مالی تا حد امکان از منابع مالی درون گروه کمتر استفاده شود و به جای آن گروه خوارزمی به تسهیلات بانکی، فاینانس و تسهیلات صندوق توسعه ملی اتکا کند.»

مدیرعامل بانک صادرات هم‌چنین با اشاره به خرید نیروگاه منتظر قائم از سوی گروه خوارزمی گفت: «دوستان ما در بانک صادرات با توجه به تعلق خاطری که داشتند، نمی‌پذیرفتند که ما این نیروگاه را از مجموعه بانک صادرات خارج کنیم و به گروه دیگری بدهیم. برای این دوستان شاید دشوار بود که با شرایط بلندمدت و با پنج درصد پیش‌پرداخت نیروگاه منتظر قائم واگذار شود. اما در عین حال، این معامله، یک تصمیم برد-برد بود. چراکه شاغلان و بازنشسته‌های بانک صادرات همه سهام‌داران این گروه هستند و قطعاً نمی‌خواهیم و نمی‌گذاریم دارایی‌های کم‌سود و با بازدهی اندک را به گروه خوارزمی منتقل کنیم.»

او هم‌چنین با تأکید بر توجه به اهمیت مقوله‌ها و شاخص‌های مالی، صرفه‌جویی در هزینه‌ها، وفاداری و تعلق سازمانی و هم‌چنین توجه به رسالت‌های اجتماعی گفت: «درست است که رسالت اصلی ما خلق سود و ثروت‌آفرینی است، اما رسالت‌های اجتماعی را فراموش نکنیم، چراکه برکاتی در آن نهفته است که ممکن است تنها با شاخص مادی قابل اندازه‌گیری نباشد.» مهندس پیشرو با اشاره به اهمیت مدرسه‌سازی در روستاهای محروم و مناطق آسیب‌دیده از زلزله گفت: «این کارها فشار مالی به مجموعه وارد، اما برکاتی دارد که قابل اندازه‌گیری نیست. البته دوستان خوارزمی به انجام این امور مقید هستند. اگر در یکی دو نقطه محروم سرمایه‌گذاری کنند، حتماً برکاتش را شاهد خواهیم بود.»

مهندس پیشرو: هزاران نفر از سهام‌داران خرد نگاه و دعایشان متوجه شما دست‌اندرکاران اداره امور این شرکت است. آن‌ها منتظرند پس از یک سال حاصل فکر و تدبیر و تلاش شما را مشاهده کنند، چون این مسئله با معیشت آن‌ها ارتباط مستقیم دارد.

آینده تداوم پیدا می‌کند چون بعید است که صنعت خودرو بتواند با همین نرخ، سال آینده هم رشد کند. لذا باید سایر صنایع هم به حرکت بیافتند و نرخ رشد آنها هم بالا برود که این خیلی قطعی نیست.

با توجه به کاهش قابل ملاحظه بودجه عمرانی در طول سال‌های اخیر و همچنین با توجه به رکود بخش مسکن، چشم‌انداز رشدی در بخش ساختمان نمی‌بینیم و در نتیجه صنایع وابسته به بخش ساختمان هم با کاهش تقاضای داخلی مواجه‌اند. سرمایه‌گذاری زیاد در بخش مسکن در دو سه سال گذشته سبب شده تا الان در این بخش با مازاد عرضه مواجه باشیم و با توجه به میزان سرمایه‌گذاری انجام شده احتمالا رکود بخش مسکن، به معنای کاهش تقاضای سرمایه‌گذاری و ساخت و ساز در این بخش، تا سال آینده هم ادامه پیدا کند. لذا اگر با تشویق و تحریک صادرات، راه حلی برای مشکل تقاضای این صنایع پیدا نشود این صنایع در فصل‌های آینده هم مشکل خواهند داشت.

نکته دیگر مشکل فروش در صنایع است که حتی صنایع غیر ساختمانی را هم شامل می‌شود اگرچه در صنایع ساختمانی شدیدتر است. در حالی که تولید صنایع غیرخودرو در بهار امسال ۳ درصد رشد کرده ولی فروش آنها ۷ درصد کاهش پیدا کرده. این هم مایه نگرانی است. چرا که اگر این صنایع نتوانند آنچه را که تولید میکنند به فروش برسانند سبب خواهد شد که در فصل‌های آتی از تولید خود کم کنند.

این ملاحظات سبب می‌شود تا در مورد فرض تداوم این نرخ رشد در فصل‌های آتی قدری محتاط باشیم. البته اگر بتوان با رفع مشکلات و گلوگاه‌های صنعت و تشویق صادرات و در نتیجه جایگزین کردن تقاضای خارجی بجای تقاضای داخلی، مشکل فروش این صنایع را حل کرد می‌توان امیدوار بود که صنعت در فصول بعد هم با نرخ خوبی رشد نماید.

دکتر شادکام و ضرورت توسعه کسب‌وکار



دکتر حامد شادکام دیگر سخنران این همایش بود که در زمینه بازار سرمایه و ضرورت توسعه کسب‌وکار در آینده، به نکات مهمی در زمینه چگونگی سرمایه‌گذاری‌ها اشاره می‌کند و راه‌های درستی را که می‌توان با استفاده از آن‌ها دست به یک سرمایه‌گذاری مفید و مناسب زد، شرح می‌دهد. چکیده سخنرانی دکتر شادکام در زیر می‌آید:

ارزایی‌ها نشان می‌دهد ایران در مقایسه با دیگر کشورهای پیشرفته از منظر رشد تولید ناخالص داخلی چندان موفق نبوده. از جانب دیگر در بازار سرمایه با توجه به چگونگی تخصیص منابع مالی و سرمایه به‌طور کلی دو شاخص وجود دارد؛ یکی ارزش تولید بازار به تولید ناخالص داخلی و دیگری نسبت ارزش معاملات، که متأسفانه ایران در مقایسه منطقه‌ای

چندان پیشرفت چشم‌گیری در این زمینه‌ها نداشته و اعداد و ارقام چندان قابل توجه نیست. سوالی که در این‌جا شکل می‌گیرد، این است که چرا حجم زیاد سرمایه‌گذاری در ایران موجب رشد اقتصادی نشده است؟ در پاسخ باید گفت که قطعاً بسیاری از سرمایه‌گذاری‌ها با بی‌توجهی به ابعاد تخصصی انجام می‌شوند و به‌ویژه در این‌که سرمایه در کجا متمرکز شود، دقت چندان وجود ندارد.

صندوق بین‌المللی پول عواملی موثر بر این وضعیت را بررسی می‌کند که از جمله آن‌ها پایین بودن بهره‌وری سرمایه‌گذاری، پایین بودن سطح رقابت در اقتصاد و عدم کارایی سرمایه‌گذاری بخش دولتی است که طبیعتاً زمانی که بخش زیادی از اقتصاد بر عهده دولت است، با پایین آمدن سطح بهره‌وری دولت، اقتصاد نیز ضربه می‌خورد که باعث بی‌اثر بودن سرمایه‌گذاری‌ها می‌شود.

مورد دیگر سوسپید انرژی و نهادهای تولید است که در ایران به صورت آشکار اطلاعاتی از آن در دسترس نیست و این خود یکی از شروط مهم سرمایه‌گذاری را نقض می‌کند که همان اطلاع دقیق از قیمت نهادهای تولید قبل از سرمایه‌گذاری است. مورد بعد منفی بودن نرخ بهره واقعی است که در این زمینه هم شاهد عدم قیمت‌گذاری درست هستیم و این امر باعث ایجاد مشکل در خرید و فروش بورس کالا یا حتی انرژی خواهد شد. در چنین حالتی افراد با هدف دست‌یابی به سود یا یک مزیت نسبی دست به خرید و فروش اوراق می‌زنند. اما این مزیت نسبی ممکن است کاملاً برعکس عمل کند و در بلندمدت باعث اتلاف سرمایه شود.

در این زمینه صندوق بین‌المللی پول معتقد است در صورتی که هدف رسیدن به یک توسعه اقتصادی بلندمدت است که خود نیازمند یک توسعه پایدار نیز هست، (یعنی باید منابع به شکلی مدیریت شود که هدف تنها رسیدن به یک رشد کوتاه‌مدت نباشد). تمرکز اصلی باید روی توسعه بازارهای مالی قرار گیرد. یعنی جایی که تامین منابع و قیمت‌گذاری‌ها به شکل درست انجام می‌شود.

مهم‌ترین رکنی که در بازار سرمایه باید رعایت شود، کارایی این بخش است که در چند جنبه کارایی اطلاعات، کارایی تخصیص و کارایی تحت عملیات خود را نشان می‌دهد و در چنین حالتی است که می‌توان گفت که قیمت نهادهای نرخ واقعی آن‌هاست و چه میزان از سرمایه ما را به خود اختصاص می‌دهد و در چنین حالتی می‌توان گفت که بازار سرمایه در شرایط مناسبی قرار دارد. در سطح جهانی بهبود بازار سرمایه از طریق سه دسته‌بندی مشخص انجام می‌گیرد؛ بازار اولیه که تامین منابع را بر عهده دارد، بازار ثانویه که نقدشوندگی و کشف قیمت منابع را بر عهده دارد که البته این اطلاعات را به‌طور مستقیم در اختیار بازار اول و سوم قرار می‌دهد و در نهایت بازار آخر که امکان مدیریت ریسک را به افراد می‌دهد.

یکی دیگر از راه‌های سرمایه‌گذاری مناسب حضور در بازار بورس است که امکان ارزیابی عملکرد مدیریت را فراهم می‌کند. یعنی در راستای رسیدن به اهداف شرکت، عملکرد مدیریت در بازار سرمایه قابل سنجش و قیمت‌گذاری خواهد بود. چنان‌چه در بورس ایران نیز دیده می‌شود که تغییرات در مجموعه مدیریت یک شرکت ممکن است باعث افزایش ارزش آن شرکت شود.

با توجه به چنین معیارهای سنجشی، زمانی که به شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که اهداف به‌طور روشن و دقیق مشخص شده‌اند و تنها دانش چگونگی استفاده از سرمایه لازم است. در مورد خوارزمی می‌توان گفت که اهداف کمی سه رویکرد مهم را در خود جای داده‌اند. در

درجه اول رویکرد مدیریت دارایی است. یعنی این‌که برای دارایی‌های شرکت هدف مشخصی در نظر گرفته شده است. نکته بعدی مدیریت سود است که میزان سود مورد انتظار شرکت را مشخص می‌کند و مهم‌ترین بخش مدیریت جریان نقد است. به این معنی که از سود مورد انتظار شرکت چه میزان آن را میتوان تقسیم کرد.

دکتر شهسوار خجسته و اصلاحات در نظام مالیاتی ایران



دکتر عیسی شهسوار خجسته، رئیس اسبق سازمان مالیاتی کشور، در سخنرانی خود در مورد نظام مالیاتی ایران، با تأکید بر تأثیر اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم بر نگاه‌های اقتصاد ایران، نگاهی بر چگونگی سیستم‌های مالیاتی و تأثیر آن بر اقتصاد و بازار سرمایه داشت. چکیده سخنان او در زیر می‌آید:

اولین قانونی که در ایران به‌طور رسمی در این زمینه تصویب می‌شود، در سال ۱۲۹۴ و در زمان مشروطه است. اما تنها قانونی که می‌توان از آن به‌عنوان قانون نظام مالی جدید نام برد، در سال ۱۳۴۵ به تصویب می‌رسد و قوانین مالیاتی پراکنده را یک‌جا جمع‌آوری می‌کند.

البته تا زمان وقوع انقلاب اسلامی تنها ۱۰ درصد از هزینه‌های دولت از طریق مالیات تامین می‌شد و مابقی از راه فروش نفت بود. اما پس از استقرار جمهوری اسلامی سعی بر این شد که هزینه‌های دولت توسط مالیات پوشش داده شود و این خود منجر به ۵۱ مورد اصلاحیه در طی سال‌های ۵۷ تا ۶۶ شد که بی‌ثباتی سیاست‌های مالی کشور را نشان می‌دهد. در زمان جنگ نیز نرخ مالیات بسیار بالا رفته بود و نحوه دریافت هم با اشکالاتی مواجه بود، تا این‌که در دولت آقای خاتمی لایحه اصلاحی تدوین شد. اهدافی که در اصلاحیه قانون سال ۸۰ مطرح بود، همان مواردی بود که در طرح سامان‌دهی اقتصادی به آن اشاره شده، که از جمله آن‌ها رشد و شکوفایی اقتصاد اسلامی، مدیریت مالیاتی، برقراری عدالت مالیاتی، گسترش نظارت مالی و ترویج فرهنگ خوداظهاری است.

به این صورت در نظام مالیاتی بر طبق محورهای نام‌برده‌شده تغییرات دیگری انجام گرفت که از جمله آن‌ها برداشته شدن معافیت عمومی بخش دولتی از مالیات بود و برای رفع تبعیض بین بخش خصوصی و دولتی مالیات‌ها یکسان شد و این قانون در مورد تمام دستگاه‌هایی که به‌طور مستقیم به دولت وابسته‌اند و فعالیت اقتصادی انجام می‌دهند نیز صدق می‌کند.

منابع نامطمئنی مثل مالیات بر اراضی بی‌استفاده یا املاک خالی در این قانون حذف شد که البته اخذ مالیات از واحدهای خالی در اصلاحیه جدید دوباره مطرح شده است. هم‌چنین نرخ‌های تصاعدی که وجود داشت، کاهش پیدا کرد که مهم‌ترین آن تقلیل نرخ مالیات بر شرکت‌ها بوده که از ۶۴ درصد به ۲۵ درصد

کاهش پیدا می کند.

اما ماده‌ای که باید از آن به‌عنوان یک تحول در زمینه قوانین مالیاتی یاد کنیم، ماده ۱۲۹ قانون است که به موجب آن این اجازه داده شد که امور مربوط به مالیات توسط سازمان مالیاتی کشور تنظیم شود و سپس مراحل بعدی را تا تصویب در مجلس طی کند. اگر بخواهیم نظام مالیاتی کشور را از سه جنبه ساختار، روش‌های عملیاتی و قانون مالیات‌ها مورد بررسی قرار دهیم، باید گفت که ما در هر سه مورد با مشکلاتی روبه‌رو بوده‌ایم که طی سالیان مورد اشاره تلاش گسترده‌ای انجام شد تا از ابعاد آن کاسته شود.

دکتر ریاحی؛ راه‌های تامین مالی



دکتر ریاحی، مشاور مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی و رئیس هیئت مدیره شرکت آتی‌نگر سپهر ایرانیان، دیگر سخنران این همایش بود که درباره تامین مالی در ایران و جهان گفت.

او اظهار داشت: «یکی از راه‌های تامین مالی که بسیار متداول نیز هست، انتشار اوراق از طریق بانک ملی است که خود به دو شکل صورت می‌گیرد. اولین راه ابزار مالی مبتنی بر حق مالی است که در آن به صورت مشارکت فعالیت می‌شود و صاحبان سهم در سود و زیان اوراق شریک هستند و در شکل دوم ابزار مالی مبتنی بر بدهی را داریم که به آن قرض هم می‌گویند و صاحبان سهام مسئولیتی در قبال سود و زیان‌های شرکت ندارند و تنها سودی را که به اوراق تعلق می‌گیرد، دریافت می‌کنند.

مبحث بعدی ابزارهای مالی مبتنی بر سهام است که به چند دسته تقسیم می‌شود. اولین نوع ابزار مالی مبتنی بر سهام، سهام پروژه است که در آن سهام با نام منتشر می‌شود و افراد به تعداد سهمی که خریداری کرده‌اند، در سود و زیان پروژه سهیم هستند. این نوع سهم به دلیل این که با نام صادر می‌شود، قابلیت معامله در بازارهای ثانویه را ندارد.

دومین نوع سهام، اوراق مشارکت است که با توجه به میزانی که فرد برگ سهم خریداری کرده است، حق رأی دارد و البته این نوع سهام در بازارهای ثانویه قابلیت معامله دارند.

در مورد ابزارهای مالی مبتنی بر بدهی می‌توان از وام‌های بانکی، منابع خارجی، تملک دارایی و صکوک نام برد.

البته باید گفت که در میان این شیوه‌ها وام‌های بانکی در کشور ما از همه رایج‌تر است. درواقع به دلیل سیستم نادرست موجود، به جای این که تامین مالی شرکت‌ها از طریق سرمایه‌گذاری سرمایه‌داران صورت بگیرد، از راه استقراض از بانک‌ها انجام می‌شود و این شیوه باعث فشار شدیدی بر بانک‌ها برای تامین نقدینگی می‌شود.

در مورد صکوک باید گفت که این نوع از استقراض در مقابل اوراق قرضه که در سیستم سرمایه‌داری منتشر می‌شود، قرار می‌گیرد. صکوک، اوراق بهاداری است که بر اساس دارایی‌های شرکت صادر می‌شود. تفاوت عمده صکوک و اوراق قرضه هم در این است که در اوراق قرضه پایه کار بر بدهی قرار دارد و این در نظام مالی اسلامی قابل قبول نیست. از مزایای صکوک هم می‌توان به این مورد اشاره کرد که به‌سادگی قابلیت معامله در بازارهای ثانویه را دارد.

در زمینه تملک دارایی نیز باید گفت که یک دارایی مانند ساختمان یا ماشین برای مدتی با توافق دو طرف بر روی قیمت به شرکت اجازه داده می‌شود و در پایان دوره مالی آن ملک به دارایی‌های شرکت افزوده می‌شود و در ایران به نام لیزینگ شناخته می‌شود. البته این نوع لیزینگ در ایران مورد استفاده است و در کشورهای دیگر عدم تملک دارایی نیز وجود دارد که در پایان دوره مالی ملک به مالک بازگردانده می‌شود یا با چیز دیگری تعویض می‌شود.

مهندس سیدین؛

میزبان همایش و معرفی شرکت آتی‌نگر



مهندس پرهام سیدین، مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری آتی‌نگر سپهر ایرانیان و میزبان سومین همایش مدیران گروه خوارزمی در تبریز که روزهای پرکاری را در کنار همکاران پرتلاش خود برای میزبانی هرچه بهتر این همایش با شکیبایی و فروتنی پشت سر گذاشته است، طی سخنانی به معرفی اهداف و فعالیت‌های این شرکت می‌پردازد و می‌گوید: «در سال ۱۳۹۰ با مجوز سازمان بورس و اوراق بهادار نام شرکت آتی‌نگر به‌عنوان یک نهاد مالی در فهرست شرکت‌های ثبت‌شده نزد آن سازمان درج گردید. عنوان این شرکت مدتی بعد به شرکت سرمایه‌گذاری آتی‌نگر سپهر ایرانیان تغییر یافت.

این شرکت با افزایش سرمایه تدریجی شاهد تحولات مثبت و گسترده‌ای بوده است. با تداوم فعالیت‌ها و گسترش عملیات سرمایه‌گذاری، سرمایه شرکت در سال ۱۳۹۰ به ۲۰۰ میلیارد ریال و با توسعه فعالیت‌ها در سال جاری به ۵۰۰ میلیارد ریال افزایش یافت. در حال حاضر با توجه به برنامه‌های توسعه‌ای شرکت، افزایش سرمایه آن به مبلغ ۲۰۰۰ میلیارد ریال تا پایان سال ۹۴ در دستور کار قرار گرفته است.

طبق اساسنامه حوزه فعالیت‌های شرکت آتی‌نگر ایرانیان به شکل زیر است:

۱. سرمایه‌گذاری در سهام، سهم الشرکه، واحد سرمایه‌گذاری صندوق‌ها یا سایر اوراق بهادار دارای حق رأی شرکت‌ها، موسسات یا صندوق‌ها با هدف کسب سود، به طوری که به‌تنهایی یا با شرکت‌های مربوط کنترل شرکت، موسسه یا صندوق سرمایه‌گذاری را در اختیار

نگرفته و در آن نفوذ قابل ملاحظه‌ای نیابد.

۲. سرمایه‌گذاری در مسکوکات و فلزات گرانبها و گواهی سپرده بانکی و سپرده‌های سرمایه‌گذاری نزد بانک‌ها و موسسات مالی اعتباری مجاز.

۳. سرمایه‌گذاری در صندوق‌ها و اوراق بهادار مرتبط با طلا، ارز، زمین و ساختمان

۴. ارائه خدمات مرتبط با بازار اوراق بهادار

۵. ارائه خدمات مشاوره در حوزه مالی

در مورد ترکیب سهام‌داران و میزان سهم هر کدام از شرکت‌های دخیل باید گفت که شرکت خوارزمی با تملک حدود ۹۷ درصد از سهام در صدر سهام‌داران این شرکت قرار دارد و شرکت‌های کارت ایران، پایاپای ملی، شرکت تجارت گستران خوارزمی و شرکت توسعه ساختمان خوارزمی از دیگر سهام‌داران این شرکت‌اند. اعضای هیئت مدیره از صاحب‌نظران بازار سرمایه هستند. در مورد سرمایه‌های انسانی این شرکت نیز باید گفت که پرسنل شرکت در حال حاضر مجموعاً ۱۷ نفر هستند که شامل مدیرعامل، ۸ نفر نیروی کارشناس، ۲ نفر کمک کارشناس و ۶ نفر نیروی مالی و اداری است. نیروی کاری شرکت سرمایه‌گذاری آتی‌نگر سپهر ایرانیان دارای میانگین سنی ۳۱ سال و میانگین سنوات تحصیلی ۱۶ سال هستند. علاوه بر عزیزی که در شرکت مستقرند، سه نفر متخصص بازار که به‌عنوان اعضای کمیته سرمایه‌گذاری و هم‌چنین ۱۰ متخصص بازار سرمایه در قالب مشاور با شرکت همکاری می‌کنند.

دکتر ابن‌الرسول و سازوکار سنجش عملکرد شرکت‌ها



دکتر سیداصغر ابن‌الرسول، مدیر طرح و برنامه شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی، در سومین همایش مدیران گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی در زمینه سنجش عملکرد شرکت‌ها و نکاتی در زمینه کارت امتیازی متوازن سخنانی ایراد کرد و گفت:

در سال ۹۲ برای شرکت خوارزمی برنامه استراتژیک ۷ ساله تا سال ۹۹ تدوین و اهدافی راهبردی مشخص شد و بر این مبنا از شرکت‌های زیرمجموعه نیز خواسته شد تا برنامه راهبردی خود را مشخص کنند و به این ترتیب سهم هر شرکت در تحقق اهداف کلی گروه خوارزمی کاملاً مشخص شد.

نکته مهمی که بعضاً در بین مدیران به چشم می‌خورد، این است که باور قلبی لازم را نسبت به توانایی‌های تیم خود ندارند و گاهی احساس می‌کنند که اهداف مشخص‌شده تا حدودی بلندپروازانه و غیرقابل دستیابی است. اما باید به این عزیزان گفت که با توجه به خلاقیت و کارآفرینی مدیریتی و تیمی ما می‌توانیم

به اهدافی بالاتر از راهبردهای خوارزمی نیز دست یابیم. برای فهم بهتر، تمام راهبردها و اهداف مراحل مختلف باید مورد توجه باشد که اولین مرحله کنترل نام دارد. در این مرحله افراد با یکدیگر در ارتباطند و در زمینه برنامه‌ریزی و راه‌های پیشرفت با تبادل اطلاعات به یکدیگر کمک میکنند.

مرحله دوم سنجش نام دارد که در این قسمت افراد باید با سنجیدن شکل کار خود و میزان موفقیت یا شکست شرکت جایگاهشان را بهبود ببخشند. البته باید توجه داشت که چنین اقدامی نیازمند مشخص کردن واحدی است که سنجش بر مبنای آن صورت می‌گیرد. برای مثال باید مشخص شود مبنای سنجش کمی است یا کیفی. با انجام چنین سنجشی است که مدیران می‌توانند میزان رشد واقعی شرکت خود را ببینند و توانایی‌های خود را بشناسند و این‌گونه است که می‌توانند برنامه‌ای معقول و قابل دسترس را دنبال کنند.

نکته مهمی که در مورد سنجش عملکرد وجود دارد، این است که نباید به آن به شکل یک وظیفه نگاه کرد، بلکه سنجش عملکرد از ورود مواد اولیه تا زمانی که کالا به دست مشتری می‌رسد، ادامه دارد و باید مطلوبیت مشتری نیز در آن سنجیده شود. تنها در این حال است که می‌توان گفت این وظیفه به‌درستی انجام شده است. با رعایت این دو نکته و داشتن اطلاعات کافی و دقیق از منابع انسانی و مالی در دسترس شرکت می‌توان به یک برنامه معقول و مفید دست یافت و شرکت را در یک مسیر روشن و رو به رشد هدایت کرد. (علاقه‌مندان به این بحث می‌توانند به متن جامع‌تر مقاله دکتر ابن‌الرسول در این زمینه که در همین شماره چاپ شده است، مراجعه کنند).

دکتر صفوی؛

سلامت جهانی و پدیده سالمندی



دکتر ابراهیم صفوی، پزشک مدعو و مهمان همایش بود که در زمینه‌ای کاملاً متفاوت و درعین حال بسیار آشنا سخن گفت. موضوع این سخنرانی سلامت جهانی و پدیده سالمندی بود؛ یعنی مقوله‌ای که کشوری مانند ایران در آینده‌ای نه‌چندان دور با عوارض پیچیده آن روبه‌رو خواهد شد.

دکتر صفوی با اشاره به آمارهای جمعیتی در جهان و ایران و وضعیت سلامت گفت: «میزان زادوولد در کشور در دهه‌های اخیر حدود ۲۵ درصد کاهش داشته است. تا ۱۰ سال آینده ۶۰ درصد از جمعیت ایران در سنین سالمندی و پیری خواهد بود. از طرفی بیماری‌های سالمندی نظیر پوکی استخوان دامنه وسیعی پیدا کرده است.»

او سپس به ضرورت توجه به امر سلامت و پیش‌گیری از بیماری‌ها پرداخت و گفت: «عناصری در محیط زندگی انسان‌ها وجود دارد که باعث تسریع روند پیر شدن بدن یا ایجاد خطر برای سلامت فرد می‌شود. از جمله این موارد که بسیاری از افراد در معرض آن قرار دارند، آلودگی هوا و آلاینده‌هایی است که نه‌تنها از طریق هوا، بلکه از راه آب آشامیدنی یا دیگر راه‌ها به بدن وارد می‌شوند.

برای کم کردن تاثیر چنین مواردی در درجه اول ورزش روزانه قرار می‌گیرد که باعث کاهش سطح آلاینده‌ها و دفع سموم بدن از طریق تعرق می‌شود و این خود به سلامت بدن و افزایش طول عمر کمک می‌کند. حال ممکن است این سوال پیش بیاید که آیا در این هوای آلوده نیز مانعی برای ورزش وجود ندارد؟ در پاسخ باید گفت خبر؛ زیرا همان‌طور که گفته شد، ورزش و فعالیت‌های بدنی یکی از مهم‌ترین راه‌های بدن برای دفع سموم است و حتی با آلودگی هوا چنین فعالیتی به کمتر شدن سموم بدن کمک بسزایی می‌کند.

در کنار ورزش کردن، می‌توان با رعایت نکاتی ساده در تغذیه فردی به سلامت جسمی کاملی دست پیدا کرد. برای مثال سبزیجات حاوی موادی هستند که در مواد غذایی دیگر یافت نمی‌شوند و باید آن‌ها را بخشی از وعده‌های غذایی قرار داد. هم‌چنین در مورد میوه‌ها هم همین مورد صدق می‌کند. باید توجه داشت که بدن به انواع بسیاری از مواد غذایی احتیاج دارد و اجتناب از مصرف نوعی از مواد غذایی در دسرساز خواهد بود.»

دکتر زمانی؛

تشریح مقررات مبادلات ارزی



دکتر منوچهر زمانی، مدیرعامل صرافی سپهر-گروه خوارزمی صاحب بخشی از سهام آن است- در سومین همایش مدیران گروه خوارزمی در مورد مقررات مربوط به مبادلات ارزی و چگونگی فعالیت صرافی‌ها گفت: «در رابطه با مبادلات ارزی، شورای پول و اعتبار در سال ۹۲ دستورالعمل جدیدی را در مورد فعالیت تمامی صرافی‌های کشور ابلاغ کرد که در آن نسبت سهم سهام‌داران در صرافی‌ها تغییر کرد و طبق آن، بانک‌ها و موسسات مالی موظف شدند که ۹۰ درصد از سرمایه صرافی‌ها را داشته باشند و باقی موسسات ۱۰ درصد باقی‌مانده را. به این معنی که به‌طور مثال سرمایه ارزی شرکت خوارزمی در صرافی سپهر باید به ۱۰ درصد کاهش پیدا می‌کرد. طبق این دستورالعمل برای موسسات مالی و اعتباری میزان سرمایه باید به اندازه ۲۰۰ میلیارد ریال باشد.

این موضوع باعث اعتراض بخشی از صرافی‌های خصوصی شد که نهایتاً بعد از یک سال در سال ۹۳ دستورالعمل

جدیدی در این زمینه از جانب شورای پول و اعتبار صادر شد که دارای سه نکته مهم بود.

نکته اول این بود که به بانک‌ها اجازه داده شد که به جای ۹۰ درصد، همان حداقل حجم سرمایه به میزان ۷۰ درصد را داشته باشند و بتوانند ۳۰ درصد مابقی را به کارکنان یا شرکت‌های دیگر زیرمجموعه خود واگذار کنند.

سهم سرمایه موسسات مالی و اعتباری نیز از مبلغ ۲۰۰ میلیارد ریال به ۴۰ میلیارد ریال کاهش پیدا کرد. اما یک ماده محدودکننده نیز در دستورالعمل وجود داشت، یعنی ماده ۲۹ که در آن اشاره شده اگر صرافی در حال فعالیت باشد، بیش از دو برابر سرمایه‌ای که دارد، نمی‌تواند تعهد ایجاد کند. با این اوصاف انتظار می‌رود صرافی سپهر به میزان ۲۰۰ میلیارد ریال سرمایه ثبت کند و البته تمامی مراحل اداری مربوط نیز انجام شده و در صورت موافقت بانک مرکزی این صرافی کار خود را با میزان سرمایه یادشده دنبال می‌کند.

شرکت صرافی سپهر دارای ویژگی‌های خاصی است که آن را از دیگر صرافی‌ها متمایز می‌کند. از جمله این‌که سود این صرافی با کیفیت است و درواقع دارای سود نقدی است و به‌راحتی در حساب‌ها ثبت می‌شود. هم‌چنین می‌توان به‌راحتی روند افزایش سود را نسبت به سال‌های گذشته دید. همان‌طور که با توجه به آمار فعالیت‌های این صرافی می‌توان دریافت که میزان سود آن طی سالیان گذشته از ۲۶/۴ میلیارد به ۴۶/۴ میلیارد ریال رسید و نهایتاً در سال ۹۲ این رقم به میزان ۱۱۰ میلیارد ریال افزایش یافت.»

مهندس رکن؛

سخن از مقوله‌ای عاطفی و انسانی

مهندس رکن، از پایه‌گذاران موسسه نیکوکاری رکن - ویژه حمایت از افراد کم‌درآمد و نیز موسسه نیکوکاری مهیار ویژه حمایت از بیماران سرطانی- مهمان دیگر این همایش بود که با احساس و هیجان درباره مقوله‌ای انسانی و اجتماعی سخن گفت. او اظهار داشت:

«مدیران اقتصادی کشور در میان بحث‌های اقتصادی خوب است در زمینه مسائل انسانی و نوع‌دوستی و خیرات نیز تبادل نظر کنند.»

او که خود از مدیران پراسابقه کشور در عرصه‌های اقتصادی و صنعتی بوده است، در مورد شکل‌گیری نهادهای خیریه مورد اشاره گفت: «در ابتدا همراهان ما که از مدیران اقتصادی فعال کشورند، در کارهای خیر این‌چنینی به صورت فردی فعالیت‌هایی داشته‌اند، اما هدف اصلی متمرکز کردن این فعالیت‌ها و جمع‌آوری کمک‌های پراکنده بود. در راستای این هدف انجمن مدیران خیریه رکن شکل گرفت و طی چند سال مدیران و افراد بسیاری به این انجمن پیوستند و منشأ خدمات انسانی قابل توجهی شدند.

هم‌اکنون این انجمن دارای اعضای فعال بسیاری است، اما در چنین امر مهمی باز هم باید این تعداد را افزایش داد. و هرچقدر که فعالیت این انجمن خوب و مناسب باشد، باز هم جای کار بسیار است.»

او در پایان با اشاره به اهمیت توجه به نیازمندان در قالب تشکلهای مردمی و با شیوه‌های مناسب، از مدیران گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی دعوت کرد با هدف کسب سود معنوی، به موسسات خیریه و سرمایه‌گذاری در آن‌ها بپیوندند.

نشست پرسش و پاسخ



اولین بخش از نشست پرسش و پاسخ در این همایش با حضور آقایان دکتر ریاحی، دکتر زادمهر، مهندس سیدین، دکتر شادکام، دکتر معصومی و دکتر موسوی به ریاست دکتر ریاحی تشکیل شد.

در اولین سوال یکی از مدیران پرسید: **با توجه به پیچیدگی بازار سرمایه، از یک طرف امید به آینده و بهبود وضع بازار سرمایه بسیار قوی است و از طرف دیگر در صورت نتیجه دادن مذاکرات دیپلماتیک برای رفع تحریم‌های ظالمانه، میزانی از ثبات در بازار ایجاد می‌شود. اما از جنبه دیگر انتظار می‌رود که قیمت ارز نه تنها افزایش پیدا نکند، بلکه کاهش نیز بیابد و میزان تورم هم کمتر شود. هم‌چنین پیش‌بینی می‌شود که قیمت سنگ آهن و بعضی از اقلام مانند مس رو به**

کاهش باشد. با این تفاسیر شکل رشد بازار را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

دکتر معصومی: شاخص‌های بازار سرمایه مانند دماسنج اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و تمام رخدادهای یک جامعه عمل می‌کند و این اتفاق در جایی است که دارای اقتصادی نرمال است و فاکتورهای تاثیرگذار بر اقتصاد، مانند سیاست و تحولات اجتماعی نیز به شکل نرمال واکنش نشان می‌دهند. اما در ایران این فاکتورها بیشتر بر مبنای احساسات واکنش نشان می‌دهند. اما در زمینه تخصصی‌تر، یعنی بورس، با بهتر شدن روابط سیاسی بین ایران و دیگر کشورها و با افزایش مبادلات، می‌توان مطمئن بود که در آینده نه‌چندان دور رشد چشم‌گیری را در زمینه فلزات یا پتروشیمی که صنایع پیشرو در ایران هستند، خواهیم دید.

آیا می‌توان اموال غیرمنقول را در بورس معامله کرد؟

دکتر شادکام: در بازار بورس ایران میزانی از مشکلات در بازار بورس کالا وجود داشت که به دلیل شرایطی بود که برای شرکت‌های مجاز به حضور در بورس کالا ایجاد شده بود. از قبیل این‌که کالای مورد نظر باید استاندارد باشد، اگر سبکی از محصولات است، این سبک همگن باشد و مهم‌تر از همه تعهد عرضه یا استمرار عرضه در بورس دیده شود. بعضی از شرکت‌های تولیدی در محصولات خود ضایعاتی را داشتند که استاندارد نبودند یا این‌که نمی‌توانستند تعهد عرضه در بلندمدت را بر عهده بگیرند. چراکه مطمئناً شرکت تلاش در به‌روز بودن دارد، اما این تلاش همیشه با نتیجه مثبت همراه نیست. در بازار بورس نیاز بود که برای بعضی از کالاها راهی جز این مورد وجود داشته باشد، به‌ویژه در مورد کالاهایی که ممکن است استاندارد نباشند، همگن نباشند یا حتی استمرار هم نداشته باشند، مانند نقل و انتقال املاک. به همین دلیل سازمان بورس دستور نقل و انتقال اموال غیرمنقول را صادر کرده است.

آیا می‌شود یک بورس خصوصی در حوزه فلزات گران‌بها - به غیر از طلا- در ایران تشکیل داد؟

دکتر موسوی: بورس در جهان در طول ۱۰ تا ۱۵ سال گذشته رفته‌رفته از حالت شرکت‌های سهامی عام به سهامی خاص تغییر شکل داده است، اما در ایران چنین روندی احتیاج به بررسی‌های کارشناسی همه‌جانبه و البته گذشت زمان دارد. بنابراین در حال حاضر از بورس ایران نمی‌توان چنین انتظاری داشت.

دومین نشست پرسش و پاسخ

دومین جلسه پرسش و پاسخ در همایش مدیران گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی نیز با حضور آقایان دکتر برکچیان، دکتر شهسوار خجسته و دکتر ابن‌الرسول برگزار شد. دو مورد از پرسش و پاسخ‌های این نشست را در زیر از نظراتان می‌گذرانیم:

در قانون مالیاتی آمده است که موارد مربوط به محاسبه علی‌الراس حذف شده است. حال سوال این است که آیا مفاد ماده مربوط نیز کلاً حذف شده یا این‌که تنها این واژه حذف شده است؟

دکتر خجسته: در یکی از مواد قانون مالیات به‌طور دقیق موارد علی‌الراس مشخص شده و شرایطی نام برده شده که طی آن شخص صاحب شرکت یا صاحب شغل مشمول مالیات علی‌الراس می‌شود. اما این ماده اکنون حذف شده و سازمان امور مالیاتی ایران با توجه به اطلاعات اقتصادی و فعالیت‌های مالی هر شرکت میزان مالیات قابل پرداخت را مشخص می‌کند. اگر این امر به‌طور درست تحقق پیدا کند، یک گام بزرگ در ایجاد عدالت اقتصادی است و از نظرهای سلیقه‌ای و نادرست تا حدود زیادی جلوگیری می‌کند. بنابراین دیگر مفهومی به‌عنوان علی‌الراس وجود نخواهد داشت و شرکت‌ها با تحویل اظهارنامه اطلاعات شرکت را تسلیم می‌کنند و در صورتی که اظهارنامه‌ای تسلیم نشد یا ارقام موجود در آن درست نبود، سازمان مالیاتی خود برای تهیه یک اظهارنامه برای شرکت مورد نظر اقدام می‌کند.

آثار عملیاتی پیش‌گیری نرخ صفر به جای معافیت مالیاتی چیست؟

زمانی که یک شرکت معاف از مالیات می‌شود، دیگر نیازی به تنظیم اظهارنامه یا ارائه گزارش‌های مالی یا حتی حساب و نگاه‌داری از دفاتر حساب شغل مربوط نیست. اما زمانی که شرکت یا ارگانی ملزم به پرداخت مالیات با نرخ صفر است، این شرکت موظف است اظهارنامه‌هایش را به سازمان مالیاتی کشور تحویل دهد و تمام فعالیت‌ها باید در این اظهارنامه اعلام شود.

سخنان پایانی همایش؛

ما می‌توانیم!

سخنرانی پایانی سومین همایش مدیران گروه سرمایه‌گذاری خوارزمی توسط دکتر حجت‌اله صیدی، مدیرعامل این گروه و در قالب یک جمع‌بندی کوتاه و توأم با قدردانی از مجموعه مدیران و کارشناسان و کارکنان این گروه و شرکت‌های تابعه آن انجام شد.

دکتر صیدی ابتدا از مهمانان ویژه این همایش، اعضای هیئت مدیره گروه خوارزمی، مدیران شرکت‌های حاضر در همایش و گروه مدیریتی شرکت آتی‌نگر سپهر ایرانیان به‌عنوان میزبان و برگزارکننده سومین همایش مدیران در تبریز تشکر کرد و گفت: «تنها نوشتن و برنامه ریختن نیست که یک شرکت را به موفقیت می‌رساند. البته برنامه‌ریزی عامل مهمی در رسیدن به موفقیت است، اما تا زمانی که برای عمل به آن تلاشی نشود، مطمئناً نتیجه مطلوب حاصل نخواهد شد. میزان موفقیت افراد اغلب به شکل فکر کردن آن‌ها - در قالب مثبت یا منفی - برمی‌گردد. اما اگر باور به انجام کاری داشته باشیم، قطعاً موفق به انجامش می‌شویم. این مورد درباره گروه خوارزمی نیز صدق می‌کند. مدیران گرمی ما باید به اهداف خود باور داشته باشند و برای رسیدن به آن قلباً تلاش کنند. هرچند باید اعتراف کرد که عملکرد این عزیزان در چند سال گذشته چیزی به غیر از این را نشان نداده است.

شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی در ابتدای کار خود چندان قدرتی نداشت و شرکت کوچکی بود، اما بعد از چند سال همین هیئت مدیره که امروز در این سالن نشسته است، این شرکت را به قوت و گستردگی کنونی رسانده و باعث این پیشرفت بوده است. پس اگر برنامه‌ها برای سال‌های بعد بسیار سخت و بزرگ است، باید اول خود را باور داشت و دوم باور داشت که انجام این برنامه یک ضرورت است و کوتاه آمدن در این راه تنها به معنی شکست است و این چیزی نیست که برای چنین گروه مدیریتی بزرگی قابل قبول باشد.»

بازدید مدیرعامل گروه خوارزمی از نیروگاه منتظر قائم



دکتر حجت الله صیدی، مدیرعامل شرکت سرمایه گذاری خوارزمی (سهامی عام) نهم مهرماه گذشته در راس هیأتی متشکل از مدیران ستادی گروه خوارزمی با هدف آشنایی نزدیک با توانمندی‌ها، برنامه ها و کارکردهای مجموعه نیروگاهی منتظر قائم و همچنین تبیین دیدگاه ها و راهبردهای شرکت سرمایه گذاری خوارزمی از این نیروگاه بازدید کرد. در این بازدید، دکتر صیدی و هیأت همراه وی، با حضور در سایت نیروگاه منتظر قائم از نزدیک با روند فعالیت های جاری این نیروگاه آشنا شدند. سپس طی نشستی در دفتر مدیرعامل شرکت مدیریت تولید برق منتظر قائم، در جمع اعضای هیأت مدیره شرکت برق و انرژی سپهر و مدیران شرکت مدیریت تولید برق منتظر قائم به تبیین و تشریح استراتژی و اهداف شرکت خوارزمی در مجموعه صنعت برق پرداخت.

در این نشست، دکتر صیدی طی سخنانی اظهار داشت: «خداوند به انسان فرصت ها و نعمت هایی می دهد که شاید خود انسان نداند؛ امروزه برق در زندگی همچون هواست و تا زمانی که کمبودی پیش نیامده، متوجه وجود آن نیستیم. باید خدا را شاکر باشیم که این فرصت به دست آمده تا در این بخش خدمتگزار باشیم.»

وی افزود: «شرکت خوارزمی در بخش برق، استراتژی ویژه ای را ترسیم کرده است. بر این اساس استراتژی و هدف بلند مدت شرکت، توسعه نیروگاه منتظر قائم و تامین ۱۰ درصد از برق مورد نیاز شبکه برق کشور است. در میان مدت برنامه گروه خوارزمی بهینه سازی و افزایش ظرفیت و بازدهی عملیات نیروگاه منتظر قائم است. شرکت خوارزمی، در بخش کوتاه مدت انجام عملیات تعمیر و نگهداری را بر اساس پیش بینی و زمانبندی مطلوب در دستور کار دارد.

دکتر صیدی اظهار کرد: «همه این برنامه ها زمانی محقق خواهد شد که نیروی انسانی دلسوز و فعال و متخصص وارد عمل شده باشد. به گمان من با تیم توانمند و صاحب دانش و تجربه ای که در مجموعه شرکت برق و انرژی سپهر و نیروگاه منتظر قائم داریم این هدفی دست یافتنی است.»

در این نشست، مهندس عبدالرضا گودرزی مدیرعامل شرکت مدیریت تولید برق منتظر قائم نیز با اشاره به جایگاه خاص نیروگاه

منتظر قائم در شبکه برق کشور و توانایی ویژه آن در تامین برق در پایتخت به بیان تلاش مجموعه همکاران این نیروگاه در پاسخگویی به نیازهای مردم

پرداخت. وی گفت: «نیروگاه منتظر قائم با عمری بیش از ۴۰ سال، همچنان دارای آمادگی همه جانبه برای تامین

منتظر قائم و رئیس هیئت مدیره شرکت توسعه برق و انرژی سپهر نیز باتشکر از مدیران و دست اندرکاران مجموعه نیروگاهی منتظر قائم به لحاظ تلاش و پیگیری مجدانه در آماده نگاه داشتن واحدها با عمر بیش از ۴۰ سال و آمادگی صددرصدی برای تداوم بهینه خدمات، از دکتر صیدی به دلیل حضور در جمع مدیران و کارکنان این نیروگاه تقدیر و تشکر کرد.

در ادامه این نشست، مهندس اسلامی مدیر عامل شرکت توسعه برق و انرژی سپهر نیز روند واگذاری نیروگاه منتظر قائم به بخش خصوصی و اقدامات انجام شده در این زمینه را تشریح و اظهار امیدواری کرد که نیروگاه منتظر قائم بتواند به اهداف تعیین شده خود دست یابد.

بر پایه این خبر، شرکت سرمایه گذاری خوارزمی در اسفند ماه ۱۳۹۲ مجموعه نیروگاهی منتظر قائم (عج) را از بانک صادرات ایران به صورت نقد و اقساط خریداری کرد و به تملک خود درآورد. این نیروگاه در محور کرج- فردیس واقع شده است. ظرفیت اسمی تولید نیروگاه منتظر قائم بیش از ۱،۶ هزار مگاوات است و دارای ۶ واحدگازی، ۴ واحد بخار و ۳ واحد سیکل ترکیبی است.

این اقدام شرکت سرمایه گذاری خوارزمی در راستای برنامه استراتژیک گروه خوارزمی و با هدف تقویت حضور در بخش انرژی صورت پذیرفته است.



انرژی برق است، که این مهم نشان تلاش صادقانه مجموعه و پیگیری کارکنان و حمایت مدیران است.» دکتر کاظمی، رئیس کمیته راهبردی مجموعه نیروگاهی

آشنایی با شرکت کارگزاری آینده‌نگر خوارزمی



خدمات ذیل نیز هستند:

تأمین مالی برای شرکت‌ها از طریق انتشار اوراق مشارکت و صکوک برای شرکت‌های متقاضی.

مشاوره تأمین مالی در خصوص افزایش سرمایه شرکت‌های ثبت‌شده نزد سازمان بورس.

بازارگردانی سهام شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس و فرابورس.

اداره امور سرمایه‌گذاری‌ها به نمایندگی از طرف شخص سرمایه‌گذار از طریق انعقاد قرارداد سبدگردانی.

تشکیل صندوق‌های مختلف اعم از صندوق سرمایه‌گذاری با درآمد ثابت، صندوق سرمایه‌گذاری سهام و صندوق سرمایه‌گذاری مختلط و قبل مدیریت صندوق.

مشاوره سرمایه‌گذاری و تهیه طرح‌های توجیه اقتصادی برای پروژه‌ها به منظور اخذ تسهیلات از بانک‌ها.

پذیره‌نویسی اوراق بهادار پذیرفته‌شده در بورس.

پذیرش شرکت‌ها در بورس و فرابورس ایران.

پذیرش محصولات شرکت‌ها برای مبادله در بورس کالای ایران.

بازارهای مالی، دارای نقش کلیدی در تجهیز و هدایت وجوه موجود در اقتصاد به سمت بخش‌های تولیدی و صنعتی و به تبع آن بهبود رشد اقتصادی هستند، تا حدی که به عقیده برخی اقتصاددانان، گسترش بازارهای مالی، موتور محرک رشد اقتصادی کشورهاست. نظام مالی وظایفی را به عهده دارد که اجرای صحیح آن، تخصیص منابع را به دنبال می‌آورد. در این میان واسطه‌های مالی از جمله کارگزاری‌ها، نقشی کلیدی در توسعه و گسترش نظام مالی و توسعه اقتصادی کشور دارند.

کارگزاران اشخاصی حقوقی هستند که نقش واسطه بین خریدار و فروشنده را در بازارهای بورس بازی می‌کنند. خرید و فروش سهام شرکت‌های بورسی و فرابورسی در بازار، فقط توسط کارگزاران رسمی سازمان بورس اوراق بهادار امکان‌پذیر است؛ و این ویژگی موجب شفافیت معاملات بازار می‌شود. چراکه به این ترتیب اطلاعات مربوط به معاملات مانند تعداد سهام، قیمت مورد معامله و تعداد خریدار و فروشنده هر روز در دسترس قرار می‌گیرد.

علاوه بر خرید و فروش سهام و اوراق بهادار و کالاهای پذیرفته‌شده در بورس کالا، کارگزاران با دریافت مجوز از سازمان بورس قادر به ارائه

معرفی شرکت کارگزاری آینده‌نگر خوارزمی

شرکت کارگزاری آینده‌نگر خوارزمی (سهامی خاص)، در اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۸۵ تحت عنوان شرکت کارگزاری تحلیلگران بصیر به شماره ثبت ۶۳۶۵ نزد اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری زنجان به ثبت رسید. در اواخر سال ۱۳۹۱ مدیریت این کارگزاری به مجموعه سرمایه‌گذاری خوارزمی واگذار و نام شرکت به استناد تاییدیه اداره کل ثبت اسناد و املاک استان زنجان، در تیرماه ۱۳۹۲ از شرکت کارگزاری تحلیلگران بصیر به شرکت کارگزاری آینده‌نگر خوارزمی (سهامی خاص) تغییر یافت.

ارائه خدمات متمایز و ارتقای کمی و کیفی فعالیتها، از اهداف اصلی شرکت است. از اینرو پی‌ریزی امکانات لازم جهت کسب رضایت مشتریان و تسهیل سرمایه‌گذاری ایشان و نیز رعایت مقررات و ضوابط ذی‌ربط منجر به دریافت گواهینامه‌های مدیریت کیفیت (ISO ۹۰۰۱:۲۰۰۸)، مدیریت شکایات مشتریان (ISO ۱۰۰۰۲:۲۰۰۴)، و آراستگی محیط کار (۵S) شده است.

در حال حاضر پرسنل شاغل در این کارگزاری ۳۱ نفر هستند که از این تعداد ۷ نفر دارای مدرک کارشناسی ارشد، ۱۴ نفر کارشناسی و بقیه نیروها مدرک پایینتر از کارشناسی را دارند. این شرکت با بهره‌گیری از تخصص و تجربه پرسنل خود در ۴ شعبه در شهرهای تهران، زنجان، اصفهان و قزوین و ۸ ایستگاه معاملاتی فعال، به مشتریان خود خدمات متنوع کارگزاری را ارائه می‌دهد.

سرمایه و سهام‌داران

سرمایه شرکت در پایان سال مالی منتهی به ۳۱ شهریور ۱۳۹۳ مبلغ ۳۰ میلیارد ریال بوده و ترکیب سهام‌داران شرکت به شرح جدول ذیل است:

سهام‌دار	تعداد سهام	درصد سهام
شرکت توسعه مدیریت سرمایه خوارزمی	۱۱,۹۹۹,۷۰۰	۳۹,۹۹۹
آقای محمداقاسم محمدیان	۹,۰۰۰,۰۰۰	۳۰
سرمایه‌گذاری آتی نگر سپهر ایرانیان	۶,۰۰۰,۰۰۰	۲۰
آقای محمدامین محمدیان	۱,۵۰۰,۰۰۰	۵
سایر	۱,۵۰۰,۳۰۰	۵
جمع کل	۳۰,۰۰۰,۰۰۰	۱۰۰

مجوزهای شرکت

شرکت کارگزاری آینده‌نگر خوارزمی مجوزهای زیر را از سازمان بورس و اوراق بهادار اخذ کرده است:

- ① معاملات در بورس اوراق بهادار
 - ② معاملات در فرابورس ایران
 - ③ مجوز سبدگردانی اختصاصی
 - ④ مجوز ایجاد و مدیریت انواع صندوق‌های مشترک سرمایه‌گذاری
 - ⑤ مجوز معاملات برخط
 - ⑥ مجوز مرکز تماس تلفنی
- علاوه بر مجوزهای کسب‌شده از سازمان بورس و اوراق بهادار با تصویب هیئت مدیره شرکت، کمیته ریسک و کمیته حسابرسی در شهریور ماه سال ۱۳۹۳ تشکیل و واحدهای مدیریت ریسک و مدیریت حسابرسی داخلی شرکت با همکاری و هماهنگی

با شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی، راه‌اندازی شده است.

هم‌چنین طبق الزام سازمان بورس و اوراق بهادار، کمیته مبارزه با پول‌شویی شرکت تشکیل و مسئول مبارزه با پول‌شویی به صورت روزانه اقدام به پایش تراکنش‌های مشتریان می‌کند و در صورت مشاهده هرگونه عملیات مشکوک مراتب به کمیته مبارزه با پول‌شویی سازمان بورس و اوراق بهادار اطلاع داده می‌شود.

عملکرد مالی شرکت

شرح	دوازده ماهه منتهی به ۱۳۹۱/۰۶/۳۱	دوازده ماهه منتهی به ۱۳۹۲/۰۶/۳۱	دوازده‌ماهه (حسابرسی نشده) منتهی به ۱۳۹۳/۰۶/۳۱
درآمدهای عملیاتی	۲,۴۵۹	۲۰,۰۹۱	۳۱,۷۵۱
سایر درآمدهای عملیاتی	۰	۳۰۳	۴۲۰
هزینه‌های عمومی و اداری و تشکیلاتی	(۴,۳۵۸)	(۱۰,۰۳۶)	(۲۰,۲۳۱)
سود (زیان) عملیاتی	(۱,۸۹۹)	۱۰,۳۵۸	۱۱,۹۴۰
سایر درآمدها و هزینه‌های غیر عملیاتی	۵۸۱	۱,۵۰۶	۴,۶۵۸
سود (زیان) قبل از کسر مالیات	(۱,۳۱۸)	۱۱,۸۶۴	۱۶,۵۹۸
مالیات	۰	(۲,۱۱۶)	(۴,۰۳۵)
سود (زیان) خالص	(۱,۳۱۸)	۹,۷۴۸	۱۲,۵۶۳

با توجه به صورت سود و زیان شرکت مشاهده می‌شود عملکرد مالی کارگزاری با مدیریت جدید، بسیار متحول شده است. به گونه‌ای که سود خالص شرکت در سال ۹۲ علاوه بر پوشش زیان عملکرد سالهای گذشته، به میزان قابل توجهی رشد داشته است. حاشیه سود در سال ۹۲ برابر با ۴۹ درصد و در سال ۹۳ برابر ۴۲ درصد است که نشان از عملکرد بسیار خوب شرکت دارد.

چشم‌انداز و بیانیه ماموریت

چشم‌انداز شرکت آینده‌نگر خوارزمی عبارت است از تبدیل شدن به شرکتی پیشرو در زمینه ارائه خدمات نوین کارگزاری در سطحی مطلوب به مشتریان و قرار گرفتن در بین ۲۰ شرکت کارگزاری برتر کشور بر مبنای معیار ارزش معاملات کل، تا سال ۱۳۹۹.

بیانیه رسالت این کارگزاری بیان می‌کند که این شرکت بر آن است تا با استفاده از تجربه و دانش نیروی انسانی متخصص، خدمات حرفه‌ای و نوین صنعت کارگزاری را در سطح استاندارد به مشتریان ارائه کند و با تضمین کیفیت خدمات، رعایت قوانین و مقررات حاکم و پایبندی به تعهدات خود در قبال مردم، دولت و محیط کسب‌وکار در راستای رشد سهم بازار شرکت و افزایش ثروت سهام‌داران، گام بردارد.

از این‌رو حوزه‌های مهم ماموریت شرکت عبارت‌اند از:

- به‌کارگیری نیروی متخصص و با تجربه
- ارائه خدمات نوین به مشتریان
- بهبود کیفیت خدمات قابل ارائه
- رعایت قوانین و مقررات حاکم
- پایبندی به تعهدات خود در قبال ذی‌نفعان
- افزایش سهم بازار شرکت و ثروت‌آفرینی برای سهام‌داران.

اهداف کلی

با توجه به چشم‌انداز و ماموریت شرکت اهداف شرکت را می‌توان در چهار دسته کلی به شرح ذیل طبقه‌بندی کرد:

۱. کسب مزیت رقابتی
۲. توسعه و بهبود خدمات
۳. تامین منابع مالی و فیزیکی
۴. سودآوری

استراتژی‌ها

کارگزاری آینده‌نگر خوارزمی، استراتژی‌های ذیل را برای رسیدن به این اهداف کلی اتخاذ کرده است:

- نوآوری و تنوع‌بخشی در خدمات
- ارائه خدمات جامع برای مشتریان شرکت
- تسهیل ارتباطات و دسترسی
- نظارت اطمینان‌بخش
- هم‌راستاسازی استراتژیک فناوری اطلاعات با کسب‌وکار
- یک‌پارچه‌سازی سیستم‌های فناوریانه
- توسعه سرمایه‌های انسانی
- توسعه روش‌های ممیزی سیستمی
- توسعه مشارکت‌ها با مشتریان و تامین‌کنندگان
- ارتقای فرهنگ سرمایه‌گذاری
- بازاریابی فعال و موثر
- بهبود بهره‌وری در استفاده از منابع شرکت
- بهبود ساختار سرمایه شرکت

برنامه عملیاتی

شایان ذکر است این کارگزاری هم‌راستا با برنامه راهبردی هفت ساله شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی، و در راستای رسیدن به اهداف خود تا سال ۱۳۹۹ برنامه عملیاتی شرکت را به شرح ذیل در دست پی‌گیری دارد:

افزایش سرمایه از ۳۰ میلیارد ریال به ۳۰۰ میلیارد ریال
راه‌اندازی و مدیریت صندوقهای سرمایه‌گذاری مشترک و صندوقهای قابل معامله توسعه فضای اداری شرکت حداقل به میزان ۵۰۰ مترمربع
اخذ مجوز فعالیت در بورس کالا، بورس انرژی، مشاوره پذیرش شرکتها و قراردادهای آتی
توسعه واحد سیدگردانی شرکت به لحاظ حجم سبدهای تحت سرپرستی
تاسیس واحد مرکز داده (Data Center)
جذب حداقل ۶۰ نیروی متخصص و با تجربه
تاسیس حداقل ۸ شعبه و تالار اختصاصی در سراسر کشور

تالار اختصاصی



بورس در انتظار رونق

مجید سلیمی بروجنی، کارشناس اقتصادی

اما این روند تا کی ادامه خواهد یافت و آیا تا پایان سال جاری شاهد رشد دوباره قیمت سهام خواهیم بود؟ در جواب باید گفت این موضوع بستگی به سرعت و چگونگی موفقیت سیاست‌های اقتصادی دولت و شکست تحریم‌های ظالمانه دارد. اگر سیاست‌های دولت و پیشنهاد‌های ارائه شده در لایحه خروج از رکود، به صورت واقعی باعث افزایش رشد اقتصادی و کاهش بی‌کاری شود، حتماً در بازار سرمایه که بازتاب‌دهنده سطح فعالیت و سودآوری بزرگ‌ترین و مهم‌ترین شرکت‌های فعال در کشور است، شاهد رونق دوباره خواهیم بود و این رونق به دلیل پیشرو بودن شاخص‌های بازار سهام، زودتر از سایر بازارهای دیگر، نمایان خواهد شد. اما اگر شرایط اقتصادی جاری تداوم یابد، بدون شک شاهد تحرک چندانی در بازار سرمایه نخواهیم بود. مگر این‌که دوباره خلق پول به کمک این بازار بیاید. البته باید یادآور شد که آثار سیاست‌های محرک رشد اقتصادی برخلاف سیاست‌های ضدتورمی، بسیار کند هستند و نباید در کوتاه‌مدت از آن‌ها انتظار نتایج خارق‌العاده داشت. نکته مهم دیگر که باید مورد توجه قرار گیرد تاکید بجای دولت بر نقش بازار سرمایه در رشد اقتصادی کشور، در لایحه خروج از رکود است. با این امید که بتوان به کمک ظرفیت‌های این بازار، روند خروج از رکود را تسریع کرد و شرایط لازم برای رشد اقتصادی باادام را فراهم کرد.

اما باید اشاره کرد که اگر دولت قصد دارد به تأسی از تجربه کشورهای توسعه‌یافته، نظام تامین مالی و پایه‌های رشد با ثبات اقتصادی خود را بر دوش بازار سرمایه پایه‌گذاری کند، باید به نکات یادشده درخصوص خروج از رکود و ثبات رشد اقتصادی توجه داشته باشد.

در شرایط فعلی بازگشت رونق به بازار سرمایه تحت‌تأثیر دو پارامتر مهم و اساسی قرار دارد؛ تعیین تکلیف مذاکرات اتمی ایران و گروه ۵+۱ و تزریق نقدینگی. به اعتقاد برخی کارشناسان کند شدن روند تزریق نقدینگی به اقتصاد کشور و تبعات ناشی از رکود سنگین اقتصادی تأثیر بسیار زیادی بر روند نزولی بازار سرمایه داشته است. به اعتقاد آن‌ها رشد قیمت سهام در دو سال اخیر و به‌ویژه در سال ۹۲ را نمی‌توان بدون توجه به افزایش شدید حجم نقدینگی در کشور، توجیه کرد.

بایستی بپذیریم که تداوم این روند فرسایشی افت قیمت‌ها به دلیل اصلی گفته شده، یعنی کاهش تزریق پول به اقتصاد و اتخاذ سیاست‌های مهار تورم دولت، بازمی‌گردد. البته این صحبت‌ها به معنای انتقاد به سیاست‌های دولت نیست. بلکه توضیح می‌دهد اقتصاد به شدت معتمد به پول، به دلیل نرسیدن نقدینگی کافی به نفس‌نفس افتاده و بازار سرمایه با توجه به پیشرو بودن، در حال بروز دادن علائم این بیماری است؛ بیماری‌ای که نه به خاطر سیاست‌های دولت فعلی، بلکه ناشی از ساختار غلط اقتصادی کشور است که به دلیل ارتزاق از درآمدهای انبوه نفتی فربه شده و به محض کاهش درآمدهای ورودی، به نفس‌نفس می‌افتد. به بیان دیگر شرایط فعلی بازار سرمایه، بیشتر از این‌که ناشی از کاستی و عدم کارایی در ساختارها و سازوکارهای بازار باشد، ناشی از شرایط پیرامونی و فضای اقتصاد کلان است و از این رو بدون اصلاح ناکارآمدی‌ها و مشکلات اقتصادی کشور نمی‌توان شاهد رشد دوباره بازار سرمایه و هم‌چنین سایر بازارها و فرصت‌های سرمایه‌گذاری رقیب بود.

در حالی وارد نیمه دوم سال شدیم، که هنوز خبری از بازگشت رونق به بازار سرمایه نیست. سهام‌داران طی هشت ماه اخیر روزهای پراسترسی را پشت سر گذاشته‌اند. نوسان در ذات بازار است، اما نزول‌های پی‌درپی بورس، شرایط را دشوارتر کرده است. هرچند طی چند ماه اخیر مسئولان و دولت‌مردان بازار سرمایه بارها به ارزندگی سهام اشاره داشته‌اند، اما تا امروز نتوانسته‌اند ارزش معاملات بورس را به جایگاه اصلی‌اش بازگردانند.

در اوایل تابستان نور کم‌رنگی از امید به دل سهام‌داران تابانده شد و اوضاع به گونه‌ای عوض شد که بازار را از شرایط بحرانی فاصله داد. اما بورس بلافاصله دوباره به همان روزهای زمستان سال گذشته و بهار امسال بازگشت. دماسنج بازار سرمایه کشور از نقطه اوج خود در نیمه دی‌ماه سال قبل تا نیمه شهریورماه سال جاری حدود ۲۰ درصد افت را تجربه کرده است. در همین حال نماگر بورس از ابتدای سال جاری تا نیمه شهریورماه نیز زیان ۹ درصدی را در کارنامه خود دارد.

ارقام اخیر را می‌توان با قدری اغماض به‌عنوان حداقل زیان سهام‌داران بورس تهران در نظر گرفت. در پنج‌ماهه نخست امسال خالص سهام منتقل شده از سهام‌داران حقیقی به حقوقی بالغ بر ۸۵۰ میلیارد تومان بوده است که به معنای روی گردانی عامه مردم از بورس و از دست دادن سهام ارزشمند خود در قیمت‌های نازل است. هرچند اوضاع کنونی بازار سرمایه به تبعیت از شرایط عمومی اقتصاد کشور و خودنمایی سایه رکود تورمی چندان عجیب به نظر نمی‌رسد. اما در شرایطی که در ماه‌های اخیر، تورم به‌خوبی کنترل شده و با بارقه‌های امید برای دستیابی به رشد محسوس اقتصادی در ماه‌های پیش رو به چشم می‌خورد، از بازار بورس انتظار می‌رود به‌عنوان یک نماگر پیشرو، با نگاهی آینده‌نگر و رو به جلو وضعیت بهتری را نوید بخشد. صرف‌نظر از برخی عوامل نظیر تصمیمات مجلس شورای اسلامی در خصوص تعیین قیمت خوراک پتروشیمی‌ها و حق بهره‌برداری معادن بودجه سال ۱۳۹۳، افزایش نرخ سپرده بانکی بارها از جانب فعالان بازار گوشزد شده بود.

اقتصاد ایران



واکاوی اقتصاد ایران

رشد اقتصادی ۴/۶ درصدی از کجا آمد؟

آغاز بهبود اوضاع اقتصادی، از فصل چهارم ۹۲

در روزهای نخستی که ماجرای رشد ۴٫۶ درصد موجب راه افتادن بحث داغی در حاشیه‌های اقتصاد کشور شده بود، پیمان قربانی، معاون بانک مرکزی، با بیان این‌که حساب‌های ملی و ارقام رشد اقتصادی در اداره حساب‌های اقتصادی بانک مرکزی و توسط کارشناسان و متخصصان مطابق با رویه‌ها و استانداردهای ارائه‌شده از سوی نهادهای بین‌المللی محاسبه و در قالب گزارش ارائه می‌شود، به خبرنگاران گفت: «اقتصاد ایران پس از تجربه هشت فصل رشد منفی، در فصل اول سال جاری رشد مثبت و قابل قبولی را تجربه کرد. البته نباید فراموش کرد که در فصل چهارم سال گذشته نشانه‌هایی از بهبود اوضاع اقتصادی مشاهده شد که از آن جمله می‌توان به عملکرد مثبت رشد ارزش افزوده بخش صنعت و معدن، کاهش نرخ رشد منفی شاخص عملکرد کارگاه‌های بزرگ صنعتی در فصل چهارم سال ۱۳۹۲ نسبت به رقم مشابه سال ۱۳۹۱ و مثبت بودن رشد آن نسبت به فصل سوم سال ۱۳۹۲، اشاره کرد.»

او به رشد قابل توجه تولید صنعت خودرو در ماه‌های ابتدایی فصل جاری و تداوم آن در ماه‌های بعد اشاره کرد و افزود: «از این بابت می‌توان فصل اول سال جاری را به‌عنوان یک نقطه عطف در تحولات رشد اقتصادی کشور قلمداد کرد.»

این مقام مسئول در بانک مرکزی با بیان این‌که روند نشان می‌داد اقتصاد ایران در مسیر بازیابی توان از دست‌رفته خود بوده و تصویر ارائه‌شده از رشد اقتصادی غیرمنتظره نبود، گفت: «بیروی کار و سرمایه در اقتصاد وجود دارد و با بهبود جریان واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای، تسهیل نقل و انتقالات ارزی و افزایش پرداخت تسهیلات در قالب سرمایه در گردش ظرفیت‌های خالی اقتصاد فعال‌تر شده و در مجموع رشد مثبت اقتصادی را به دست داده است.»

در هفته نخست مهرماه اعلام صعود شاخص رشد اقتصادی کشور تا ۴٫۶ درصد خبری بود که محافل اقتصادی را به جنب‌وجوش وادار کرد و تقریباً همه کارشناسان اقتصادی و همه فعالان اقتصادی با حساسیت زیادی به این خبر خیره شدند. بدون شک اما باید حق را به گروه اهالی اقتصاد کشور داد، چون دولت یازدهم وقتی کابینه را تحویل گرفت، رشد اقتصادی از مثبت ۶ درصد به منفی ۶ درصد نزدیک شده بود. این اتفاق هیچ معنایی نداشت جز این‌که اقتصاد ایران با سر بر زمین خورده است. در همان زمان بسیاری از آگاهان اقتصادی می‌گفتند که دولت یازدهم پیچیده‌ترین شرایط اقتصادی چند دهه گذشته را پیش رو دارد و به همین دلیل می‌توان گفت که گرفتارترین دولت ایران است که سخت‌ترین موانع را در مقابل خود دارد. اما حالا به نظر می‌رسد که رشد اقتصادی ۴٫۶ درصدی بسیار زودتر از آن چیزی که کارشناسان پیش‌بینی می‌کردند، برگه موفقیت دولت یازدهم را رونمایی کرده است. همین مسئله باعث شد تا فضای بحث‌های اقتصادی نیز در هر گوشه و کناری از محافل اقتصادی کلید بخورد که همچنان نیز ادامه دارد. اما این رشد اقتصادی چگونه به دست آمده است و مواد خام آن چیست؟

۱،۵ واحد درصد از رشد ۴،۶ درصدی اقتصاد در فصل اول سال ۱۳۹۳ به فعالیت‌های صنعتی مربوط بوده و تغییرات شاخص کارگاه‌های بزرگ صنعتی (که خود حدود ۷۰ درصد از ارزش افزوده بخش صنعت را داراست) نشان می‌دهد که از ۲۲ گروه صنعتی، ۱۳ گروه که وزنی معادل ۸۷ درصد از شاخص را به خود اختصاص می‌دهند، در سه ماهه اول سال جاری نسبت به دوره مشابه سال قبل از رشد مثبت برخوردار بوده‌اند.

به‌طور مشخص وسایل نقلیه موتوری و تریلر با سهم ۱۹ درصد در شاخص، ۸۷،۲ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل و صنایع تولید فلزات اساسی مانند فولاد نیز با سهم ۲۰،۱ درصدی از شاخص کل، ۱۰،۹ درصد رشد داشته است.

فعالیت بازرگانی، رستوران و هتل‌داری و بخش نفت نیز به ترتیب ۱ و ۰،۷ واحد درصد در مراتب بعدی اهمیت در رشد اقتصادی فصل اول سال جاری قرار داشتند. بنابراین فعالیت‌های زیرگروه صنعت، بازرگانی، رستوران و هتل‌داری و بخش نفت به ترتیب با ۱،۵، ۰،۷ و ۰،۷ واحد درصد سهم، در مجموع سهمی معادل ۳،۲ واحد درصد از رشد ۴،۶ درصدی اقتصاد در فصل اول سال جاری را به خود اختصاص داده‌اند.

نظام بانکی سعی کرد تسهیلات بیشتری به تولید و سرمایه در گردش پرداخت کند و به همین واسطه سهم سرمایه در گردش از کل تسهیلات از ۴۷،۱ درصد در پنج ماهه اول سال ۱۳۹۲ به ۵۹،۳ درصد در پنج ماهه اول سال ۱۳۹۳ رسیده است. در بخش صنعت ۷۹،۵ درصد از تسهیلات پرداختی به تامین سرمایه در گردش تخصیص یافته است. لازم به ذکر است طی پنج ماهه اول سال جاری، ۱۱۳۵ هزار میلیارد ریال تسهیلات از سوی شبکه بانکی کشور پرداخت شده است.

نتایج به‌دست‌آمده نشان می‌دهد بانک مرکزی رشد اقتصادی را فدای تورم نکرد و در پاسخ به منتقدان سیاست انضباط پولی بانک مرکزی باید این سوال را مطرح کرد که چرا در سال ۱۳۹۱ و با وجود رشد ۳۰ درصدی نقدینگی، رشد اقتصادی منفی ۶،۸ درصد به ثبت رسید.

منتقدان فراموش کرده‌اند

محمدباقر نوبخت، معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهوری، نیز بعد از چالشی که پیرامون رشد اقتصاد ۴،۶ درصدی به وجود آمده بود، به میان خبرنگاران آمد و با رفع ابهام از آمار ۴،۶ درصدی رشد اقتصادی بهار امسال تصریح کرد: «انگار منتقدان فراموش کرده‌اند که در سه ماهه ابتدایی سال گذشته کشور حتی قانون بودجه هم نداشت.»

معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهوری در پاسخ به برخی انتقادات درباره این که چه تحولی در سال گذشته اتفاق افتاده که باید انتظار رشد اقتصادی مثبت ۴،۶ درصدی را داشته باشیم، گفت: «ما با توجه به این که اعتبارات عمرانی هر ساله بسیار محدود بود، توانستیم برای امسال و تاکنون ۱۲ برابر نسبت به دوره مشابه سال گذشته بودجه عمرانی بپردازیم. این در حالی است که اعتبار تملک دارایی‌های سرمایه‌ای در استان‌ها به‌طور صدها درصد و در کل ۵۳ درصد نسبت به دوره قبل پرداخت شده که بیان‌گر رشد ۳،۳ برابری است.»

او همچنین اشاره‌ای هم به پرداخت ۲۳ هزار میلیارد تومان بودجه عمرانی در سال گذشته کرد و گفت: «۱۱ هزار میلیارد تومان از این رقم تا بهمن‌ماه پرداخت شد و حدود

۱۲ هزار میلیارد تومان دیگر در اسفندماه به دست آمد و با توجه به این که نباید یک‌دفعه تزریق می‌کردیم، اما به دلیل شرایط موجود آن را به‌طور کامل به طرح‌های عمرانی پرداختیم تا پیمان‌کاران کار خود را از سر بگیرند و پروژه‌ها و کارگاه‌های تولیدی تعطیل نشوند.

درست است که عمده تخصیص بودجه عمرانی امسال در سه ماهه دوم بوده، اما ۱۲ هزار میلیارد پایانی سال گذشته در سه ماهه ابتدایی امسال هزینه شده است. این در حالی است که در دوره مشابه سال گذشته فقط ۲۰۰ میلیارد تومان صرف پروژه‌های عمرانی که نقش موثری در رشد اقتصادی دارند، شد. بنابراین نمایندگان محترمی که می‌گویند چه اتفاقی افتاده که در سه ماهه اول امسال نسبت به سال گذشته تا این اندازه رشد اقتصادی مثبت شده است، باید ضمن توجه به این آمار به آن‌ها یادآوری کرد که در بهار سال گذشته اصلاً قانون بودجه‌ای وجود نداشت که اجرایی شود و آن چه که عملی شد، ادامه سال ۱۳۹۱ بود.»

معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور در ادامه با اشاره به مستندات در رابطه با چرایی رشد مثبت ۴،۶ درصدی اقتصاد بیان کرد: «در بخش پتروشیمی در چهار

گزارش بانک مرکزی البته نشان می‌دهد که در گروه‌های مختلف اقتصاد کشور، بخش‌های «نفت»، «صنایع و معادن» و «نیرو» بیشترین رشد را نشان می‌دهد. جالب این‌جاست که در این گزارش مشخص است که بخش «بازرگانی، رستوران‌داری و هتل‌داری» نیز سهم بسزایی در شکل‌گیری رشد ۴،۶ درصدی داشته‌اند.

ماهه اول امسال در رابطه با مقدار تولید ۴،۴ درصد نسبت به سال گذشته رشد داشته‌ایم. هم‌چنین رشد فروش ۴،۲ درصد، ارزش افزوده ۱۸ درصد، صادرات ۸ درصد و ارزش صادرات ۴ درصد افزایش یافته است.

در بخش کشاورزی نیز در سه ماهه ابتدایی امسال ارزش تولیدات به ۶،۸ درصد رسیده، درحالی که در همین زمان در سال گذشته ۳،۳ درصد بوده است.

نوبخت با بیان این که عمده رشد اقتصادی در بخش نفت اتفاق افتاده است، گفت: «در سه ماهه اول سال گذشته رشد اقتصادی در بخش نفت منفی ۲۱،۹ درصد بود، درحالی که در سه ماهه اول سال جاری به مثبت ۶،۱ درصد افزایش یافته است.

در بخش صنعت، معدن و تجارت نیز رشد اقتصادی از منفی ۷ درصد به مثبت ۸،۱ درصد و در بخش خدمات از منفی ۷،۹ درصد به مثبت ۷،۳ درصد رسیده است.»

چرخه در نماگرهای بانک مرکزی

بانک مرکزی اما در گزارش‌های خود چهره دیگری از سیمای فعالیت‌های کلان اقتصادی نشان می‌دهد که به نظر می‌رسد زمینه رشد ۴،۶ درصدی اقتصاد را فراهم کردند. بر اساس گزارش‌های بانک مرکزی در فصل نخست سال جاری تولید ناخالص داخلی به ۴۸ هزار میلیارد تومان رسیده است. این رقم نسبت به رقم مشابه فصل نخست

سال قبل معادل ۴،۶ درصد رشد نشان می‌دهد. در نماگرهای موردنظر رشد اقتصاد بدون در نظر گرفتن نفت نیز ۴،۲ درصد محاسبه شده است. کارشناسان بانک مرکزی در نماگرهای خود می‌نویسند: «تمامی گروه‌های عمده اقتصادی (اعم از کشاورزی، نفت، صنایع و معادن و خدمات) در سه ماه اول سال جاری از رشد مثبت برخوردار بوده‌اند. این در حالی است که در فصل اول سال ۱۳۹۲، به جز گروه کشاورزی، سایر گروه‌های عمده با رشد منفی ارزش افزوده مواجه بودند.» گزارش بانک مرکزی البته نشان می‌دهد که در گروه‌های مختلف اقتصاد کشور، بخش‌های «نفت»، «صنایع و معادن» و «نیرو» بیشترین رشد را نشان می‌دهد. (جدول شماره یک).

تغییرات شاخص تولید ناخالص داخلی (برابر قیمت پایه سال ۱۳۸۴)		۱۳۹۳		۱۳۹۲	
ماه	سال	ماه	سال	ماه	سال
تولید ناخالص داخلی	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
بخش کشاورزی	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
بخش صنعت، معدن و تجارت	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
بخش خدمات	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
بخش انرژی	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
بخش حمل و نقل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
بخش اطلاعات و ارتباطات	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
بخش مالی و بیمه	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
بخش رفاه و تفریح	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
بخش بهداشت و درمان	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
بخش آموزش	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
بخش فرهنگ و تفریح	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
بخش ورزش و تفریح	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
بخش سایر خدمات	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

جالب این‌جاست که در این گزارش مشخص است که بخش «بازرگانی، رستوران‌داری و هتل‌داری» نیز سهم بسزایی در شکل‌گیری رشد ۴،۶ درصدی داشته‌اند. به نظر می‌رسد در جهش رشد اقتصاد جریان تورم را نیز نباید نادیده گرفت. گزارش‌های موجود نشان می‌دهد در آخرین ماه تابستان، نرخ تورم ماهانه معادل ۱،۴ درصد، نرخ تورم نقطه به نقطه

رشد ۴,۶ درصدی اقتصادی؛ آغاز روشن برای توسعه

بهمن آرمان، کارشناس اقتصادی

خیلی عجیب نیست که اعلام نرخ ۴,۶ درصد، آن هم مثبت برای اقتصاد ایران باعث شده است که عده‌ای در مقابل این رقم سراسیمه شوند و با شک به آن نگاه کنند، یا بگویند که رشد اقتصادی ۴,۶ درصدی ربطی به سفره مردم و معیشت آن‌ها ندارد. واقعیت آن است که در زمان فعالیت دولت‌های نهم و دهم آن‌قدر اقتصاد ایران گرفتار بلاهای مختلف شده است که به‌سختی می‌شود تحرکات مثبت در مدار اقتصاد را درک و باور کرد. در سال‌های گذشته شیراز اقتصاد ایران به‌کل از هم پاشید و بازگرداندن آن به شکل سابق درواقع کاری بسیار دشوار محسوب می‌شود. البته این نکته را نباید فراموش کرد که رویکردهایی از این دست را نیز نگاه سنتی به آمار در ایران تشدید می‌کند. در اقتصاد ما به شکل سنتی همیشه آمارها مورد بحث و چالش بوده‌اند. این مسئله مربوط به امروز و دیروز نیست. در دوره قبل از انقلاب نیز اطمینان مطلوبی نسبت به آمارهای اقتصادی وجود نداشته است. افزایش آمارهای غیرواقعی در چند سال گذشته نیز بر ضخامت این رویکرد سنتی افزوده است. برای همین گروهی در مقابل رشد ۴,۶ درصدی اقتصاد گرفتار شک می‌شوند و چالش‌های ریز و درشتی را مطرح می‌کنند. وجود این چالش‌ها البته ایرادی ندارد، ولی باید توجه داشت که اگر تولید ناخالص داخلی رشد داشته است، این رشد نتیجه بهینه شدن حرکت شاخص‌ها در گروه‌های مختلف اقتصادی مانند مصرف، واردات، هزینه‌های دولت، صادرات و سرمایه‌گذاری و... است. یعنی این رشد نتیجه رشد آیت‌های مختلف اقتصادی است. حرکت بخش‌های مولد در محاسبه این رشد بسیار مهم و دارای اهمیت است. اکنون تولید در حال جان گرفتن دوباره است و وقتی این اتفاق برای تولید رخ می‌دهد، نمی‌توان مدعی شد که بی‌کاری و اشتغال در همان نقطه صفر مانده‌اند. فراموش نکنیم که در کنار سیاست‌های غلط اقتصادی، بخش‌های صنعتی کشور از شرایط تحریم نیز رنج می‌برند. اما به‌رغم این موضوع تحرک مثبت در این حوزه‌ها کلید خورده است. حوزه‌های نفت، گاز و پتروشیمی به‌وضوح تغییر شرایط خود را نشان می‌دهند. اگر ما می‌خواهیم با وضوح بیشتری این تغییر شرایط را ببینیم، باید کمی صبر کنیم که سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته در این حوزه‌ها به نتیجه برسند و فعالیت‌های عمرانی نیز به پایان کار نزدیک شوند. نمی‌شود خیلی سریع و فوری بهبود اوضاع را در حوزه‌های مولد تماشا کرد، آن هم بعد از یک کمای هشت ساله که یقه اقتصاد ایران را چسبیده بود، در همین شرایط فعلی که هم تحریم‌ها را داشته‌ایم و هم چند سال ناکارآمدی، واحدهای تولید به گونه‌ای عملکرد خود را ترمیم کرده‌اند که می‌توانند نیروهای جدید استخدام کنند. بسیاری از آن‌ها فرایند جذب نیرو را آغاز کرده‌اند. در همین منطقه عسلویه اخباری که می‌رسد، حاکی است که روند استخدام نیروهای جدید شروع شده است. در دولت دهم ۷۰ هزار نفر از منطقه عسلویه اخراج شدند. واقعیت آن است که روند اقتصاد ایران تغییر کرده است و ما در مسیر مثبتی قرار گرفته‌ایم. بسیاری از صنایع ما مثل صنعت نفت، آلومینیوم، فولاد، سیمان و... به‌رغم آن‌که در شیب سقوط قرار داشتند، اما اکنون در مسیر افزایش تولید قرار گرفته‌اند. این اتفاق به‌طور طبیعی رشد اقتصادی کشور را به مسیر تازه‌ای وارد می‌کند.

بدون شک برای خروج از بحران نیاز است که نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی افزایش یابد. بدون سرمایه‌گذاری نه اشتغال به وجود می‌آید، نه رشد اقتصادی صورت می‌گیرد و درنهایت هم از رکود نمی‌توان خارج شد. برای مثال در سال ۲۰۱۳ میلادی، اقتصاد انگلیس را در اتحادیه اروپا به‌عنوان برترین اقتصاد این اتحادیه انتخاب کردند و دلیل این امر را بالاتر بودن نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی این کشور اعلام کردند. بنابراین در ایران هم ما برای خروج از رکود چاره‌ای نداریم جز این‌که بخش‌های اساسی کشور را تقویت کنیم. باید نقش بازار سرمایه را افزایش دهیم و تاسیس شرکت‌های جدید سرمایه‌گذاری به منظور توسعه اقتصادی را سرلوحه کار خود قرار دهیم. این‌ها در مجموع عواملی هستند که می‌توانند برای خروج کشور از بحران رکود فعلی کمک کنند. در حال حاضر نیز مهم این است که این روند آغاز شده و جریان نسبت سرمایه‌گذاری به تولید ناخالص داخلی اوضاعی به مراتب بهتر از سال‌های فعالیت دولت نهم و دهم پیدا کرده است. باید این روند را تقویت کرد و ادامه داد. رشد ۴,۶ درصدی شروع خیلی مناسبی برای این فرایند است، اما تمام کار نیست. رونق واقعی جایی مثل بازار سرمایه، برای انضباط بخشیدن به این روند می‌تواند بسیار اهمیت داشته باشد. مسئولان دولتی باید برای حفظ این روند هر چه زودتر نقش بازار سرمایه در جریان توسعه کشور را پررنگ کنند. این گونه حتما می‌توان به ارقامی بالاتر از زمینه رشد اقتصادی دست یافت.

معادل ۱۴,۴ درصد و نرخ تورم متوسط نیز به ۲۱,۱ درصد رسیده است. این در حالی است که در شهریورماه سال گذشته، تورم ماهانه معادل ۱,۷ درصد، تورم نقطه به نقطه به میزان ۴۱,۶ درصد و تورم متوسط معادل ۴۰,۱ درصد محاسبه شده بود. در کنار تورم به نظر می‌رسد کم شدن تنگی نفس صنعت نیز نقش موثری در سرعت موتور اقتصاد ایران داشته است. در سال ۹۲ و کمی بعد از آن که دولت یازدهم سکان اجرایی کشور را در اختیار گرفت، وزیر صنعت رشد صنعت کشور را منفی ۹,۹ درصد اعلام کرد. چنین چیزی می‌توانست بدترین خبر برای بخش مولد اقتصاد کشور باشد. اما حالا در گزارش بانک مرکزی می‌توان محاسبه کرد که در بخش صنعت، شاخص تولید کارگاه‌های بزرگ صنعتی (که حدود ۷۰ درصد ارزش افزوده بخش صنعت را پوشش می‌دهد)، در سه ماه اول سال ۱۳۹۳ نسبت به رقم مشابه سال ۱۳۹۲ معادل ۱۰ درصد رشد داشته است. هم‌چنین در میان ۲۲ گروه عمده صنعتی، شاخص ۱۳ گروه که در مجموع ۸۷ درصد از وزن کل شاخص «صنعت» را به خود اختصاص می‌دهند، در فصل اول سال ۱۳۹۳ نسبت به فصل اول سال ۱۳۹۲ رشد مثبت داشته‌اند. هم‌چنین نماگرهای بانک مرکزی نشان می‌دهند که «رشد تشکیل سرمایه ثابت ناخالص» در بهار سال جاری به رقم ۵,۷ درصدی رسیده که در مقایسه با رشد ۳/۸ درصدی مخارج این گروه در زمستان سال گذشته افزایش قابل قبولی را ثبت کرده است. سرمایه ثابت ناخالص درواقع گروه «ماشین‌آلات» و سرمایه‌گذاری در «ساختمان» را نیز در بر می‌گیرد. برحسب اطلاعات موجود، رشد سرمایه‌گذاری در «ماشین‌آلات» در بهار امسال معادل ۱۷,۷ درصد بوده است. (جدول ۲ به‌خوبی ریز این اقلام را نشان می‌دهد).

به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۲ (واحد درصد)		۱۳۹۲		۱۳۹۳	
ماه	تایمستان	ماه	تایمستان	سال	ماه
گروه کشاورزی	۶/۸	۶/۹	-۱/۱	-۴/۲	۶/۷
گروه نفت	۲۱/۹	-۲/۶	-۱۷/۷	۳/۶	-۸/۹
گروه صنایع معدنی	۷	-۵/۷	-۲/۵	+۸	-۲/۹
معدن	۶/۲	-۲/۶	-۹	۱۷/۳	+۹
صنعت	-۸/۵	-۵/۴	-۱/۶	-۱/۸	-۳/۹
برق، آب، گاز	۲/۵	۶/۴	۶/۴	۵/۱	۵/۴
ساخت‌ها	-۷/۸	-۹/۲	۱/۸	۱/۸	-۳/۹
گروه خدمات	-۱/۱	-۱	-۱/۲	-۲/۵	-۱/۵
بازرگانی، رستوران و هتلداری	-۷/۹	-۶/۷	-۳/۲	-۲/۷	-۵
حمل و نقل، ارتباطی و اطلاعات	۲/۶	۱/۹	۱/۸	۱/۲	۱/۹
خدمات موسسه پولی و مالی	-۲/۱	-۱۳/۹	-۱۳/۳	-۵/۶	-۱۳/۷
خدمات مسافران و خدمات حرفه‌ای	۲/۹	۲/۵	+۹	-۶/۷	-۱/۳
خدمات عمومی	۰	۰	۰	۰	۰
خدمات اجتماعی، شخصی و خانگی	۱۶/۶	۷/۳	-۵	۳/۹	۵/۶
کسر می‌شود: کارمزد اجناسی	-۲/۹	-۱۶/۹	-۱۶/۵	۱/۸	-۱۱/۵
تولید ناخالص داخلی به قیمت پایه	-۴/۱	-۱/۹	۱/۸	۱/۹	-۱/۹
(تولید ناخالص داخلی به قیمت پایه به‌عنوان قیمت)	-۱/۴	-۱/۸	-۱/۶	-۱/۶	-۱/۹

اطلاعات موجود نشان می‌دهد که شاخص‌ها در اقتصاد ایران در حال تغییرند و شاید به‌زودی و با برطرف کردن بخشی از ویرانه‌های اقتصاد که در سال‌های گذشته شکل گرفته‌اند، مردم نیز نتیجه این تغییر را در زندگی خود لمس کنند. بدون شک اقتصاد ایران امروز با توجه به کسری‌ای که در آن قرار گرفته است، نیاز دارد که سرمایه‌گذاران و فعالان مولد اقتصادی با امید بیشتری در میدان حاضر شوند و چراغ سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی را شعله‌ورتر کنند. دیر نیست که پیروزی در میادین دیپلماتیک نیز افزایش سرعت مطلوبی را به این روند اقتصادی هدیه کنند. برای همین شک نباید کرد که دیگر زمان آن رسیده که کمربندها در اقتصاد ایران برای یک حرکت صعودی محکم‌تر شوند.

استقرار مدیریت ریسک به عنوان:

ابزار خلاصی از درد

در یک سازمان تجاری

درد در وجود انسان به‌عنوان یک ارگان زنده، به صورت یک علامت و نشانه برای تشخیص نارسایی یا بیماری محسوب می‌گردد. اگر شما در حال حاضر گرفتار درد هستید، قطعاً در خصوص تشخیص و نحوه برخورد با آن مطلع می‌شوید و به‌سادگی در صدد درمان آن برمی‌آیید. در این شرایط بسیار مشکل است که شما بر موضوع دیگری تمرکز کنید. ضمناً نباید امید را از دست داد، زیرا برای بیشتر افراد دردهای موجود و حتی از نوع سرطانی آن قابل کنترل یا کاهش است.

آیا برای سرطان‌های سازمانی، چنین منابع رهنموددهنده‌ای دارد؟ آیا در درون یک سازمان و در جریان فرایندهای عملیاتی آن، ضایعاتی همانند سرطان به وجود نمی‌آید؟ آیا رهنمودهای لازم برای نحوه برخورد با آن، به‌موقع و به صورت مناسب ارائه می‌شود؟ آیا در سازمان‌های تجاری و اقتصادی، حسگرهای لازم برای شناسایی درد، تعبیه شده است و آیا مراکز تخصصی مناسب در خصوص نحوه برخورد با این‌گونه دردها و روشهای درمان آن و همچنین فرهنگ‌سازی لازم برای نحوه برخورد درست با آن، ایجاد شده است؟ آیا معاینات کلینیکی دورهای و منظم برای تشخیص نارسایی‌های سازمانی صورت می‌پذیرد؟

احساس انسان نسبت به درد

هنگامی که انسان‌ها به درد می‌اندیشند، اغلب تمرکز فکری آن‌ها در وهله اول متوجه نقطه دردناک و میزان صدمات احتمالی که ممکن است به بدن وارد آید، می‌شود. درحالی‌که درد می‌تواند روی سایر بخش‌های وجود انسان از جمله افکار و احساسات شما نیز موثر باشد. بسیاری از انسان‌ها هنگام ابتلا به سرطان و دردهای ناشی از آن، درگیر مسائل ذهنی و روانی عمده‌ای می‌شوند، به‌طوری‌که تفکیک میزان تأثیرات موارد مذکور برای آن‌ها امکان‌پذیر نیست. درواقع دردهای فیزیکی و روانی به یک میزان بر وجود آن‌ها فشار می‌آورد، به گونه‌ای که زندگی روزانه آن‌ها را به‌طور کامل مختل می‌کند. به همین دلیل متخصصان درمان فیزیکی درد، دست در دست درمان‌گران ذهنی و روانی

- ① آشنایی با وجوه احساسی ناشی از دردهای سرطانی
- ② انواع و دلایل ایجاد دردهای سرطانی در وجود انسان
- ③ برنامه و روش‌های کنترل درد
- ④ شکل‌های متفاوت درد و درمان‌های خاص برای هر نوع آن
- ⑤ سایر روش‌های کنترل درد
- ⑥ منابع موجود برای انجام حمایت‌های لازم

از طریق کتب و نشریات و وسایل ارتباط جمعی، به‌طور مکرر به

اگر درد را به‌عنوان یک نقیصه ارگانیک در نظر بگیریم و شناسایی و درمان به‌موقع آن را یک فرض واجب تلقی کنیم، تحقق این نقیصه را در سازمان به چه صورت و با چه روش‌های موثر و اطمینان‌بخشی می‌توان شناسایی و درمان کرد

انسان راهنمایی‌های لازم در خصوص موقعیت و شرایط بیماری او و به‌ویژه سرطان و رویه‌های برخورد با آن، ارائه می‌شود. اما

اگر مقدمه فوق را بخوانیم به یک سازمان یا بنگاه تجاری به مثابه یک موجود زنده و ارگانیک تعمیم دهیم، با این سوال اساسی روبه‌رو می‌شویم که تشخیص درد یا نارسایی ارگانیک در درون یک بنگاه تجاری چگونه صورت می‌پذیرد؟ چگونه می‌توان به وجود سرطان سازمانی و غده‌های تخریب‌گر در جریان فرایندهای عملیاتی آن پی برد؟ آیا در بدنه اجرایی یک سازمان یا ارگان عملیاتی، نارسایی‌های دردآور بروز نمی‌کنند؟ در این صورت با چه ابزار و حسگرهای سازمانی می‌توان به وجود این نارسایی‌ها یا دردهای سازمانی وقوف پیدا کرد و چگونه باید درصدد درمان آن برآمد. در این مقاله کوشش شده تا از طریق مقایسه انسان و سازمان به‌عنوان ارگان‌های زنده و فعال و دارای مشابهت‌های ارگانیک، به اهمیت روشهای شناسایی دردهای سازمانی، همانند رویه‌های درمان دردهای انسانی، توجه لازم مبذول شود و رویکردهای کلینیکی در این زمینه مورد بررسی قرار گیرد.

در ارتباط با شناسایی دردهای انسانی و زمینه‌های توجه به آن و همچنین رویه‌های درمان آن‌ها، مطالب بسیار پر حجم و متنوعی تا کنون نگاشته و ارائه شده است که هدف همه آن‌ها آشنا شدن انسان با شناسایی به‌موقع به‌نشانه‌های درد در وجود انسان و روش‌های درمان آن است. برای مثال در ارتباط با مسئله سرطان که یکی از معضلات مبتلا به انسان است، پیوسته رهنمودهای لازم از طریق رسانه‌های جمعی، کتب و مقالات مندرج در روزنامه‌ها، ارائه می‌شود که اهداف کلی آن‌ها شامل موارد ذیل است:



① به شما کمک می‌کند که احساسات و هیجانات روانی خود را بهتر بشناسید و کمتر در آن‌ها غرق شوید.

② در شما احساس بیشتر و قوی‌تری نسبت به کنترل مشکل ایجاد می‌کند.

③ به شما در کاهش استرس کمک می‌کند.

④ به شما در احساس تنها نبودن کمک می‌کند.

⑤ به شما و تیم درمان‌کننده شما امکانات بهتری را جهت درمان ارائه می‌کند.

حال در این ارتباط یک سازمان تجاری یا بنگاه اقتصادی را در نظر بگیرید که دارای دردهای اداری یا عملیاتی است و لازم است درخصوص دردهای مذکور زبان بیان داشته باشد. چه بخشی از سازمان باید درد را احساس و در مورد آن حرف بزند، چگونه باید تظاهر در درد را در رفتار سازمانی شناخت و به چه زبانی باید آن را بیان کرد تا زمینه کمک به درمان آن فراهم شود؟ آیا واحد مدیریت ریسک یا برنامه‌ریزی یا IT یا حسابرسی داخلی، وظیفه دارند که دردهای سازمانی را به‌موقع تشخیص دهند و درخصوص آن سخن بگویند، یا مکانیسم‌های دیگری برای تشخیص و سخن گفتن از درد در بنگاه اقتصادی لازم است؟ هدف در طرح این‌گونه سوال‌ها این است که چه تدابیری باید در سازمان تجاری اتخاذ شود تا نسبت به شناخت به‌موقع درد و تشریح عوارض و تأثیرات آن، اقدام به‌موقع انجام شود.

درباره درد

درک درد و علت ایجاد آن، نوع درد و مدل و الگوی آن، می‌تواند شما را در درمان بهتر و روشن جلوگیری از آن کمک کند. فهم این موضوع که ما چرا دچار درد هستیم و چگونه می‌توانیم در پیشگیری و درمان آن بکوشیم، موجب درک بیشتر روش کنترل آن شده و در نتیجه باعث ایجاد فراغت خیال و کاهش نگرانی درخصوص آن میشود. صحبت در مورد دردهای سازمانی بر این اساس نیز چندان دور از فهم و درک درد انسانی نیست و پی بردن به علت و نوع درد در یک سازمان زنده تجاری جهت پیشگیری و کنترل آن و ایجاد آرامش سازمانی بسیار اهمیت دارد و قطعاً منجر به زدودن نارسایی‌ها در فرایندهای عملیاتی و ارگان‌های فعال در زیرمجموعه سازمان میشود.

درد چیست؟ درد قطعاً فراتر از یک اختلال صرف است. درد نقش مهمی در ارگانیسم بدن انسان ایفا میکند. درد به ما نشان می‌دهد که بخشی از ساختمان وجود انسان دچار مشکل است و به ما کمک می‌کند که نسبت به رهایی از آن بکوشیم. بنابراین اگرچه درد برای حفظ سلامت بدن انسان از اهمیت زیادی برخوردار است، ولی وجود آن موجب سلب آرامش و آزار جسم انسان می‌شود. برای مثال زمانی که بدن شما با درد مواجه است، مقابله روزانه با مسئله سرطان بسیار دشوار می‌شود. درد موجب احساس خستگی و کاهش راندمان انسان در انجام فعالیتهای روزانه می‌شود و بر مسائلی مانند اشتها، خواب، زندگی اجتماعی و روابط

انسان با خانواده و دوستان اثر منفی دارد. با توجه به این توضیحات و مشابَهت ارگانیک بین انسان و سازمان‌های اداری، مجدداً این سوال مطرح می‌شود که چگونه باید در یک سازمان تجاری، درد را تمیز و تشخیص داد و اثرات آن را بر اجزا و فرایندهای عملیاتی آن مورد بررسی قرار داد. اگر درد را به‌عنوان یک نقیصه ارگانیک در نظر بگیریم و شناسایی و درمان به‌موقع آن را یک فرض واجب تلقی کنیم، تحقق این نقیصه را در سازمان به چه صورت و با چه روش‌های موثر و اطمینان‌بخشی می‌توان شناسایی و درمان کرد.

دلایل ایجاد درد

دردهای ناشی از اختلالات ارگانیسم بدن انسان، دارای دلایل متفاوتی است. برای مثال دردهای سرطانی ناشی از ایجاد تومور و رشد آن در بدن است و دردهای دیگر نیز دارای دلایل مشخص هستند که توسط تیم‌های پزشکی درمان‌کننده، شناسایی و مورد درمان قرار می‌گیرد. انجام آزمایش‌های دورهای مشخص یا موردی به‌عنوان روش شناسایی علل ایجاد درد و پی بردن به اختلالات جسمانی محسوب می‌شود. حال باید مقایسه کرد که اختلالات سازمانی یا ایجاد تومورهای تخریب‌کننده مکانیسم‌های اداری، چگونه قابل تشخیص و درمان است. آیا در یک سازمان اداری یا تجاری و صنعتی، مکانیسم‌های شناسایی به‌موقع دردهای سازمانی، به صورت مناسب تعبیه شده است تا به‌موقع علایم ناشی از ایجاد یا رشد آن را شناسایی کرد تا اقدامات پیشگیرانه یا مداوم‌کننده به‌موقع انجام شود تا عوارض و تبعات اداری، مالی و عملیاتی آن منجر به حصول زیانهای غیرقابل جبران و صدمات دیگر نشود.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، درد در وجود انسان به‌عنوان نشانه بیماری یا اختلال ارگانیک محسوب می‌شود، بنابراین باید سریع شناخته و درمان شود. اما در یک بنگاه اقتصادی یا سازمان تجاری درد چگونه باید شناخته شود؟ در این ارتباط می‌توان به موضوع مدیریت ریسک و نقش آن در شناسایی به‌موقع عوامل خطرآفرین سازمانی و اتخاذ تدابیر لازم جهت کاهش اثرات و احتمال وقوع آن و راه‌های پیشگیری از تکرار و درنهایت ایجاد صدمات و زیانهای عملیاتی و سازمانی، اشاره کرد. مدیریت ریسک می‌تواند به مثابه یک مرکز شناسایی دردهای جاری و آتی سازمانی عمل کند تا سازمان را از اثرات مخرب عوامل خطرآفرین مصون سازد و ارگانیسم سازمانی را از آثار درد ناشی از عوامل مخرب محفوظ داشته و همواره شادابی، چالاکی، کارآمدی و سلامت سازمانی را به صورت پویا ایجاد و استمرار آن را تضمین کند. ایجاد زمینه‌های برخورد کلینیکی با مسائل و مشکلات سازمانی، موجب استمرار فعالیت‌های عملیاتی در راستای اهداف تعیین‌شده و دستیابی به آرامش و سودمندی آن می‌شود. بنابراین استقرار واحد مدیریت ریسک به‌عنوان یک ارگان تشخیص‌گر دردهای سازمانی و هشداردهنده به‌موقع در این زمینه توصیه می‌شود.

به درمان شخص مبتلا می‌پردازند تا مهار آن در وجود انسان، امکان‌پذیر شود. طبق یافته‌های پزشکی، هنگام ابتلای انسان‌ها به سرطان، واکنش‌های مختلفی در آن‌ها به وجود می‌آید که شامل عصبانیت، اضطراب، غمگین شدن، افسردگی، استرس و خستگی است که موجب نگرانی آن‌ها نسبت به آینده و از دست دادن ارزش‌ها می‌شود. بر این منوال اگر نارسایی‌ها و ریسک‌ها و عوامل اختلال‌گر سازمانی را به مثابه غدد سرطانی در درون سازمان، تلقی کنیم، در بررسی‌های آسیب‌شناسی سازمانی مشخص می‌شود که بروز علایمی شبیه آن‌چه در انسان رخ می‌دهد، در فرایندهای واکنشی سازمانی نیز اتفاق می‌افتد که موجب سلب شادابی و چالاکی و درنهایت موجب کاهش کارآمدی و راندمان عملیاتی آن می‌شود. بنابراین در این زمینه نیز لازم است تدابیر پیشگیرانه یا درمان‌گر به‌موقع و به صورت مناسب اتخاذ شود تا سازمان از عارضه‌های مذکور در امان بماند.

در مورد احساس خود صحبت کنید

بسیاری از افراد در ارتباط با صحبت در مورد احساساتشان دچار مشکل هستند و برایشان دشوار است که در مورد بیماری خود با دیگران صحبت کنند. برخی از آن‌ها در مورد امکان از دست دادن کنترل خود نسبت به وضعیت سلامتی خود غمگین می‌شوند و به گریه کردن در حضور خانواده متوسل می‌شوند. طبق یافته‌های پزشکی، صحبت در مورد مسائل احساسی و روانی به همان اندازه صحبت در مورد دردهای فیزیکی، دارای اهمیت است. شما نیاز ندارید که با مخفی نگه داشتن غم و اندوه خود، دیگران را حفاظت کنید و لازم نیست که غم را باوجود تظاهر آن در رفتارتان، مخفی نگه دارید. صحبت کردن در این زمینه به نتایج ذیل منجر می‌شود:

پاسخ دکتر حجت‌اله صیدی* به پرسش هفته‌نامه «تجارت فردا»

آیا اقتصاد ایران طی شش ماه آینده از رکود خارج خواهد شد؟

خروج از رکود؛ بیم‌ها و امیدها

هفته‌نامه تجارت فردا در شماره ۲۲ شهریورماه ۹۳ خود پرسشی را با جمعی از اقتصاددانان و صاحب‌نظران در بازار سرمایه مطرح کرد و پاسخ‌های آنان را در معرض داوری خوانندگان خود گذاشت. پرسش این بود: آیا اقتصاد و بازار سرمایه در ایران ظرف شش ماه آینده از رکود خارج خواهد شد؟

«وخارزم» عین یادداشت دکتر حجت‌اله صیدی، مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی، به این سوال کلیدی را، به نظر خوانندگان گرامی می‌رساند.

و صنعت بیشترین رشد را داشته‌اند و این به معنی خروج بخش‌های مهمی از اقتصاد از رکود است. اما عمیق‌تر شدن رکود در بخش ساختمان - که از بخش‌های بسیار مهم اقتصاد ایران است - و رشد منفی آن در ماه‌های گذشته، نگرانی‌ها از دوام رکود را قوت بخشیده و مانع از حصول اطمینان کافی نسبت به ارقام مثبتی می‌شود که به صورت غیررسمی و در سخنرانی‌ها به‌عنوان میانگین رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت پایه و بدون احتساب نفت در سه ماه نخست - عددی در حدود دو درصد - اعلام شده است. بنابراین اگر نیمهٔ پر لیوان را بنگریم، باید آرزو کنیم که سیاست‌هایی که موجب رشد بخش‌های نفت و صنعت و معدن شده است، در گام اول، سایر بخش‌ها، به‌ویژه ساختمان و کشاورزی، را هم در بر گیرد و در گام دوم در بخش‌های نفت و صنعت و معدن نیز همچنان تداوم یابد. تحقق این آرزو در گرو چندین «اگر» مهم است که عدم تحقق آن‌ها نیمهٔ خالی لیوان را پررنگ‌تر خواهد کرد. در این بخش تلاش می‌شود که مهم‌ترین نکات موردنظر برای تحقق قطعی خروج از رکود به‌طور خلاصه و در اندازهٔ حوصلهٔ این نوشته فهرست شود.

(۱) اقتصاد ایران در شش ماه آتی به‌طور قطع از رکود خارج می‌شود؛ اگر قبل از هر چیز فضای سرمایه‌گذاری و کسب‌وکار بهبود یابد. تلاش‌های بی‌وقفهٔ دولت برای رسیدن به شرایط کنونی اقتصاد - که در هر صورت بسیار بهتر از شرایط سال گذشته است - جای تقدیر فراوان دارد. اما اگر فضای

به دلیل پیچیدگی بیش از حد، ابهام‌ها و همچنین عدم تعادل‌هایی که در اقتصاد ایران در سال جاری وجود دارد، ارائهٔ پاسخی قطعی و برخوردار از پشتوانهٔ علمی به پرسش مطرح‌شده امر ساده‌ای به نظر نمی‌آید. هر چند اینجا به لحاظ حسی نسبت به خروج اقتصاد ایران از رکود در شش ماه آینده بسیار خوش‌بین و امیدوار هستم، اما به دلایل فراوانی که کلیات آن در آغاز این مطلب آمد، اعتقاد دارم که خروج قطعی از رکود یا عدم خروج، با «اگر»های فراوانی روبه‌روست. دو نکته و حقیقت بسیار مهم - یکی منفی و دیگری مثبت - هر تحلیل‌گری را در خصوص پیش‌بینی آیندهٔ نزدیک اقتصاد کشور با تردید مواجه می‌کند. حقیقت تلخ آن است که شرایط اقتصادی امروز نتیجهٔ آشفتگی‌ها، بی‌برنامه عمل کردن‌ها و اشتباه‌های بزرگی است که در سال‌های گذشته در عرصهٔ اقتصاد ظهور یافته و به عدم تعادل‌های شدیدی منجر شده که رفع آن‌ها بعید است در ظرف زمانی شش ماهه و یک ساله بگنجد. اما واقعیت امیدوارکننده، جهت‌گیری جدی دولت در رفع این مشکلات و برنامه داشتن برای خروج از بحران اقتصادی است. اگرچه صرف برنامه‌ریزی کردن، خروج از رکود را تضمین نمی‌کند، اما به باور اینجانب با اتخاذ روش‌های عملیاتی کارآمد و البته منسجم برای اجرای این برنامه‌ها می‌توان رهایی از رکود را تا پایان سال نوید داد.

هر چند برآوردهای غیررسمی نشان می‌دهد که در سه ماههٔ اول سال جاری، بخش‌های نفت

سرمایه‌گذاری و کسب‌وکار به‌عنوان اولین شرط خروج از رکود، همچنان غبارآلود و مبهم باقی بماند، احتمال تداوم رشد - حتی در بخش‌های یادشده - به‌شدت کاهش می‌یابد. هنوز برای رشد مستمر بسیاری از صنایع به قوانین، مقررات و برنامه‌های شفاف اولیه‌ای نیاز داریم که فکری اساسی برای آن‌ها نشده است. مبحث تعرفه‌ها، بهرهٔ مالکانه، آزادسازی قیمت‌ها و حق مالکیت بخش خصوصی مواردی از این دست هستند.

(۲) اقتصاد ایران در شش ماه آتی به‌طور قطع از رکود خارج می‌شود؛ اگر برنامه‌های خصوصی‌سازی واقعی اعلام شود و قدمی اجرایی در این زمینه

برداشته شود. حقیقت آن است که سیاست‌های کلی اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی هنوز در مراحل اولیه اجرای خود باقی مانده است و از متولی خصوصی‌سازی نیز بانک بلندی شنیده نمی‌شود. یکی از سریع‌ترین اقدام‌ها در این بخش تعیین تکلیف سهام عدالت و عرضه آن به بخش غیردولتی واقعی است. اتفاقاً در این زمینه نه کمبود قوانین وجود دارد و نه ابزار. تنها اراده جدی و عملیاتی کردن تصمیم‌ها و برنامه‌ها ضرورت دارد. واقعیت این است که عزم جدی متولیان مستقیم امر مهم خصوصی‌سازی با تردید روبه‌روست. (۲) اقتصاد ایران در شش ماه آتی به‌طور قطع از رکود خارج می‌شود؛ اگر بانک مرکزی به جایگاه مورد انتظار خود ارتقا یابد. مراد از این نکته نه تجدید ساختارها و بهبودهای اساسی زمان‌بر - و البته لازم - بلکه چند اقدام ضروری سریع و برداشتن چند گام سریع و پر قدرت

است. این که بانک مرکزی اعلام کرده است چه کارهایی را نمی‌خواهد انجام دهد - از جمله تزریق بی‌رویه نقدینگی و چاپ پول بی‌پشتوانه که مقدمه انضباط مالی به حساب می‌آید - خود ستودنی و گامی به پیش است، اما این که برای رونق چه گام‌های روشنی در بازار پول برداشته خواهد شد، در پرده ابهام قرار دارد. قبل از هر چیز باید در نظام بانکی تکلیف سود سپرده و بهای تمام‌شده واقعی پول برای همیشه روشن شود. این امر برای سامان بخشیدن به اقتصاد بسیار ضروری‌تر از سیاست‌هایی است که به نوعی تجدید ساختار به حساب می‌آیند و بنابراین باید زمان مناسب خود را داشته باشند. اگرچه انتظار از بانک‌ها برای تمرکز بر صنعت بانکداری تجاری خواسته به‌حق است و بانک‌های تجاری باید از شرکت‌داری خارج شوند و به ماموریت اصلی خود بپردازند، اما به گمان اینجانب زمان کنونی برای خروج بانک‌ها از شرکت‌هایی که تاسیس کرده‌اند، بسیار نامناسب است و از آن‌جا که تحقق این خواسته به بازه زمانی سه تا پنج سال نیاز دارد، اصرار کوتاه‌مدت بر این امر، موجب سردرگمی و در نهایت رکود بیشتر خواهد شد. اکنون به جای فشار آوردن به بانک‌ها برای واگذاری شرکت‌ها و دارایی‌هایشان، باید ابتدا به تعیین تکلیف دو معیار پیش‌گفته پرداخت و سپس با تجدید ساختار بانک‌ها و شرکت‌ها، زمینه را برای بازاریابی سهام شرکت‌های تحت پوشش فراهم کرد، وگرنه تعجیل حساب‌نشده در این امر در بهترین حالت منجر به تملک سهام توسط سرمایه‌گذاران غیرحرفه‌ای خواهد شد که در سال‌های اخیر نمره قابل قبولی در نگاه‌داری نگرفته‌اند و بانک‌ها مالکان به مراتب حرفه‌ای‌تری هستند. معیار مهم بعدی در این زمینه سیاست‌های کوتاه‌مدت بانک مرکزی است. نخست این که بانک مرکزی باید بسته عملیاتی و شفاف برای حمایت پولی از بخش پیشران اقتصاد تهیه و ارائه کند. این بسته هم تسهیل دسترسی - و نه ارزان‌سازی نرخ - بنگاه‌های اولویت‌دار به منابع پولی بانک‌ها را محقق می‌کند و هم با استمهال هدفمند، بررسی‌شده و هوشمند معوقات بانکی مربوط به بنگاه‌های شناخته‌شده، اولویت‌دار و موثر کشور، ساختار مالی بانک‌ها اصلاح می‌شود و هم بنگاه‌ها برای افزایش تولید و فروش و بهبود شرایط خود نفسی تازه می‌کنند.

(۴) اقتصاد ایران در شش ماه آتی به‌طور قطع از رکود خارج می‌شود؛ اگر بازارهای مالی

و به‌طور اخص بورس‌ها تقویت شوند. علاوه بر اقدام‌های سه‌گانه پیش‌گفته که تأثیر مستقیم بر رونق بورس دارند، فراهم آوردن زمینه به‌کارگیری ابزارهای مالی جدید در بورس ضروری است. در این رابطه، اگرچه ابزارهای زیادی معرفی شده و مسئولان محترم بورس نیز علاقه‌مند به گسترش این ابزارها هستند، اما به‌عنوان نمونه، مگر می‌توان با تحفظی که وزارت‌خانه‌هایی مانند نفت و نیرو در عرضه فرصت‌های سودآور به کار می‌برند و بدون معرفی پروژه‌های سودآور و جذاب برای بخش خصوصی، به موفقیت ابزاری مانند صندوق پروژه دل بست؟ از طرف دیگر، رونق بورس در گرو شفافیت بیشتر است. وقتی هنوز تکلیف قیمت نهاده‌های تولید از جمله برق و گاز و انواع سوخت روشن نیست و قیمت محصولات شرکت‌های بورسی هم با تهدیدهای روزافزون روبه‌روست و گاه برخی از اعضای محترم دولت گفته‌های همدیگر را تکذیب یا اصلاح می‌کنند، چگونه می‌توان نسبت به شفافیت بیشتر خوش‌بین بود. (۵) و در نهایت اقتصاد ایران در شش ماه آتی به‌طور قطع از رکود خارج می‌شود؛ اگر برای بسته خروج غیرتورمی از رکود - که در شمایل کنونی‌اش بیشتر ماهیت سیاست‌های کلی دارد و به‌تنهایی قابل اجرا نیست - ابتدا یک برنامه صریح اجرایی (Action Plan) تهیه شود و سپس مجری مشخصی با اختیارات موسع برای آن معرفی شود. بدون آن که گام به گام اقدامات عملی دولت تعریف شود و معلوم نشود که اجرای برنامه را کدام نهاد قدرتمند از بدنه دولت راهبری می‌کند، امید بستن به خروج از رکود در کوتاه‌مدت دشوار است. محل تردید جدی است که اجرای برنامه خروج غیرتورمی از رکود با توزیع برنامه بین دستگاه‌ها و تشکیل جلساتی حتی در بالاترین سطوح که ظاهراً ماهیت هماهنگی دارد، با موفقیت اساسی همراه شود.

کلام آخر این که ارزیابی اینجانب آن است که با عزمی جدی که دولت محترم برای سامان بخشیدن به اقتصاد دارد و در این خصوص متعهدانه نیز عمل می‌کند، چنانچه نکات یادشده در بالا مورد توجه قرار بگیرند، خروج از رکود در ماه‌های باقی‌مانده از سال قطعی است و البته با دستیابی دولت به نتایج مطلوب در مذاکرات مهم هسته‌ای، سرعت رونق دوچندان می‌شود. نباید از نظر دور داشت که تحقق چنین شرایطی تنها در دست دولت نیست و بدون همکاری و همراهی مجلس شورای اسلامی و قوه محترم قضاییه، امکان موفقیت به‌شدت کاهش می‌یابد.

✳️مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی
رئیس هیئت مدیره ایران خودرو
مدرس دانشگاه

واژه‌های کلیدی: ارزیابی عملکرد - کارت امتیازی متوازن مدل‌های ارزیابی

پیچیدگی محیط عرصه رقابتی کسب‌وکار و افزایش انتظارات مشتریان، ضرورت آگاهی از نقاط قوت و ضعف سازمان و بهبود مستمر بهره‌وری را پیش از پیش آشکار کرده است. این رو یکی از دغدغه‌های اساسی سازمان‌های امروز، دستیابی به یک شیوه ارزیابی عملکرد جامع، قابل اعتماد و انعطاف‌پذیر است تا با توسل بر آن اطلاعات دقیق و کافی از جایگاه امروز خویش به دست آورند و اهداف و استراتژی و چشم‌انداز سازمان را محقق کنند. برای این منظور نیاز به یک سیستم اندازه‌گیری عملکرد که بر مبنای استراتژی، عملکرد همه اجزای سازمان را لحظه به لحظه تحت کنترل و نظارت درآورد و آن را با برنامه‌ها و اهداف سازمان مقایسه کند، احساس می‌شود.

از میان انواع روش‌ها و سیستم‌هایی که جهت ارزیابی عملکرد ایجاد شده‌اند، روش کارت امتیازی متوازن (Balanced Scorecard - BSC) با تاکید و تمرکز بر چهار جنبه حیاتی مالی، مشتری، فرایندها و رشد و یادگیری سازمانی، که تمام فرایندها و انتظارات سازمان‌ها را شامل می‌شود، یکی از مناسب‌ترین و جامع‌ترین روش‌هاست.

ارزیابی عملکرد، مفهوم، ضرورت، هدف و مزایای آن

ارزیابی عملکرد فرایندی است در جهت تحقق اهداف و وظایف سازمانی و در قالب برنامه‌های اجرایی، که به وسیله آن تمام سازمان و اجزای آن در فواصل معین مورد سنجش قرار می‌گیرد و مدیران و کارکنان را از بازخورد نتایج مثبت یا منفی عملکرد آگاه می‌کند. برخی از مهم‌ترین اهداف ارزیابی عملکرد عبارت‌اند از:

- کنترل مداوم جریان امور در سازمان
- شناسایی نقاط ضعف و قوت سازمان جهت تلاش در جهت شکوفایی و افزایش قابلیت‌ها
- بهبود تخصیص منابع و استفاده بهینه از امکانات و منابع انسانی در جهت اجرای برنامه‌های مصوب
- اطمینان از صحت استراتژی و تداوم حرکت سازمان در مسیر آن
- کسب بازخورد مناسب در خصوص میزان تحقق اهداف سازمان
- نظام‌مند شدن تشویق‌ها و تنبیه‌ها.

مدل‌های ارزیابی عملکرد

مدل‌های ارزیابی عملکرد که در کشورهای موفق مورد استفاده قرار گرفته و نتایج مثبتی داشته‌اند، عبارت‌اند از:

- ۱) مدل‌های برتری سازمانی و خودارزیابی (جوایز ملی کیفیت)
- ۱-۱) جایزه دمینگ (Deming)
- ۱-۲) الگوی ممیزی کیفیت (ISO)
- ۱-۳) الگوی جایزه ملی کیفیت بالدريج (BALDRIGE)
- ۱-۴) الگوی تعالی سازمانی (EFQM)

کارت امتیازی متوازن، ابزاری مناسب جهت ارزیابی عملکرد سازمان‌های صنعتی

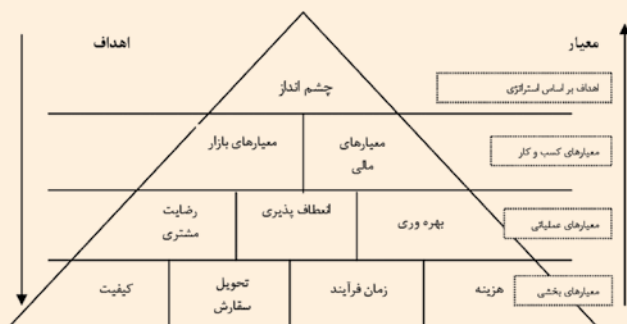
سیداصغر ابن الرسول، فرزاد طرهانی، اسماعیل لطفی

ارزیابی عملکرد از گذشته‌های دور همیشه جزو اصلی‌ترین دغدغه‌های مدیریتی در سازمان‌ها بوده، به‌طوری‌که در عرصه‌های مختلف تست شده و مورد استفاده قرار گرفته است. امروزه نیز مدیران سازمان‌ها از روش‌هایی مانند جایزه دمینگ، مالکوم بالدريج، سرامدی سازمانی، اسمارت، منشور عملکرد و کارت امتیازی متوازن جهت ارزیابی عملکرد سازمان، کارکنان و فرایندهای جاری و حفظ و افزایش مشتری و باقی ماندن در بازار رقابت جهانی، استفاده می‌کنند. این مقاله برآن است تا ضمن بررسی و مقایسه انواع متداول سیستم‌های ارزیابی عملکرد موجود، سیستم کارت امتیازی متوازن را به‌عنوان مناسب‌ترین ابزار جهت ارزیابی عملکرد فرایندهای سازمان‌های صنعتی معرفی کند.

۲) مدل‌های یک پارچه

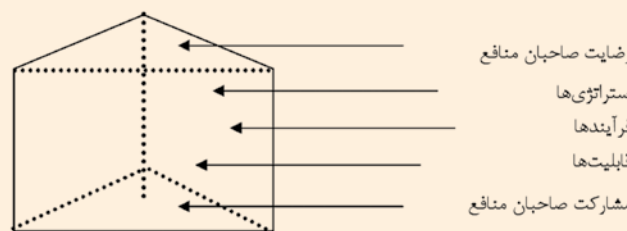
۲-۱) سیستم اسمارت (Smart)

این تکنیک ابزاری جهت تحلیل و گزارش‌دهی سنجش استراتژیک به وسیله شرکت وانگ، با توجه به عدم رضایت از شاخص‌های سنتی عملکرد ارائه شد. این سیستم به صورت یک هرم متشکل از چهار لایه از اهداف و معیارهاست که در رأس هرم، استراتژی هلدینگ، در سطح دوم اهداف برای هر شرکت از هلدینگ و بر اساس معیارهای مالی و بازار، در سطح سوم اهداف برای هر یک از سیستم‌های اجرایی بر حسب رضایت مشتری، در سطح چهارم رضایت مشتری، انعطاف‌پذیری و بهره‌وری به وسیله معیارهای عملیاتی از جمله کیفیت، تحویل کالا یا خدمات، زمان فرایند و هزینه تعریف می‌شوند.



۲-۲) الگوی منشور عملکرد

پروفیسور نیلی برای پوشش و ارزیابی ابعاد مختلف عملکرد سازمانی مدل چندبعدی منشور عملکرد را ارائه کردند. این منشور پنج بعد دارد. بعد فوقانی و تحتانی به ترتیب بیان‌گر رضایت و مشارکت صاحبان منافع و سه بعد کناری بیان‌گر استراتژی‌ها، فرایندها و قابلیت‌ها هستند. مهم‌ترین فلسفه سنجش عملکرد در آن، استخراج شاخص‌ها از استراتژی است.



بر اساس این چهارچوب بین رضایت و مشارکت صاحبان منافع و سایر جنبه‌ها، ارتباط دو طرفه وجود دارد. و مهم‌ترین مزیت آن تلاش برای تلفیق اهداف شرکت با شاخص‌های عملیاتی است.

۲-۳) الگوی کارت امتیازی متوازن (BSC)

سیستم‌های سنتی ارزیابی عملکرد عمدتاً متکی بر سنجش‌های مالی بودند. این سیستم‌ها دارای نارسایی‌هایی به شرح زیر هستند:

- ۱ - معیارهای سنجش مالی عمدتاً کوتاه‌مدت و غیراستراتژیک هستند.
 - ۲ - مبتنی بر اطلاعات گذشته است.
 - ۳ - متغیرهای مهمی مانند کیفیت، نوآوری و رضایت مشتریان در آن لحاظ نمی‌شود.
- بنابراین سیستمی نیاز است که هم دارایی‌های مشهود و هم نامشهود را مدنظر قرار دهد. بر این مبنا روش کارت امتیازی متوازن ارائه شد که به‌عنوان ابزاری جهت ترجمه استراتژی‌ها به سطوح عملیاتی سازمان طراحی شده است. این ابزار که حدود یک دهه از عمر آن می‌گذرد، نخستین بار توسط دکتر کاپلان و دکتر نورتون توسعه داده شده است. چشم‌انداز شرکت هسته اصلی فعالیت‌های BSC است. کارت ارزیابی متوازن یک مفهوم نوین مدیریتی است که به همه مدیران در همه سطوح کمک می‌کند تا بتوانند فعالیت‌های کلیدی خود را پایش و کنترل کنند. در این روش باید مدیران، اطلاعاتی در خصوص چهار منظر را در یک کارت جمع‌آوری کنند و به تحلیل آن‌ها بپردازند. این چهار منظر عبارتند از:
- منظر مشتری، منظر فرایندهای داخلی کسب‌وکار، منظر رشد و نوآوری و یادگیری سازمانی، منظر مالی



۲) مدل‌های یک پارچه

۲-۱) سیستم اسمارت (Smart)

۲-۲) الگوی منشور عملکرد

۲-۳) الگوی کارت امتیاز متوازن (BSC)

تشریح الگوها:

۱) مدل‌های برتری سازمانی و خودارزیابی (جوایز ملی کیفیت)

۱-۱) جایزه دمینگ (Deming)

این جایزه از قدیمی‌ترین جوایز کیفیت و بهره‌وری است که در سال ۱۹۵۰ توسط پروفیسور دمینگ ژاپنی جهت بهبود وضعیت صادرات کشور ژاپن ارائه شد. مفاهیم کلیدی و ارزشی در جایزه دمینگ عبارت‌اند از مشتری‌گرایی، نگرش سیستمی، بهبود مستمر، مسئولیت‌پذیری عمومی، ایمنی و قابلیت اطمینان، کنترل فرایندهای آماری و فرایندگرایی

۱-۲) الگوی ممیزی کیفیت (ISO)

در سال‌های اخیر مجموعه استانداردهای ISO ۹۰۰۰ به صورت محور اصلی تضمین کیفیت درآمده و این موضوع در بیش از ۷۰ کشور جهان مورد توجه و استفاده قرار گرفته است.

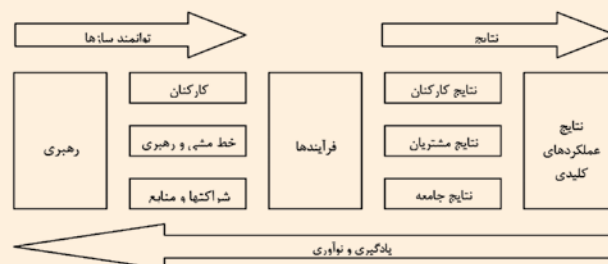
۱-۳) الگوی جایزه ملی کیفیت (BALDRIGE)

جایزه ملی کیفیت مالکوم بالدریج یک جایزه سالانه برای شرکت‌های آمریکایی به منظور دستیابی به اهداف کیفی و تجاری مناسب است. اهداف این جایزه، ارتقای آگاهی از کیفیت به‌عنوان یک عنصر مهم در رقابت، فهم نیازمندی‌های اجرای عالی و سهیم شدن در اطلاعات است.

۱-۴) الگوی مدل تعالی سازمانی (EFQM)

در سال ۱۹۸۸ جایزه اروپایی کیفیت که به وسیله بنیاد اروپایی مدیریت کیفیت ایجاد و به مدل EFQM معروف شده و عمومیت و استقبال بیشتری در سطح جهان کسب کرده است، دیدگاه سیستماتیک قوی، توجه دقیق به مدیریت مبتنی بر فرایندهای سازمانی و نتیجه‌گرایی را به جهان معرفی کرد.

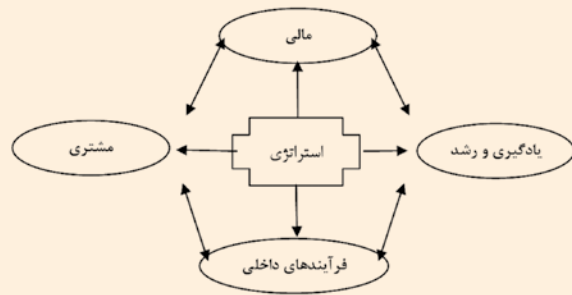
مدل EFQM ابزاری برای کمک به سازمان‌ها در شناسایی مسیر تعالی سازمانی، سنجش موقعیت فعلی سازمان در این مسیر، عوامل و پارامترهای موثر بر تعالی سازمانی و درنهایت ارائه راهکارهای مناسب برای بهبود عملکرد سازمان است.



BSC یک الگو یا به عبارتی یک چهارچوب مفهومی جهت تدوین مجموعه‌ای از شاخص‌های عملکرد در راستای اهداف استراتژیک است. این الگو در اولین گام آن چشم‌انداز سازمان را مشخص می‌کند. سپس در راستای آن اهداف استراتژیک تدوین می‌یابند. با عنایت به چشم‌انداز و اهداف استراتژیک سازمان، عوامل حیاتی موفقیت و رابطه علت و معلولی بین این عوامل مشخص می‌شود. سپس معیارهای استراتژیک تبیین و در نهایت برنامه اقدام تدوین می‌شود.

کاپلان و نورتون مزایای کلیدی BSC برای سازمان را چنین برمی‌شمارند:

- ایجاد امکان کنترل جامع سازمان از طریق معیارهای کلیدی
 - یکپارچگی میان طرح‌های سازمان
 - تقسیم استراتژی به عوامل قابل اندازه‌گیری در سطح کسب‌وکار
- تصویر زیر بخش‌های اصلی و جنبه‌های مفهومی مدل BSC را تشریح می‌کند.



دلایل استفاده از BSC

دلایل ذیل استفاده از مدل BSC را برای ارزیابی سازمان‌های صنعتی توصیه می‌کند. از طرفی با توجه به نوع، کیفیت، حجم کار و وضعیت ساختار سازمانی و نیروی انسانی موجود سازمان صنایع دفاع، که یک سازمان صنعتی مأموریتی است و از زیرمجموعه‌های صف و ستادی با تعداد قابل توجهی نیروی انسانی، با کارایی و دانش متنوع تشکیل شده و از وسعت جغرافیایی و مرز سازمانی بزرگی برخوردار است و در عرصه تامین و تولید هم محصولات نظامی، جهت نیروهای مسلح کشور و هم محصولات بازرگانی جهت درآمدزایی و پوشش نیازهای خود و خودکفایی فعالیت می‌کند. مدل BSC مناسب‌ترین و جامع‌ترین روش برای ارزیابی عملکرد فرایندهای این سازمان معرفی می‌شود.

دلیل اول: سازمان‌های صنعتی، از قبیل صنایع دفاع، در راستای اجرای مأموریت و رفع نیازهای خود، نیازمند توسعه خوب و صحیح استراتژی کسب‌وکار (کار درست انجام دادن) و انجام عملیات موثر در فرایندهای خود (درست کار کردن) است و بنابراین به هر دو منظر استراتژی محور و عملیات محور بودن، به‌طور کامل نیازمند است. چهارچوبی که بتواند به دستیابی خواسته‌های برابر بین استراتژی و عملیات کاری کمک کند و یک سیستم مدیریت عملکرد باشد که بتواند چشم‌انداز و مأموریت سازمان را با نیازهای مشتری (نیرو و بازار) و کار روزانه تطبیق دهد، استراتژی کسب‌وکار را مدیریت و ارزیابی کند، موثر بودن عملیات را نظارت کند، ظرفیت‌های سازمانی را ایجاد کند و برنامه‌ها را به همه کارکنان مرتبط کند، همان BSC است، که توانایی مشاهده عملکرد سازمان را از زوایا، زمینه‌ها و جنبه‌های کامل دارد.

دلیل دوم: BSC یک مفهوم دویبعدی در سیستم‌های مدیریت القا می‌کند که هم می‌تواند سیستمی برای مدیریت بر استراتژی سازمان باشد، به‌طوری‌که موارد ذیل را منتج شود:

- ۱- استراتژی را شفاف و فهم و دیدگاه‌های مدیران و افراد مختلف سازمان را به یکدیگر نزدیک کند، به‌طوری‌که افراد سازمان همگی تعریف و درک یکسانی از استراتژی و اهداف سازمان کسب کنند.

- ۲- انتقال چشم‌انداز و استراتژی سازمان به سطوح مختلف مدیریت را تسهیل کند (از طریق تعیین معیارها و اهدافی که برای فرایندهای کلیدی و در راستای استراتژی تعیین می‌شود).

- ۳- برنامه‌های عملیاتی و استراتژیک را هم‌راستا و هدفمند کند (از طریق تعریف اهداف کمی برای معیارهای چهارگانه و برنامه‌ریزی مدیریتی در راستای این اهداف).

- ۴- جهت بهبود در استراتژی و اجرای آن بازخوردهای مناسب ارائه کند (از طریق کنترل مداوم کارایی و اثربخشی استراتژی).

و هم می‌تواند به‌عنوان یک سیستم اندازه‌گیری به کار رود. به‌طوری‌که موارد ذیل را منتج شود (زیرا اجرای این مدل همه محورها و ابعاد کلیدی سازمان را مورد اندازه‌گیری قرار می‌دهد و بین آن‌ها روابط علت و معلولی برقرار می‌کند و آن‌ها را تجزیه و تحلیل می‌کند):

- ۱- در ارزیابی سازمان به فرایندها و نتایج مالی به‌عنوان کلید رشد و بقای سازمانی در قالب وجه مالی توجه می‌کند.

- ۲- با تدوین شاخص‌های مناسب در وجه مشتریان، به پارامترهایی از قبیل رضایت،

وفاداری، حفظ و نگهداری و سودآوری مشتریان توجه می‌کند و ارزش‌های اقتصادی و غیراقتصادی ارائه‌شده به مشتریان را اندازه‌گیری می‌کند.

- ۳- با تدوین شاخص‌های مناسب برای فرایندهای کلیدی سازمان، در سه بعد هزینه، کیفیت و زمان به اندازه‌گیری آن‌ها می‌پردازد.

- ۴- به مفاهیم قابلیت کارکنان، زیرساخت‌های اطلاعاتی، انگیزش، اختیارات، هم‌جهتی اهداف کارکنان و اهداف سازمان، رضایت و نگهداری کارکنان در وجه رشد و یادگیری توجه کرده و آن‌ها را ارزیابی می‌کند.

دلیل سوم: BSC با تمام مدل‌های ارزیابی عملکرد ارتباط برقرار کرده و به نوعی همه آن روش‌ها را در خود حل می‌کند و می‌تواند دغدغه‌های مدیریتی سازمان‌های صنعتی را در انتخاب و استفاده از مناسب‌ترین روش، کم کند و بین اهداف و فرایندهای سازمان در راستای اهداف و برنامه‌های استراتژیک هم‌گرایی ایجاد کند. از شاخص‌های آینده‌نگر و گذشته‌نگر به‌طور موازی استفاده کند. به رشد و یادگیری سازمان به‌عنوان کلیدی‌ترین عنصر موثر بر عملکرد سازمان توجه کند و نسبت به کاهش یا افزایش منظرها با توجه به شرایط هر سازمان انعطاف‌پذیر باشد.

برای مثال BSC می‌تواند مهم‌ترین نیازمندی ایزو را که همانا شناسایی و ارزیابی فرایندهاست، برآورده کند. و برای آن روش ارائه دهد. هم‌چنین BSC می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای مدیریت بر فرایندها یا کنترل استراتژی‌ها، که از معیارهای بالدریچ و EFQM است، به کار گرفته شود و نیازمندی‌های آن دو مدل را پوشش دهد.

دلیل چهارم: استفاده از مدل BSC ساده و برای تکنیک افراد سازمان قابل درک و نگهداری و ابقای آن برای سازمان‌های صنعتی، اقتصادی است. از طرفی بر مشتریان و مشتری‌مداری متمرکز است و به صاحبان فرایندها برای بهبود عملکردشان قدرت و اختیار می‌دهد. و تسهیل‌کننده ارتباطات است. هم‌چنین تسریع‌کننده تغییرات فرهنگی در یک سازمان است.

دلیل پنجم: آخرین و مستندترین دلیل موجود، تحقیقی است که در آن با مقایسه سیستم‌های اندازه‌گیری عملکرد و انتخاب بهترین آن‌ها با استفاده از روش TOPSIS فازی، BSC را با استدلال ریاضی، بهترین روش ارزیابی عملکرد موجود معرفی می‌کند.

با بررسی روش‌های ارزیابی عملکرد موجود و با توجه به دلایل ذیل:

BSC یک روش استراتژی محور و عملیات محور است، یعنی هم کارهای درست و هم درست کار کردن را به سازمان می‌آموزد.

BSC هم سیستمی برای مدیریت بر استراتژی و هم سیستمی جهت اندازه‌گیری عملکرد سازمان است.

BSC از مفاهیم و تجربیات دیگر روش‌های ارزیابی‌های مالی و خودارزیابی و ترازایی سود می‌جوید.

استفاده از BSC برای تکنیک افراد سازمان، قابل درک است، آن‌ها را صاحب فرایند کرده و در بهبود عملکرد، آن‌ها را یاری می‌کند.

روش استدلالی ریاضی TOPSIS، برتری مدل BSC را تایید می‌کند.

BSC همه حوزه‌های ارزیابی عملکرد، یعنی «ارزیابی کل سازمان، واحدهای عملیاتی - کارکنان، تیم‌های کاری، پروژه، فرایند، برنامه و محصول و خدمات یک سازمان» را ارزیابی می‌کند (با تشریح و کنکاش در فرم‌های شناسنامه و کارت‌های امتیازی متوازن).

می‌توان BSC را مناسب‌ترین ابزار، جهت ارزیابی عملکرد فرایندهای سازمان‌های صنعتی، دانست.

مراجع و پانویس‌ها

- کاپلان و نورتون، رابرت اس و دیویدی، سازمان استراتژی محور، ترجمه بختیاری پرویز، سازمان مدیریت صنعتی، ۱۳۸۲
- کاپلان و نورتون، رابرت اس و دیویدی، نقشه استراتژی، ترجمه اکبری حسین و سلطانی مسعود و ملکی امیر، گروه فرهنگی هنری آریانا، ۱۳۸۴
- ابن رسول، سیداصغر، مقایسه سیستم‌های اندازه‌گیری عملکرد و انتخاب بهترین آن‌ها با استفاده از روش TOPSIS فازی، مجله بین‌المللی علوم مهندسی دانشگاه علم و صنعت، جلد ۱۵ شماره ۵، ۱۳۸۳
- روغنیان عماد، بررسی روش‌های مختلف ارزیابی عملکرد و معرفی کارت امتیازی متوازن به‌عنوان روشی جامع و کل‌نگر، دانشکده صنایع دانشگاه علم و صنعت ایران
- غلامی حسین، مقایسه روش‌های ارزیابی عملکرد، شرکت ایران خودرو دیزل
- Dr. William A. Schiemann - Balanced Scorecards and Strategy Implementation - Balanced Scorecards Institute ۲۰۰۳
- Rohm & Halbach - Howard & Larry- Developing And Using Balanced Scorecard ۲۰۰۵ Performance Systems - Balanced Scorecards Institute
- Rohm - Howard - Managing Private Sector Organizations With A Balanced Scorecard - ۲۰۰۱ - U.S.Foundation For Performance Measurement
- Performance Measurement System Design : Developing And Testing A Process-Base ۲۰۰۰ - Approach - Granfield School Of Management
- Issue ۲,3 Rohm - Howard - Performance Measurement In Action - Perform Magazine - Volume ۲۰۰۵ - ۲

آشنایی با موسسه خیریه مهیار
همیاری با مبتلایان به سرطان

سلامت همه آفاق در سلامت توست...

شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی و سایر شرکت‌های تابعه آن، قصد دارند به همیاران پیوسته و با راه‌اندازی صندوق سرمایه‌گذاری نیکوکاری در این امر خداپسندانه مشارکت و همیاری کنند.



مهیاری
موسسه خیریه
مبتلایان به سرطان

زندگی امید به آینده است و مهیار زندگی

موسسه خیریه مهیار توسط چند فرد نیکوکار و درد آشنا با سرطان و به منظور حمایت از بیماران مبتلا به سرطان بالای ۱۴ سال به طور رسمی در سال ۱۳۸۷ تاسیس و به ثبت رسید. با سیاست از الطاف خداوند متعال، از آن زمان تاکنون بیماران مختلفی با همراهی مهیار لذت بهبودی از سرطان و حضور دوباره در میان خانواده را تجربه کرده‌اند.

مهیار در چشم انداز خود به عنوان نهاد متمایزی از موفقیت یک NGO به روزی می‌اندیشد که عدم آگاهی و فقر معضلات سرطان در کشور نباشند. برای تحقق این آرمان ملی، همیاری شما را پذیرا هستیم.

شماره حساب جهت پرداخت‌های نقدی:
بانک پارسیان - شعبه بلوار آفریقا ۸-۶۵۱-۸۱۰
بانک صادرات (سیهر) ۲۰۷۳۲۹۳۰۰۰۷
بانک ملی (سیبا) ۲۰۱۰۳۳۴۸۸۰۰۶

جهت آگاهی از شیوه‌های کمک به موسسه خیریه همیاری مبتلایان به سرطان مهیار و پیوستن به همیاران (نیروهای داوطلب مهیار) به پایگاه‌های اینترنتی موسسه مراجعه و یا با شماره ۲۲۰۳۲۹۹۶ تماس بگیرید.
www.mahyar-charity.org و www.mahyar-charity.ir

سالانه در ایران بیش از ۷۰ هزار نفر به بیماری سرطان دچار می‌شوند و بیش از ۳۰ هزار نفر به دلیل این بیماری جان خود را از دست می‌دهند. تحقیقات و گزارش‌های کنگره‌های مختلف علمی در این حوزه و هم‌چنین تحقیقات انستیتو کانسر وابسته به دانشگاه تهران و آمار جهانی، نشان می‌دهد سومین علت مرگ‌ومیر، بیماری سرطان است که متأسفانه به‌زودی در ردیف اول علت مرگ‌ومیر قرار گرفته و تا پنج سال آینده این معضل تا سه برابر افزایش خواهد یافت. استفاده نادرست از تکنولوژی و تغییر سبک زندگی، دور شدن از محیط‌های پاک و بدون آلاینده‌ها و با کاهش امید به زندگی، انتظار می‌رود بروز بیماری مذکور طی ۲۰ سال آینده تا ۹۰ درصد افزایش یابد.

این افزایش رشد بیماری، جز عامل ژنتیکی و وراثتی، ناشی از عوامل اجتماعی، اقتصادی، محیطی، بهداشتی و تغذیه است. از میان عوامل رایج که شاخص ابتلا به سرطان را افزایش می‌دهد، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: آلودگی محیط زیست و هوا در شهرهای بزرگ، استرس‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی دور شدن جامعه از الگوهای تغذیه سالم و سنتی و گرایش به غذاهای آماده و نیمه‌آماده استفاده از مواد شیمیایی در تولید مواد غذایی برای فراوری و نگهداری بلندمدت استفاده از بسته‌بندی‌های نامناسب و سرطان‌زا استفاده گسترده از مواد شیمیایی در تولید مواد آرایشی، به‌خصوص رنگ مو برای خانم‌ها استفاده بی‌رویه و ناآگاهانه از داروها بدون توجه به تأثیرات جانبی آن

این واقعیت را نباید نادیده گرفت که: پیش‌گیری، موثرترین روش مقابله با سرطان است. موسسات و نهادهای مدنی و غیردولتی مختلفی در ایران در این راستا تلاش می‌کنند. موسسه خیریه همیاری مبتلایان به سرطان مهیار یکی از این تشکلهای مردمی است که در سال ۱۳۸۷ به‌عنوان سازمانی غیرانتفاعی، غیرسیاسی و غیردولتی تاسیس شد که ضمن توجه و احترام به شئون ارزشی و اعتقادی جامعه اسلامی، به اهداف خود نیز می‌اندیشد و با شماره ۲۳۱۲۶ در مراجع قانونی با هدف

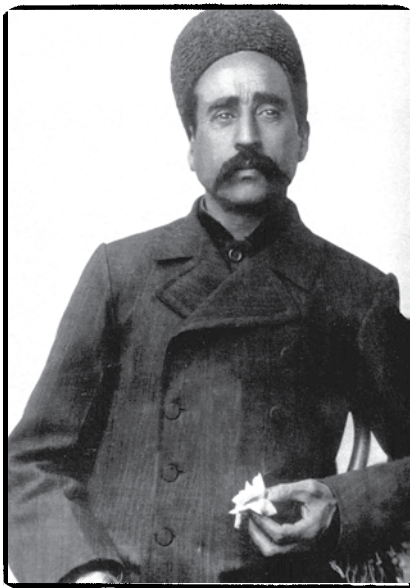
این رو شرکت سرمایه‌گذاری خوارزمی و سایر شرکت‌های تابعه آن، قصد دارند به همیاران بپیوندند و با راه‌اندازی صندوق سرمایه‌گذاری نیکوکاری در این امر خداپسندانه مشارکت و همیاری کنند. برآنیم با ارائه محتوای این حوزه در هر شماره از مجله در مسیر ارتقای فرهنگ سلامت موثر باشیم. به امید گل‌افشانی لبخندتان.

پیش‌گیری، درمان، نگهداری و حمایت از مبتلایان به سرطان به ثبت رسیده است. این موسسه قصد دارد مرکزی تحقیقاتی، آموزشی، درمانی و حمایتی را احداث و راه‌اندازی کند و با آموزش و کمک به شناخت به‌موقع بیماری سرطان، حتی‌الامکان فرصت پیش‌گیری و آمادگی‌های لازم را برای غلبه بر این بیماری در اختیار عموم قرار دهد. از

تصاویری که می ماند یا نقبی به آبان ماه های ایران

شرمین نادری

ماه آبان مناسبت های تاریخی زیادی دارد؛ تو از سالگرد قتل لطفعلی خان زند بگیر که در نهایت رشادت دنیا را واگذار کرد، تا پخش اولین برنامه تلویزیونی ایران و پایان جنگ جهانی اول و البته تاسوعا و عاشورای حسینی. میان این اسامی و اشخاص و مناسبت ها، بعضی اسم ها و قصه ها ماندنی ترند و همین هم هست که از آبان ماه دیگر و قصه ای دیگری می سازد.



اوایل قرن چهاردهم هجری در تمام خارجه سفید گردانید و می توان او را بارزترین نمونه شجاعت و دلاوری و مردی و مردانگی و وطن پرستی نژاد ایرانی محسوب داشت...

از وفیات معاصرین به قلم محمد قزوینی، مجله یادگار سال ۵

ستارخان که در آن ۱۱ ماه مقاومت تبریزی در مقابل قشون دولتی محمدعلی شاه، سرکرده و سردار بود، روزی نه چندان دورش، یعنی در بهار همان سالی از اسب به زیر کشیده شد که محمدعلی شاه به قشون روسی اجازه ورود به مرزها را داد. بعد هم نمی دانم به خاطر دل سوزی اش برای مردم تبریز بود که از قحطی آذوقه می مردند یا به به خاطر نامه مصلحت اندیش مردم شهر ولیعهدی اش که رأی به تمام شدن مخاصمه داد و قشون دولتی را از جنگ برحذر کرد. این وسط اما روس ها و سربازها و آذوقه شان وارد تبریز شدند و قشون دولتی را پراکنده کردند و شهر را زیر سلطه گرفتند تا ستارخان و باقرخان پناه به کنسولگری عثمانی ببرند و باوجود این که حاضر نشدند زیر بیرق بیگانه بروند، کم کم از بازی مشروطه کنار گذاشته شوند؛ مثل چراغ های روشنی که به مصلحت تاریک اندیشی خاموش می شوند.

بود دل شکسته و بعد آن ها هم بقیه صحابه از پیر و جوان که در کنار امام سجاده (ع) و علی اکبر و علی اصغر کوچک می آمدند و اشک مردم را درمی آوردند با نشان دادن گهواره خونین و فرق شکافته و بازوان قلم شده حضرت ابوالفضل و اسب خونین او.

باز هم پدر بزرگ ها تعریف می کنند که شبیه خوان حضرت همیشه غرق تیر و نیزه بود و خدا می داند چطور شمشیر هم در سینه داشت. بعضی مادر بزرگ ها هم می گویند کار که به این جا می رسید، دیگر آه از نهاد مردم درمی آمد، چون این نقش را همیشه به جوان برومند و صاحب نام و پهلوانی می دادند که رنجش دل همه را به درد می آورد. پشت سر او هم لابد نعش های روی تخته گذاشته جوان ها بود و کبوترهای پر بسته و قافله اسیران که می خواندند و سنج می زدند و اشک می ریختند و رد می شدند. اما تصویرشان انگار می ماند و می ماند و می ماند مثل همه تصویرهای پرنجی که در خاطره ها مانده است.

«امروز هم جمعیت زیادی توی صحن و طاق نماها است بالای پشت بام [تکیه دولت] تمام پر و مملو است... مجدالدوله از امروز شروع کرده به تدارک بازار شام. بیدق ها، پارچه های زری و ملزومات بازار را به چادر و طاق نماها آویزان می کنند. خیلی قشنگ شده... تعزیه علی اکبر بود، میرزا محمد علی اکبر شده بود. خیلی خوب خواند. مادر علی اکبر هم خوب خواندند. بسیار تعزیه خوبی بود... بعضی انگلیسی ها هم مثل چرچیل و غیره امشب در تکیه بودند».

از خاطرات ناصرالدین شاه قاجار ششم محرم ۱۳۰۶ هجری قمری؛ یعنی ۱۲۴ سال پیش

وقتی ستارخان دق کرد

«پسر حاجی سن قراچه داغی. یکی از دو مدافع مشهور تبریز در مقابل قشون عظیم محمدعلی شاه قاجار است. در مدت یازده ماه تمام از روز بیست و سوم جمادی الاولی ۱۳۲۶ الی ۸ ربیع الثانی ۱۳۲۷ چون وی رئیس مجاهدان تبریز و ارامنه و قفقازی ها بود و مقاومت شدید اهالی تبریز در مقابل سی و پنج الی چهل هزار قشون دولتی متحصرا در تحت راهنمایی و سرکردگی وی صورت می گرفت، شهرت او از داخل به خارج ایران سرایت کرد و در غالب جراید اروپا و آمریکا هر روز نام «ستارخان» در صفحه اول روزنامه ها چاپ می شد. اعمال حیرت آور ستارخان روی ایران را در

وقتی مردم ایران اولین مراسم تعزیه برگزار کردند



تاریخ هم می گوید کهن ترین تعزیه نامه یا همان نمایشنامه منظوم و شعرگونه ای که در ایران کشف شده، مربوط به دوره کریم خان زند است. هرچند همین تاریخ قبلا گفته که در دوره آل بویه یعنی قرن چهارم بود که آیین سوگواری امام حسین (ع) باب شد و اتفاقا صفویان هم از ابداع کنندگان تعزیه خوانی هستند. به هر حال مستندات را نمی شود انکار کرد. اگر کسی هم از شما پرسید، همین را بگویید. اما آن جور که مکتشفین می گویند، این مراسم، یعنی شبیه خوانی که فقط مال مردم ایران بوده، از خیلی سال های پیش در میان مردم ایران مرسوم بود و اتفاقا بعد از زندیه بود که پروبال گرفت. قاجاریه هم اگر کاری نکرد، به هنر علاقه نشان داد و کم کم نقالی و پرده خوانی را هم وارد مراسم کرد و خلاصه تکیه دولتی هم ساخته شد و داستان به اوج خودش رسید.

آن جور که پدر بزرگ ها هم تعریف می کنند، از سال ها پیش، حتی وقتی مراسم تعزیه در تهران ممنوع بود، دسته تعزیه خوان و شبیه ساز کاروان امام حسین (ع) که راه می افتاد، دیگر هیچ کس در خانه بند نمی شد. نه نانوا نان می پخت، نه بقال و چقال دکانشان را باز نگه می داشتند. کاروان هم اصلا انگار همان کاروان امام حسین (ع) بود که با شتر و هودج و غلامانش می گذشت و پشت سرشان خرین ریاحی بود که سوار اسب سرخ و سیاهش می گذشت و بعد هم ابن سعد و ابن زیاد و شمر که مردم لعن و نفرینشان می کردند و پشت سر این گروه هم زنان عاشورا می گذشتند و کل می زدند و ضجه می کشیدند و پشت همه این ها، حبیب بن مظاهر می گذشت که پیرمردی

سخنان حکمت‌آمیز حضرت امام جعفر صادق (ع)

در کتاب «مجموعه شهید اول (ره)» از امام صادق (ع) روایت شده است که فرمودند:

- ۱- طلبت الجنة، فوجدتها في السخاء: بهشت را جست‌وجو کردم، پس آن را در بخشندگی و جوانمردی یافتم.
- ۲- و طلبت العافية، فوجدتها في العزلة: و تندرستی و رستگاری را جست‌وجو کردم، پس آن را در گوشه‌گیری (مبیت و سازنده) یافتم.
- ۳- و طلبت ثقل الميزان، فوجدته في شهادة «ان لا اله الا الله و محمد رسول الله» و سنگینی ترازوی اعمال را جست‌وجو کردم، پس آن را در گواهی به یگانگی خدای تعالی و رسالت حضرت محمد (ص) یافتم.
- ۴- و طلبت السرعة في الدخول الى الجنة، فوجدتها في العمل لله تعالى: سرعت در ورود به بهشت را جست‌وجو کردم، پس آن را در کار خالصانه برای خدای تعالی یافتم.
- ۵- و طلبت حب الموت، فوجدته في تقديم المال لوجه الله: و دوست داشتن مرگ را جست‌وجو کردم، پس آن را در پیش فرستادن ثروت (انفاق) برای خشنودی خدا یافتم.
- ۶- و طلبت حلاوة العباد، فوجدتها في ترك المعصية: و شیرینی عبادت را جست‌وجو کردم، پس آن را در ترک گناه یافتم.
- ۷- و طلبت رقة القلب، فوجدتها في الجوع و العطش: و رقت (نرمی) قلب را جست‌وجو کردم، پس آن را در گرسنگی و تشنگی (روزه) یافتم.
- ۸- و طلبت نور القلب، فوجدته في التفكير و البكاء: و روشنی قلب را جست‌وجو کردم، پس آن را در اندیشیدن و گریستن یافتم.
- ۹- و طلبت الجواز على الصراط، فوجدته في الصدقة: و (آسانی) عبور بر صراط را جست‌وجو کردم، پس آن را در صدقه یافتم.
- ۱۰- و طلبت نور الوجه، فوجدته في صلاة الليل: و روشنی رخسار را جست‌وجو کردم، پس آن را در نماز شب یافتم.
- ۱۱- و طلبت فضل الجهاد، فوجدته في الكسب للعيال: و فضیلت جهاد را جست‌وجو کردم، پس آن را در به دست آوردن هزینه زندگی زن و فرزند یافتم.
- ۱۲- و طلبت حذب الله عزوجل، فوجدته في بغض اهل المعاصي: و دوستی خدای تعالی را جست‌وجو کردم، پس آن را در دشمنی با گنهکاران یافتم.
- ۱۳- و طلبت الرئاسة، فوجدتها في النصيحة لعباد الله: و سروری و بزرگی را جست‌وجو کردم، پس آن را در خیرخواهی برای بندگان خدا یافتم.
- ۱۴- و طلبت فراغ القلب، فوجدته في قلة المال: و آسایش قلب را جست‌وجو کردم، پس آن را در کمی ثروت یافتم.
- ۱۵- و طلبت عزائم الامور، فوجدتها في الصبر: و کارهای پرارزش را جست‌وجو کردم، پس آن را در شکیبایی یافتم.
- ۱۶- و طلبت الشرف، فوجدته في العلم: و بلندی قدر و حسب را جست‌وجو کردم، پس آن را در دانش یافتم.
- ۱۷- و طلبت العبادة فوجدتها في الورع: و عبادت را جست‌وجو کردم، پس آن را در پرهیزکاری یافتم.
- ۱۸- و طلبت الراحة، فوجدتها في الزهد: و آسایش را جست‌وجو کردم، پس آن را در پارسایی یافتم.
- ۱۹- و طلبت الرفعة، فوجدتها في التواضع: و برتری و بزرگواری را جست‌وجو کردم، پس آن را در فروتنی یافتم.
- ۲۰- و طلبت العز، فوجدته في الصدق: و عزت (ارجمندی) را جست‌وجو کردم، پس آن را در راستی و درستی یافتم.
- ۲۱- و طلبت الذلة، فوجدتها في الصوم: و نرمی و فروتنی را جست‌وجو کردم، پس آن را در روزه یافتم.
- ۲۲- و طلبت الغنى، فوجدته في القناعة: و توانگری را جست‌وجو کردم، پس آن را در قناعت یافتم.

از آن طرف اما مشروطه در حال پیروزی بود و قوای سردار اسعد بختیاری و محمدولی خان تنکابنی دیگر به تهران می‌رسیدند که نیامده شهر را گرفتند و شاه را فراری دادند و تاریخ ما را عوض کردند. در همان روزها هم بود که بعضی‌ها می‌گویند کسی به ستارخان هشدار داد که عده‌ای پایانش را می‌خواهند و این مرد ساده و صمیمی باورش نکرد. باقی داستان برعکس آخر شاهنامه ناخوش است. ستارخان و باقرخان توسط همان قوای مشروطه‌خواه به تهران دعوت شدند، طوری که تهرانی‌ها تا دروازه‌های زنجان و قزوین به استقبالشان رفتند و چه گوسفندها سر راهشان قربانی نکردند و چه آذین‌ها برایشان نبستند. انگار نه انگار که برای دست بستنشان نقشه چیده‌اند و وقتی هم به تهران می‌رسند، چه ساده و بی‌حرف به بهانه کمبود جا، از هم جدایشان می‌کنند. عده‌ای را همراه ستارخان فرستادند منزل صاحب اختیار و بعد هم پارک اتابک و عده‌ای با باقرخان رفتند عشرت‌آباد. همین هم بود که دو دست قوای مجاهدان تبریزی از هم جدا شد و سر بی‌کلاه ماند.

بعد هم البته دو مرد در تهران و بی‌کاری تهران نشسته بودند که سردار اسعد پیغام داد: «به سوگندی که خوردید، وفادار باشید و از عواقب وخیم عدم خلع سلاح بپرهیزید.»

که ستارخان حاضر به خلع سلاح و خانه‌نشینی نشد و یغرم خان، رئیس نظمیه که غیرتی شده بود و می‌خواست خودی نشان بدهد، پارک اتابک و مجاهدان را با نیروهای محاصره کرد و در پارک را آتش زد و با مسلسل و تیربار و چند عراده توپ چهار ساعت مجاهدان تبریزی را زیر گلوله گرفت تا بالاخره ۳۰۰ نفرشان را دستگیر کرد و کلی از یاران مشروطه‌چی و همشهری‌اش را به کشتن داد.

بعد هم غارت بود و خرابی که هیچ‌وقت هیچ‌کس تأییدش نکرد و البته تیر خوردن ستارخان در راه‌پله‌ای که به سمت آزادی می‌رفت که زمین‌گیر و خانه‌نشینی کرد تا بعدها در کمال ناتوانی شاهد یک‌تازی‌های افراطیون مشروطه‌چی و آمدن احمد شاه و برگشتن قوای روس و انگلیس به تهران شود و دست‌آخر هم توی رخت‌خوابی چند ساله دق کند و بمیرد؛ درست ۱۰۰ سال پیش در پاییزی غمگین چون این.

وقتی تن رنجور دکتر فاطمی پرچم آزادی شد

۱۱ آبان روزی است که دکتر حسین فاطمی با تب ۴۰ درجه و تن رنجور از شکنجه و گرسنگی در ساعت شش صبح جلوی تیربار اعدام رفت.

«در این مقطعی که یک ساعت از صدور رأی دستوری می‌گذرد، یک ذره ناراحت نیستم، زیرا اگر آن افتخار را پیدا کنم که در راه وطنم این نیمه جان را بگذارم، درست در راه حقیقی خودش شده است.»

(۲۰ مهر ۱۳۳۳ مکتوب شماره ۱۱، خاطرات دکتر فاطمی در زندان)



باز باران با ترانه...

المیرا حصارکی

درست است که همه این روزها در انتظار بارش باران هستند و با دیدن هوای ابری قند توی دلشان قنچ می‌رود. کم‌آبی است و هر کسی به اندازه خودش تلاش دارد تا سهم کوچکی در صرفه‌جویی داشته باشد. اما آن‌هایی که طرفدار شدید گل و گیاه هستند و تراس کوچک آپارتمان خانه‌شان پر است از گلدان‌های کوچک آپارتمانی، با دیدن آسمان ابری دلشان می‌گیرد. نه این‌که از بارش باران ناراحت باشند، نه، دلشان برای گلدان‌های کوچکشان می‌سوزد و نمی‌دانند که با بارش باران چطور می‌توانند از گل‌هایشان مراقبت کنند. ما برای آن‌ها یک راه‌حل ساده داریم: راه‌حلی که به‌خوبی می‌تواند همه چیز را ختم به خبر کند. تنها چیزی که لازم دارید، تعدادی بطری نوشابهٔ خانواده است. بطری‌هایی که قرار است به سطل زباله ریخته شوند، می‌توانند عمر گل‌های آپارتمانی شما را زیاد کنند. ته بطری‌ها را با قیچی صاف ببرید و آن‌ها را درست مانند تصویری که در بالا می‌بینید، در گلدان بکارید. این‌طور شما یک گل‌خانهٔ کوچک دارید و به‌راحتی می‌توانید از گل‌های عزیزتان مراقبت کنید و از بارش سنگین باران هم نترسید که مبادا گل‌های آپارتمانی نازک نارنجی‌تان آسیب ببیند!

این شیشه‌های دوست‌داشتنی

بیشترین دورریختنی که در هر خانه‌ای به‌راحتی هر چه تمام‌تر پیدا می‌شود، شیشه‌های خالی خیار شور، مربا، زیتون و... است. خیلی از خانم‌های خانه‌دار کلکسیون بزرگی از همین شیشه‌ها در کابینت‌های آشپزخانه‌شان پنهان کرده‌اند. آن‌ها این شیشه‌ها را به امید روزی که به آن‌ها احتیاج دارند، روی هم انبار می‌کنند و شب‌های عید که می‌رسد، با پیدا شدن این کلکسیون بزرگ، بحث و جدلی تمام‌نشده در خانه به پا می‌شود. تا به حال شیوه‌های زیادی را برای استفاده کردن از این شیشه‌ها به شما یاد داده‌ایم و این بار هم می‌خواهیم شیوهٔ دیگری را به‌تان یاد دهیم. نقاشی کردن روی این شیشه‌ها و استفادهٔ دکوری یکی از ساده‌ترین راه‌های ممکن است. اگر خانه‌تان مجهز به یک تراس کوچک و جمع‌وجور است، این شیشه‌ها می‌تواند دکوری خوبی برای نمای بالکن شما باشد. روی کانتیر آشپزخانه این دکوری‌ها جلوهٔ خوبی پیدا می‌کند. با یک تکنیک ساده می‌توانید طرح‌های دوست‌داشتنی‌تان را با کاغذ ببرید، نقش را روی شیشه بچسبانید و روی آن رنگ بزنید. بعد از این‌که رنگ خشک شد، کاغذ را بکنید و از جلوهٔ تازه‌ای که برای خانه‌تان درست کرده‌اید، لذت ببرید.



حس خوب تغییر در خانه



یکی از دوست‌داشتنی‌ترین وسایل هر خانه‌ای برای خانم خانه، وسایل آشپزخانه است. به هر خانمی اگر میلیون‌ها تومان پول بدهید، از خرید کیف، کفش و وسایل آشپزخانه سیر نمی‌شود و آخر هر خریدی مقداری بدهکاری هم بالا می‌آورد. خانم‌ها اصولاً به تنوع وسایل آشپزخانه علاقهٔ خاصی دارند. اما بودجهٔ هر خانواده‌ای اجازهٔ این کار را نمی‌دهد. با این حساب می‌توان دست به دامن سلیقه شد و از وسایلی که فکرش را هم نمی‌کنیم، وسایل تازه‌ای تولید کنیم. جای قاشق و چنگال آشپزخانه یکی از اولین وسایلی است که بعد از مدتی دل خانم‌ها را می‌زند و هوس عوض کردن آن به سرشان می‌زند. حالا می‌توانید با شش قوطی کنسرو، یک تکه چوب، تعدادی پیچ و چکش و رنگ، به‌سادگی صاحب یک جا قاشقی جدید شوید. بعد از پیدا کردن یک تخته چوب، قوطی‌ها را به رنگی که دوست

دارید، دربرآورد و بعد از این‌که خشک شدند، درست مانند تصویر کنار هم بچینید و با میخ یا دریل روی چوب سوراخ ایجاد کنید و قوطی‌ها را به تخته چوب پیچ کنید. اگر دوست دارید، می‌توانید یک تکه چرم هم به آن اضافه کنید و جا قاشقی جدیدتان را قابل حمل کنید.

شلختگی در رانندگی تعطیل



یکی از واجب‌ترین وسایلی که هر ماشینی باید داشته باشد، کیسهٔ زباله است. این روزها مد شده که به دندهٔ تمام ماشین‌ها یک کیسهٔ زشت و بدترکیب آویزان شده است و هر چند وقت یک بار به سطل زباله می‌رود و روز از نو و روزی از نو. به غیر از این کیسه زباله‌های مخصوص ماشین هم در فروشگاه‌ها یافت می‌شود که خیلی به‌صرفه نیست هر بار چند هزار تومان صرف یک وسیلهٔ این‌چنین شود. پس چه بهتر

که خودتان با سلیقهٔ خودتان یکی از همین کیسه زباله‌ها درست کنید و از دیدن آن منظرهٔ زشت دوری کنید. تنها چیزی که لازم دارید، یک تکه پارچهٔ ۵۰ سانتی‌متری، نخ و سوزن و مقدار زیادی سلیقه است. کیسه دوختن کار خیلی سختی نیست و احتیاجی به الگوی پیچیده‌ای ندارد. کیسه‌تان را که دوختید، پلاستیک زباله را داخل آن جاسازی کنید و از سوار شدن در ماشین تمیزتان لذت ببرید.

آنهایی که پاییز را دوست دارند، عاشق آبان ماه هستند. هوا نه خیلی سرد است و نه خیلی گرم. در تهران که نه، اما در شهرهای شمالی درختان هزار رنگ می‌شوند و اوقات خوشی را برای پاییز دوستان ایجاد می‌کند. اما آبان ماه پر است از اتفاقاتی خوب فرهنگی که می‌توانید با یک برنامه‌ریزی درست از زمانی که دارید، استفاده کنید. آبان ماهی است که شمال کشور بی‌نظیر است و یکی از پیشنهادهای آبان ماه برای سفر، مسافرت به شهرهای شمالی است؛ مسافرتی که خرج چندانی روی دست شما نمی‌گذارد. از سوی دیگر فیلم‌های جدیدی روی پرده سینماها و شبکه‌های خانگی آمده است که اگر فرصت سفر کردن نداشته باشید، می‌توانید وقتتان را با آن‌ها پر کنید. از سوی دیگر نمایش‌های جدیدی روی صحنه آمده‌اند که دیدنشان خالی از لطف نیست.

MZ

12

5054

سینما

سرگروهی سینما استقلال اکران شد. این فیلم به گفته سعید سعیدی اثری متفاوت در کارنامه حمید نعمت‌الله محسوب می‌شود. فیلم «آرایش غلیظ» در سی‌دومین جشنواره فیلم فجر حضور داشت و جایزه ویژه هیئت داوران را برای بهترین کارگردانی دریافت کرد. این فیلم توانست در بخش‌های بهترین موسیقی متن، بهترین تدوین و نقش اول مرد نیز نامزد دریافت سیمرغ بلورین شود. فیلم «آرایش غلیظ» در پنج بخش بهترین فیلم، بهترین کارگردانی، بهترین بازیگر نقش اول مرد، بهترین موسیقی و بهترین تدوین در هشتمین جشن منتقدان و نویسندگان سینمایی ایران نیز نامزد دریافت جایزه شد.



خلاصه داستان فیلم از این قرار است: «گروه پنج نفره‌ای می‌خواهند محموله‌ای شامل ترفه، فشفشه و اسباب آتش‌بازی را که متعلق به آن‌ها نیست، بفروشند. هیچ‌کدام از آن‌ها کامروا نمی‌شوند، مگر پنجمین نفر که به تردید همیشگی‌اش میان خیر و شر غلبه می‌کند.»

آبان ماه فیلم‌های زیادی روی پرده سینماهاست. اگر هنوز «شهر موش‌ها ۲» را ندیده‌اید، در اولین فرصت به تماشای این فیلم بنشینید و خاطره‌های خوش گذشته‌تان را زنده کنید. این فیلم تا آخر پاییز روی پرده است. خیالتان راحت. اگر دوست دارید به تماشای یک فیلم زنانه بنشینید، «خانوم» به کارگردانی تینا پاکروان را به شما توصیه می‌کنیم؛ فیلمی که زندگی سه زن از سه طبقه متفاوت را به تصویر می‌کشد و کارگردان عقیده دارد که نسل این زنان تمام شده است. «آتش بس ۲» یک فیلم سرگرم‌کننده است که می‌تواند اوقات خوشی را برای شما فراهم کند. حمید نعمت‌الله برای شما یک فانتزی عجیب و غریب ساخته است.

«آرایش غلیظ» فیلمی است که دیدنش خالی از لطف نیست. فریدون جیرانی متفاوت‌ترین فیلم خودش را این روزها روانه سینماها کرده است و خلاصه این‌که قدرت انتخاب زیادی برای تماشای فیلم دارد. اما پیشنهاد ما تماشای فیلم «آرایش غلیظ» است. «آرایش غلیظ» سومین فیلم بلند سینمایی حمید نعمت‌الله از ۲۶ شهرپورماه به

MZ

12

50

تئاتر

شبکه خانگی



به‌تازگی فیلم «زندگی جای دیگری است» به کارگردانی منوچهر هادی وارد شبکه خانگی شده است. آخرین فیلم منوچهر هادی در دومین اکران نوروز روی پرده آمده بود و حالا وارد شبکه نمایش

خانگی شده است. داستان فیلم در مورد بهیاری است که به افرادی که مرگشان نزدیک است، کمک می‌کند. غافل از این‌که حالا همسر شوهر سابقش در این جایگاه قرار گرفته و نمی‌داند که چطور باید به وظیفه‌اش عمل کند. داستان فیلم، قصه سراسری دارد. عده‌ای عقیده دارند که همین سادگی در جاهایی از فیلم حوصله مخاطب را سر می‌برد و نمی‌تواند آن‌طور که باید و شاید قصه را پرداخت کند. اما از سوی دیگر عده‌ای بر این باورند که همین سادگی از جنس مردم است و می‌تواند در باورپذیر کردن داستان کمک بسزایی کند. فیلم بازی‌های درخشانی دارد که یکی از نکات و ویژگی‌های مثبت فیلم به شمار می‌رود. اگر فیلم را ندیده‌اید، بهتر است برای دیدنش برنامه‌ریزی‌هایتان را انجام دهید. در نشست‌های بعد از نمایش فیلم در سالن سینمای مطبوعات برگزار شد، منتقدان عقیده داشتند که نکته بارز و مثبت فیلم، بازی بازیگران، به‌خصوص حامد بهداد بود. شما در این فیلم با یک حامد بهداد کاملاً متفاوت روبه‌رو می‌شوید. بهداد در این فیلم از نقش‌های قبلی‌اش فاصله زیادی گرفته است و شما شاهد همان نقش‌های همیشگی عصبی بهداد در فیلم نخواهید بود. از سوی دیگر یکتا ناصر بازی به‌یادماندنی‌ای را در فیلم از خودش به نمایش درآورده است. جاهایی از فیلم چنان ضجه‌هایی می‌زند که دلت می‌خواهد شانه فردی را که کنارتان نشسته است، گاز بزنید و به همراه او یک دل سیر گریه کنید.

5054

از اواخر مهرماه نمایش‌های زیادی روی صحنه می‌آیند که هر کدام لطف خودشان را دارند. آتیلا پسیانی نمایش جدید «گنگ خواب‌دیده» را روی صحنه تماشاخانه ایران‌شهر برده است. نمایش عروسکی «ملاقات با بانوی سالخورده» نمایش خوب دیگری است که در تئاتر شهر اجرا می‌شود. اما نمایشی که می‌خواهیم به شما



پیشنهاد کنیم، آخرین کار اشکان خیل‌نژاد است. نمایش «بالاخره این زندگی مال کیه» برگزیده چهاردهمین جشنواره تئاتر دانشگاهیان ایران در بخش بازیگری مرد و کارگردانی است و به زندگی استاد مجسمه‌سازی به نام کنت هریسن می‌پردازد که بر اثر تصادف تمام اندامش فلج و در بیمارستان بستری شده است. نمایشنامه «بالاخره این زندگی مال کیه» به تضاد میان فردیت در برابر نظام‌های برساختی می‌پردازد؛ نظامی که در این اثر خود را در شکل یک بیمارستان نمایان ساخته است. هریسن بیماری است که می‌خواهد خود مرگ و زندگی‌اش را انتخاب کند، درحالی‌که دکتر امرسن از او می‌خواهد آن‌گونه که سیستم بیمارستانی می‌خواهد، به زندگی ادامه دهد. نوید محمدزاده، محمدهادی عطایی، ندا گلرنگی، الهه شه‌پرست، آزاده صمدی، هومن کیایی، مینا کریمی‌جبلی، کیوان ساکت‌اف، حمید رحیمی، شهاب‌الدین حسین‌پور، سینا بالا‌هنگ و محمد اشکان‌فر بازیگران این نمایش هستند. این نمایش از بیست‌وهشتم مهرماه در تالار ایران‌شهر روی صحنه می‌رود و تا اواسط آبان‌ماه برای تماشای آن فرصت دارید.

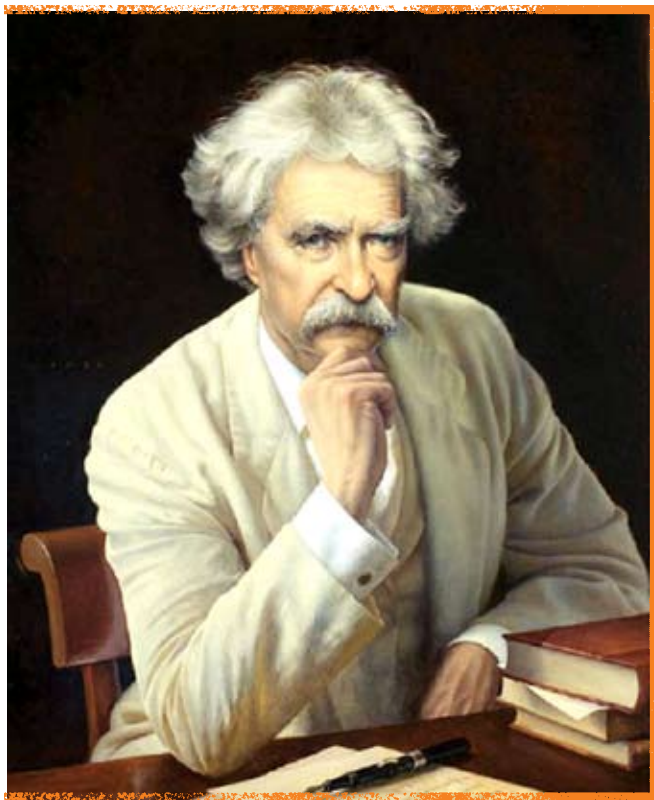
MZ

ادبیات

فرید دانش‌فر

دربارهٔ مارک تواین، پدر ادبیات آمریکا

نویسنده‌ای که روح نوجوانی را زنده کرد



ماه آبان خیلی خوب است، نه به دلیل این که اوج خودنمایی پاییز با آن رنگ‌های شاداش است، بلکه به خاطر تولد نویسنده‌هایی که هر کدام برای خودشان یک غول ادبیات به حساب می‌آیند و در این ماه جمعیان حسابی جمع است. از سیلوپاللات، شاعر معروف آمریکایی تا داستایفسکی که در کشورمان طرفداران زیادی هم دارد و بعد هم آلبر کامو و رابرت لویی استیونسن و... باز هم بگوییم؟! نیمیا یوشیچ خودمان هم در بیست‌ویکم آبان به دنیا آمده. نویسنده‌های خارجی دیگری هم هستند؛ از جمله ایوان تورگنیف، مارگارت میچل، استافان کریین. برای همین کار خیلی سختی بود که از بین این‌ها یک نفر را انتخاب کنیم و درباره‌اش بنویسیم. به همه‌شان فکر کردم و در آخر مارک تواین را انتخاب کردم! حتی آن‌هایی که زیاد اهل مطالعه و کتاب‌نویسی نیستند، این اسم را شنیده‌اند. لابد می‌پرسید چرا؟ برای این که جوابش را بگیرید، شما را با این نویسندهٔ بزرگ آمریکایی بهتر و بیشتر آشنایم کنیم.

اسمش چی بود؟

به جای این که دربارهٔ زندگی‌نامه‌اش بنویسم و قسمت جذاب ماجرا را خراب کنم، اول می‌روم سراغ اسمش. پس برای قدم اول شناخت ایشان، بهتر است بدانید نام اصلی این نویسنده، ساموئل لنگهورن کلمنس است. درواقع مارک تواین یک نام مستعار است. دربارهٔ علت انتخاب چنین اسمی بعضی‌ها می‌گویند او به خاطر دینی که به یک ناخدای کشتی داشت، این نام را انتخاب کرد و بعضی هم عقیده دارند این یک اصطلاح در دریانوردی است و او هم چون به این کار علاقه زیادی داشت، تصمیم گرفت با این نام کارهایش را در روزنامه‌ها منتشر کند. البته ما با تلفظ این اسم هم کمی مشکل داریم! در انگلیسی به این شکل نوشته می‌شود Mark Twain. ولی در کتاب‌ها و مطالبی که دربارهٔ او نوشته شده، چند شکل مختلف می‌بینیم؛ مارک تواین، مارک توین، مارک تواین. «مارک»ش درست است، برای نوشتن قسمت دوم اسم هم اگر به تلفظ انگلیسی دقت کنیم، به نظر می‌رسد باید بنویسیم «تواین» ولی در ایران و بین عامهٔ مردم بیشتر «تواین» شناخته شده است.

از کجا شروع شد؟

شاید در نوجوانی‌اش هم به‌طور جدی به نویسندگی نگاه نمی‌کرد؛ احتمالاً چون خانه‌شان نزدیک رودخانه می‌سی‌سی‌پی بود، بیشتر دنبال رودخانه و دریا و کشتی می‌رفت. او در سال ۱۸۲۵ و در یک خانوادهٔ پرجمعیت به دنیا آمد و وقتی کمی بزرگ شد و چشم‌هایش را باز کرد، فهمید شش خواهر و برادر دارد و وقتی که یک کم دیگر بزرگ شد، یک نفر از آن خانواده کم شد. درواقع او زندگی‌اش معمولی بود تا زمانی که ۱۲ ساله شد و پدرش از دنیا رفت. مارک کوچک به ناچار تحصیلاتش را نیمه‌کاره گذاشت و برای تامین هزینهٔ زندگی، در چاپخانه‌های محلی پادویی کرد. بعد از آن که برادرش روزنامه‌ای به راه انداخت، ابتدا در آن‌جا کار

معروف‌ترین اثر مارک تواین است، در سال ۱۸۸۴ منتشر شد. این رمان دربارهٔ پسر نوجوانی به نام هاک است که پدری الکلی دارد و یک روز در پی دعوا با او خانه را ترک می‌کند و در راه با برده‌ای به نام «جیم» آشنا می‌شود و این دو با یک کلک چوبی روی رودخانه می‌سی‌سی‌پی سفر می‌کنند و ماجراهای کتاب را می‌سازند. این اثر با نظر مثبت و بازخوردهای خوب منتقدان و نویسنده‌های مطرح روبه‌رو شد. ارنست همینگوی، نویسندهٔ شناخته‌شده و یکی از بزرگان ادبیات جهان دربارهٔ این رمان گفته است: «همهٔ ادبیات جدید آمریکا از یک کتاب مارک تواین سرچشمه گرفته و آن «هاکلبری فین» است... و بهترین کتابی است که ما در دست داریم.»

پس چی شد؟

برای کسی که در نوجوانی پدرش را از دست می‌دهد و مجبور می‌شود از ادامهٔ تحصیل انصراف دهد و کار کند، زندگی چندان خوش و راحت نیست. با این حال او کارش را ادامه داد و پله پله جلو رفت و در راهی که قدم گذاشته بود، به‌خوبی پیشرفت کرد. او در ۳۵ سالگی با دختر یکی از صاحبان صنایع ثروتمند نیویورک ازدواج کرد و طعم زندگی شیرین را به‌خوبی چشید. اما روی خوش زندگی برای او همیشگی نبود؛ در نیمهٔ دوم دههٔ ۱۸۹۰ اوضاع برای او به شکل بدی تغییر کرد و دختر جوانش و همین‌طور همسرش از دنیا رفتند. وضعیت برای او بدتر هم شد؛ وقتی که کوچک‌ترین دخترش در شب سال نو میلادی فوت کرد. شاید همین اتفاق‌های ناگوار بود که باعث شد شیوهٔ نگارش و نوع نگاه او دست‌خوش تغییر قرار بگیرد. تواین زندگی‌نامهٔ خودش را هم نوشت و وصیت کرد که تا ۱۰۰ سال پس از مرگش در جایی منتشر نشود. همین‌طور هم شد و این کتاب در سال ۲۰۱۰ به چاپ رسید و تا قبل از پایان این سال، بیشتر از ۲۷۵ هزار نسخه از آن به فروش رفت. او که در سال‌های پایانی عمرش دچار افسردگی شده بود، در سال ۱۹۱۰ بر اثر ایست قلبی از دنیا رفت.

حروفچینی را انجام می‌داد و بعد از آن هم چاپچی شد. در کنار این کارها مطالب طنزی هم از او با امضاهای مختلف در روزنامه به چاپ می‌رسید. این آغاز جرقه‌های نوشتن برای او بود. او نوشتن این مقاله‌های طنز را ادامه داد، ولی در کنار کار مورد علاقه‌اش، دریانوردی. در ۲۲ سالگی موفق شد گواهی‌نامهٔ قایق‌رانی بگیرد و در همان رودخانه‌ای که جلوی چشمش بود، مشغول به کار شد. از سال ۱۸۵۷ تا ۱۸۶۴ روی آب بود، و البته کار روزنامه‌نگاری‌اش روز به روز جدی‌تر شد، تا جایی که سردبیر نشریهٔ «تریبوتریال اینتر پرایز» در ویرجینیا شد. بعد از این مقطع زمانی بود که اولین داستان خود را به نام «وزغ جهنده معروف ناحیه کالاوراس» نوشت. این داستان مورد توجه مخاطبان قرار گرفت و نقطهٔ آغاز به کار این نویسنده شد.

چی نوشت؟

بعد از آن داستان کوتاهش، سفرنامه‌ای به نام «ساده‌دلان در کشتی» را نوشت که دربارهٔ رفت‌وآمدهایش به ایتالیا و بیت‌المقدس بود. لحن و شیوهٔ نوشتن او که طنزآلود است، از همان کارهای ابتدایی هم وجود داشت. تواین «سخت‌گذرانی» و «قرن طلایی» را در سال‌های ۱۸۷۳ و ۱۸۷۳ نوشت که درواقع دربارهٔ سفرها و خاطره‌های او بودند. اولین اثر داستانی او «شاهزاده و گدا» بود و بعد از آن در سال ۱۸۷۶ رمان معروف «ماجراهای تام سایر» را نوشت. شخصیت‌های این رمان برگرفته از دوستان او در دوران نوجوانی‌اش هستند. در این رمان او ویژگی‌های اخلاقی آمریکایی‌ها و عقاید خرافی جوانان آن منطقه را به‌طور واضح نشان می‌دهد. اما مهم‌ترین اثر او دنبالهٔ رمان اولش است. در داستان تام سایر، یک شخصیت فرعی وجود دارد که در رمان بعدی تبدیل به شخصیت اصلی داستان می‌شود؛ هاکلبری فین. این اسم شما را یاد چیزی نمی‌اندازد؟! همان کارتون معروف که سال‌ها قبل از تلویزیون پخش می‌شد و خیلی‌ها از آن خاطره دارند. رمان «ماجراهای هاکلبری فین» که بدون شک

والیبال و بسکتبال و کبدی سربلند، فوتبال جا مانده

چیا فوادی

هفدهمین دوره بازی‌های آسیایی که در شهر اینچئون کره جنوبی برگزار شد، به پایان رسید و همان‌طور که انتظار می‌رفت، چین با ورزشکارهای بی‌شمارش قهرمان شد و البته میزبان، یعنی کره جنوبی، دوم شد. همان‌طور که می‌دانید، در این دوره کاروان ایران با ۲۸۲ ورزشکار شرکت کرده بود و توانست با ۲۱ طلا، ۱۸ نقره و ۱۸ برنز و کسب مقام پنجم رکورد به دست آوردن طلا را پس از انقلاب بشکند. هر چند ایران یک پله نزول داشت، اما دلیل این یک پله نزول این بود که حدود ۱۰۰ ورزشکار کمتر از دوره قبل به اینچئون برده بود و همچنین کاروان قزاقستان نسبت به دوره قبل با دو برابر تعداد بازی‌های آسیایی گذشته پا به مسابقات گذاشت. آن‌ها با ۴۰۰ ورزشکار به اینچئون رفته بودند. اما نکته مهم مدال‌آوری سه رشته تیمی بود. والیبال، بسکتبال و کبدی رشته‌های تیمی بودند که یک طلا و دو نقره برای کاروان ایران به دست آوردند. والیبال طلسم شکست و طلا گرفت، بسکتبال که می‌توانست طلا بگیرد، نقره به دست آورد و هندبال که در دوره قبل نقره گرفته بود، برنز هم نگرفت و چهارم شد. درباره فوتبال هم نمی‌دانیم باید چه بگوییم. آن قدر همه چیز بد بود که تکرارش هم روی اعصاب می‌رود. ناکامی فوتبال نشان از عدم مدیریت صحیح در فدراسیون فوتبال دارد.

والیبالست‌های خسته طلا آوردند

شاید مدال طلای تیم ملی والیبال قابل پیش‌بینی بود، اما والیبالست‌ها خسته رقابت‌های جهانی لهستان بودند. بلندقامتان با تدابیر کوچا سرانجام طلسم را شکستند و قهرمان بازی‌های آسیایی شدند. تیم ایران توانست تیم‌های هنگ‌کنگ، هند، مالدیو، قطر، کره جنوبی، کویت، چین و ژاپن را شکست دهد و با اقتدار قهرمان شود. ایران در این دوره از مسابقات تنها دو ست به حریفان واگذار کرد؛ یکی به کره جنوبی و دیگری در فینال مقابل ژاپن که البته آن قدرها هم مهم نبود. شاگردان کوچا این فرصت را پیدا کردند که انتقام شکست ناباورانه فینال ۲۰۱۰ را در فینال ۲۰۱۴ از ژاپنی‌ها بگیرند و به اولین مدال طلای بازی‌های آسیایی خود در تاریخ والیبال دست پیدا کنند و افتخاراتی را که به دست آورده‌اند، کامل کنند. پس از کسب مقام چهارم لیگ جهانی و ششم شدن در رقابت‌های قهرمانی جهان آن‌ها آخرین مقام تاریخی خود را در اینچئون به دست آوردند و طلا را به گردن آویختند. آن‌ها خسته بودند، اما طلای مهمی برای کاروان ایران گرفتند.



هندبال هم ناکام شد

امیدهای زیادی به تیم ملی هندبال بود که شاید به مدال برنز برسد. اما هندبال به این امید حداقلی هم نرسید. هندبالست‌های ایران هم با حاشیه‌های خاص خود به اینچئون رفتند. برخی ستاره‌هایی که در دوره گذشته همت کردند و ایران را در سکوی دوم قرار دادند، در این دوره به دلیل مسائل انضباطی نتوانستند تیم ملی را همراهی کنند و فدراسیون آن‌ها را محروم کرده بود. سرمربی تیم ملی ایران در بازی‌های آسیایی ۲۰۱۰ ما چک بود که بعد از رفت‌وآمدی دوباره در بازی‌های ۲۰۱۴ هدایت ایران را برعهده گرفت. هندبالست‌های ایران در این دوره از بازی‌ها تیم‌های هنگ‌کنگ، عربستان و کویت را شکست دادند و نتیجه را به تیم‌های عمان و کره جنوبی واگذار کردند. اما در مرحله نیمه‌نهایی مغلوب قطری شدند که تیم منتخب جهان بود. قطری‌ها با استفاده از بازیکنان چندملیتی پا به رقابت‌ها گذاشته بودند و در نهایت نتوانستند مدال طلا بگیرند. ایران در بازی سوم و چهارمی هم به تیم بحرین باخت و برنز هم نگرفت تا در جایگاه چهارم قرار بگیرد.

حیف شد طلا نگرفتند

دو نقره‌ای هم که کبدی‌کاران دختر و پسر گرفتند، می‌توانست طلا باشد، اما در نهایت کبدی‌کاران به نقره بسنده کردند. اگر بخواییم منصف باشیم، کبدی‌کاران ایران هم عملکرد خوبی در این دوره از بازی‌های آسیایی داشتند و به نوعی شایسته قهرمانی بودند، اما در بازی فینال باز با سد محکمی به نام هند مواجه شدند و هر دو تیم مردان و زنان با وجود این که برتر از حریف بودند، به دلیل چند

بسکتبال یا سریال حسرت؟

در رشته بسکتبال ایران می‌توانست طلایی باشد، اما توقعات برآورده نشد. دیدار نهایی مسابقات بسکتبال هفدهمین دوره بازی‌های آسیایی بین تیم‌های کره جنوبی و ایران برگزار شد و تیم ملی بسکتبال ایران در یک بازی نزدیک و در پایان با حساب ۷۹ بر ۷۷ مقابل این تیم شکست خورد و صاحب مدال نقره شد. همه از بسکتبال ایران توقع مدال طلا داشتند، اما متأسفانه با اشتباهی که حامد حدادی در آخرین لحظات انجام داد و زیر سبد نتوانست یک دو امتیاز را به دست بیاورد، فرصت را به کره‌ای‌ها داد تا دو امتیاز به دست بیاورند و کسب خوش‌رنگ‌ترین مدال برای بسکتبالی‌ها در حد حسرت باقی ماند. شاگردان بچپروویچ در این دوره از بازی‌های تیم‌های ملی هند، فیلیپین، ژاپن، مغولستان، چین و قزاقستان را شکست دادند. البته قزاقستان را به سختی شکست دادند. در هر حال تیم ملی بسکتبال ایران در عین ناباوری همگان در بازی‌های آسیایی با شکست مقابل کره جنوبی مدال طلای بازی‌های آسیایی را از دست داد و نقره‌ای به دست آورد که برای علاقه‌مندان بسکتبال به هیچ‌وجه مدال دل‌چسبی نبود. فدراسیون بسکتبال از مدت‌ها پیش اعلام کرده بود هدف بسکتبال ایران در سال ۹۳ فقط به دست آوردن مدال طلای بازی‌های آسیایی بود و حتی جام جهانی بسکتبال را هم فدای بازی‌های آسیایی کردند و آن را آمادگی و پیش‌درآمد بازی‌های آسیایی دانستند. اما هم بازی‌های جهانی را از دست دادیم و هم مدال طلای بازی‌های آسیایی اینچئون را.

اشتباه کوچک نتیجه را واگذار کردند و نتوانستند مدال زرین طلا را کسب کنند. ملی‌پوشان کبدی ایران در بخش زنان و مردان نشان دادند که اگر کمی تمرکز خود را بیشتر حفظ کنند، می‌توانند هند را هم پشت سر بگذارند و روی سکوی قهرمانی بایستند. اما این اتفاق رخ نداد و کبدی‌کاران ایران در عین شایستگی از کسب مدال طلا بازماندند. این دو نقره می‌توانست دو طلا باشد.

امید خیلی ناامید

همیشه کاروان ورزش ایران یک طلا یا حداقل یک مدال برای فوتبال در بازی‌های آسیایی کنار می‌گذارد، اما این دوره هم مثل دوره قبل، ایران به مدال نرسید. البته در دوره قبل ایران به جمع چهار تیم نهایی رقابت‌ها رسید، اما در این دوره تیم ملی امید با شاهکار مدیریتی فدراسیون گل کاشت و قبل از شروع مسابقات و حتی مراسم افتتاحیه حذف شد. کاروان ایران در بازی‌های آسیایی با دیدار تیم ملی امید فوتبال ایران مقابل ویتنام کار خود را آغاز کرد. تیم ملی امید ایران مقابل ویتنام با نتیجه غیرقابل باور ۴ بر یک شکست خورد تا خیلی زود امیدها از این تیم برای کسب مدال از بین برود. ایران در دیدار دوم و آخر خود در مرحله گروهی به مصاف قرقیزستان رفت. عملکرد بازیکنان در این مسابقه هم خیلی بد بود و ایران مقابل قرقیزستان نتیجه‌ای بهتر از یک بر یک به دست نیاورد و در نهایت شاگردان نلو وینگادا با قبول یک شکست و کسب یک تساوی در این گروه سه تیمی سوم شدند تا حذفی زود هنگام و ناباورانه داشته باشند. تیم ملی امید ضعیف‌ترین نمایش تاریخ فوتبال ایران را داشت.

قصه‌ای از شور و عشق



می‌روند جماعت و بر دوش می‌کشند لباس و شمشیر مردانی را که رفته‌اند و زنی دامن‌کشان می‌رود و بر دست‌هایش زنجیری است؛ زنجیری که قلب پرتپشش را آرام نمی‌کند.

سیاه پوشیده‌اند جماعت، خسته‌اند جماعت، بی‌خواب‌اند، اما می‌روند شبانه و شهر زیر پایشان می‌لرزد و درد مثل زلزله‌ای بزرگ و مهیب دهان زمین را باز می‌کند برایشان که قدم بگذارند، بلعیده شوند، جوانه‌ای شوند در دل زمین و هر سال محرم دوباره برویند و آتش بکشند بر دامن آنان که بی‌خستگی به کشتار حق مشغول‌اند در این هزاران هزار سال.

سیاه پوشیده‌اند جماعت، غمگین می‌روند و در دستشان نور است و زنی قصه‌شان را می‌گوید که زنی دیگر می‌شنود و توی گهواره در گوش کودکی می‌خواندش و آن کودک مادر دیگری است که لالایی تلخ زینب را هزار سال خواهد گفت.

هزاران هزار بار بنویسندش، باز هم چیزی برای گفته شدن در دلش دارد.

می‌روند جماعت و زنی جلو دارشان است؛ زنی که اشک‌هایش زمین را بارانی می‌کند، اما قلبش به سختی سنگ شده از حجم دردی که به دوش کشیده است. دست‌هایش برادر و برادرزاده‌ها را به خاک سپرده و نفس‌هایش همه پر از هجوم بغض‌های تازه است. زنی که قدم‌هایش بی‌خستگی می‌برد تنی را که از زخم خونین و سهمگینِ نبردی بی‌سرانجام هزار پاره است.

زنی که وقتی قصه می‌گوید، چشم‌ها باز می‌شود و دهان‌ها خاموش و گوش‌ها، گوش‌ها همه سراپا در حسرت شنیدن دوباره قصه‌هایش.

سیاه پوشیده‌اند جماعت و شمع به دست دارند و می‌روند. عزادار مردی هستند که فریادش قصه‌ای است؛ قصه‌ای که به‌زودی از دل زمین خواهد رویید، در دل نیها و نخل‌ها جوانه خواهد زد و به وقتش، زمانی که آوازهای پردرد به چرخش درآیند در گلوی نیازها یا در بین برگ‌های ریز و درشت درخت‌های پربار نخل، دنیا روایتش را خواهد شنید.

سیاه پوشیده‌اند جماعت و می‌روند، لباس‌هایشان همه روی خاک سوخته می‌کشد، صورتشان خیس از عرق و اشک است و خاک‌آلود از سجده غم. اما می‌روند جماعت و کودکانشان را به دوش می‌کشند تا روزی روایت‌گر حوادثی باشند که به‌تلخی در گوشه‌ای از دنیا به مردی گذشته است.

روایتی که تلخ است، اما دهان‌های تشنه را سیراب می‌کند، روایتی که غمگانه است، اما هزاران سال خوانده می‌شود به شور و عشق، روایتی که درد دارد، اما خستگی ندارد و اگر هزاران هزار نفر،

محرم از راه می‌رسد

آن دم فلک بر آتش غیرت سپند شد

«کشتی شکست خورده توفان کربلا
در خاک و خون فتاده به میدان کربلا
گر چشم روزگار بر او فاش می‌گریست
خون می‌گذشت از سر ایوان کربلا
بودند دیو و دد همه سیراب و می‌مکید
خاتم ز قحط آب سلیمان کربلا
آه از دمی که لشکر اعدا نکرده شرم
کردند رو به خیمه سلطان کربلا
آن دم فلک بر آتش غیرت سپند شد
کز خوف خصم در حرم افغان بلند شد»

(از اشعار قدیمی تعزیه‌نامه‌ها که انگار همین دیروز سروده‌اند؛ بسی که زیبايند)

«شمر: که ای ز تیغ تو هر شیر را به سینه هراس
نهنگ صولت دریای پر دل عباس
برادر تو که این فتنه زیر سر دارد
به‌غیر مرگ ندانم چه در نظر دارد

عباس: مگو برادر نام‌آور حسینم من
غلام حلقه به گوش در حسینم من
کسی غلام تو بیدادگر نمی‌گردد
غلام بی‌سبب از خواجه بر نمی‌گردد»